

خلاصه طرح مطالعاتی زمینه‌یابی تشکیل تعاونیهای

تولیدی - خدماتی

در استان گیلان از: حوزه معاونت آموزش، تحقیقات و ترویج وزارت تعاون

از نظر توسعه فعالیت‌های مربوط به پرورش مرغ و طیور و دامداری و دامپروری و افزایش فرآورده‌های دامی نیز استان گیلان از امکانات مناسبی برخوردار است که در صورت برنامه‌ریزی و بهره‌برداری اصولی از منابع موجود استان، می‌توان ظرفیت تولیدات و فرآورده‌های آن را بعدا کتر رسانید.

خصوصیات جغرافیائی

گیلان یکی از قدیمی‌ترین سرزمین‌های محل زیست انسان و نشو و نمای تحولات جامعه بشری با سابقه بیش از پنج‌هزار سال تمدن درخشان، منطقه‌ای است سرسبز و حاصلخیز که در شمال ایران واقع شده و شامل قسمتی از جلگه‌های ساحل جنوب غربی دریای خزر و کوهپایه‌های تالش و البرز می‌باشد. این استان ۱۴۷۱۱ کیلومتر مربع وسعت دارد که برابر ۰/۹ درصد مساحت کل کشور بوده و از نظر وسعت کوچکترین استان کشور محسوب می‌شود و از جانب شمال به دریای خزر و کشور جمهوری آذربایجان و از غرب به استان اردبیل و از جنوب به استان‌های زنجان و قزوین و از شرق به استان مازندران محدود می‌گردد. استان گیلان دارای ۱۱ شهرستان، ۳۳ شهر، ۲۵ بخش ۹۵ دهستان و ۲۹۵۵ پارچه آبادی بوده و شهر رشت مهم‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر استان و مرکز آن است و دیگر شهرستانهای آن عبارت از آستارا، آستانه اشرفیه، بندرانزلی، تالش، رودبار، رودسر، صومعه‌سرا، فومن، لاهیجان و لنگرود می‌باشد.

از نظر پستی و بلندی سه رشته کوه گیلان را در بر گرفته است این رشته کوهها عبارتند از: ۱- کوههای تالش که به موازات

ساحل دریای خزر امتداد یافته و میان آذربایجان و دریای خزر واقع‌اند.

۲- کوههای طارم و خلخال که رودخانه سفیدرود از میان دره‌های باریک آن می‌گذرد و آنرا از کوههای دیلمان جدا می‌سازد. ۳- کوههای دیلمان که به دنبال رشته‌کوههای البرز است و از جنوب تا منجیل و از شرق تا مناطق بیلاقی تنکابن و ارتفاعات سه هزار پیش می‌رود.

از نظر آب و هوا، گیلان دارای رژیم حرارتی مدیترانه‌ای است، میزان متوسط بارش باران در این استان سالانه به ۱۲۸۰ میلیمتر می‌رسد و رطوبت نسبی هوا بین ۴۰ الی صد درصد متغیر است. حداقل درجه حرارت مطلق استان به ۵/۲ و حداکثر آن به ۳۵/۷ درجه سانتیگراد بالغ می‌گردد و متوسط روزهای یخبندان آن در سال از ۲۴ روز تجاوز نمی‌نماید. در این استان کلاً ۲۰ رودخانه بزرگ و کوچک جاری است که پس از جریان یافتن از ارتفاعات البرز و گذشتن از جلگه گیلان وارد دریای خزر می‌شوند. همچنین چهار سد انحرافی و یک سد مخزنی از نوع بتونی پایه‌دار بنام سد سفیدرود که در دره منجیل واقع شده در این استان قرار دارد که سد اخیر مجهز به نیروگاه بزرگ برق با قدرت ۸۷۵۰۰ کیلووات می‌باشد.

خصوصیات جمعیتی و موضوع کار و اشتغال

بر اساس نتایج آمارگیری جمعیت در سال ۱۳۷۴، جمعیت استان گیلان بالغ بر ۲/۲۷۰،۹۷۸ نفر بوده و تراکم جمعیت در این استان حدود ۱۴۹ نفر در کیلومتر مربع محاسبه گردیده است. از کل جمعیت استان ۴۰/۱ درصد آن در مناطق شهری و ۵۹/۹ درصد آن در مناطق روستائی زندگی می‌کنند. و ۵۱ درصد آن را گروه مردان و ۴۹ درصد جمعیت دیگر را زنان تشکیل می‌دهند. بر اساس همین آمارگیری، ۲۸/۶ درصد جمعیت استان زیر ۱۵ سال قرار دارند و ۵۷/۳ دیگر دارای ۱۵ تا ۶۴ سال می‌باشند و فقط ۴ درصد ۶۵ سال و بالاتر دارند.

در مورد وضعیت اشتغال نیز برآوردها حکایت از آن دارد که ۸۰ درصد از جمعیت فعال استان مشغول بکار هستند و بالغ بر ۱۶ درصد آنها نیز بیکارند. آمارهای موجود در استانداری گیلان همچنین حاکی است که تعداد بیکاران استان در حدود ۱۱۹۱۷۹ نفر و ضریب اشتغال نسبت به کل جمعیت رقمی در حدود ۲۲/۴ درصد می‌باشد که این رقم گویای سنگینی بار اقتصادی شاغلین بوده

و نشان می‌دهد که هر ۲۲/۴ نفر شاغل تکفل هزینه ۷۷/۶ نفر را بر دوش می‌کشند. بدین ترتیب و با توجه به آمارهای موجود می‌توان گفت که استان گیلان یکی از استانهایی است که درصد بیکاری در آن نسبتاً زیاد می‌باشد.

ویژگیهای اقتصادی

کشاورزی

استان گیلان به سبب موقعیت خاص جغرافیائی و قرار گرفتن در بین دریای خزر و ارتفاعات البرز که در پراکنده شدن و نفوذ رطوبت به داخل کشور جلوگیری می‌کنند و همچنین وجود بادهای باران آور در شمال غربی که از سمت اقیانوس اطلس شمالی و یا دریای مدیترانه به ایران می‌آیند از مرطوب‌ترین نواحی ایران می‌باشد علاوه بر رطوبت و باران فراوان عواملی چون مساعد بودن آب و هوا، وجود رودهای پرآب دائمی و خاک حاصلخیز در توسعه کشاورزی این استان بسیار مؤثر بوده است. بهمین سبب با وجود اینکه این منطقه تا حدودی صنعتی شده است لیکن هنوز فعالیت اصلی مردم بر کارهای کشاورزی استوار می‌باشد و مهمترین منطقه تولید برنج در کشور بشمار می‌رود.

از نظر زمین‌های زیرکشت و انواع محصولات، استان گیلان به دو منطقه کلی تقسیم می‌گردد اول منطقه جلگه‌ای که شامل اراضی سمت راست و سمت چپ سفیدرود و ناحیه فومنات می‌باشد و خاکهای آن از شنهای ساحلی، خاکهای رسوبی، چمنی مرطوب و نیمه مرطوب، خاکهای مردابی، خاکهای شبه چمنی باتلاقی تشکیل گردیده و ازپس روی دریای خزر و رسوب گذاری رودخانه‌های فراوان در این ناحیه ایجاد شده است و از استعداد کافی برای کشت برنج، چای، توتون، بادام زمینی، حبوبات، صیفی جات و مرکبات برخوردار می‌باشد.

دوم منطقه کوهستانی که شامل نواحی کوهستانی البرز و دامنه‌های رو به دریای خزر می‌شود. در این منطقه بعلت شیب زمین که در بعضی نواحی خیلی تند است، زمینهای زیرکشت مانند نواحی جلگه‌ای وسیع نبوده و کیفیت خاک آن با آن خاکهای نواحی جلگه‌ای متفاوت است. همچنین میزان رطوبت در این ناحیه کمتر از ناحیه جلگه‌ای بوده و شدت سرمای هوا نیز بیشتر است. زمین‌های این منطقه بطور معمول به درون دره‌ها و حاشیه‌های دو

۹۲/۳٪ از کل اراضی بالقوه کشاورزی به طور بالفعل مورد استفاده کشاورزی اعم از زراعت و باغداری قرار می‌گیرد. حدود ۷۴/۸٪ از زمین‌های زیرکشت بصورت آبی و ۲۵/۲٪ بصورت دیمی کاشت می‌شود و ۹۹/۶٪ از زراعت آبیسی به کشت برنج اختصاص دارد. بعد از برنج زراعت چای از موقعیت خاصی برخوردار است و پس از آن تاکستان دارای اهمیت بوده و مخصوصاً در سالهای اخیر از رونق بیشتری برخوردار گردیده است. مرکبات



طرف رودخانه‌ها و شاخه‌های متعدد آن محدود می‌شود و بطور کلی نوع آب و هوای منطقه کوهستانی گیلان و کیفیت خاک و شبکه آبرسانی آن، این ناحیه را برای کشت محصولات متعدد کشاورزی مستعد ساخته است و محصولات عمده‌ای که از این منطقه بدست می‌آید عبارت از گندم، جو، یونجه و فندق می‌باشد.

مساحت اراضی قابل کشت بالقوه استان حدوداً ۳۴۲۱۸۰ هکتار برآورد شده که از این مقدار ۷۷/۴٪ زیرکشت محصولات سالانه و ۱۴/۹٪ زیرکشت محصولات دائمی ۵/۳٪ درختان غیرمثمر و ۲/۴٪ زیرآیش می‌باشد و بدین ترتیب مجموعاً

نیز هرچند که سطح زیرکشت آن در مقایسه با مازندران چندان زیاد نیست، لیکن در میان کشتهای دایم گیلان سهم قابل توجهی دارد، بطور کلی وضعیت اراضی زیرکشت محصولات کشاورزی در گیلان اعم از کشتهای سالانه یادائم، حاکی از گسترش وسیع کشت محصولات معینی در منطقه می‌باشد، بدین ترتیب که در درجه اول کشتزارهای برنج مهمترین و فراوانترین چشم‌انداز زراعی گیلان بشمار می‌رود، پس از آن غلات که عموماً در نواحی کوهپایه‌ای و کوهستانی کشت می‌شود، در مرتبه دوم قرار دارد، و کشتزارهای چای که خاص گیلان است

سومین مرتبه از نظر سطح زیرکشت را در استان داراست. در مجموع باید گفت که تولیدات کشاورزی استان گیلان بسیار متنوع بوده و برخی از محصولات آن در مقیاس ملی از اعتبار و اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

دامداری، شیلات، پرورش کرم ابریشم و طیور

دامداری در اکثر نقاط استان گیلان رایج است اما قسمت اعظم این فعالیت به شکل سنتی در اختیار کوه نشینان تالش می‌باشد، این کوه‌نشینان که غالباً به کار گوسفندداری اشتغال دارند به سه گروه دامداران خودکفا، دامداران کوچک یا خرده‌پا و دامداران چندگانه کار تقسیم می‌شوند، دامداران خودکفا اکثراً مراتع مورد نیاز خود را در تملک دارند و بطور متوسط هر خانوار دارای ۵۰۰ رأس گوسفند می‌باشد و متوسط تعداد گوسفندانی که هر خانوار دامدار خرده‌پا در اختیار دارد در حدود ۱۵ رأس است و دامداران چندگانه کار، ضمن داشتن اشتغال دیگر به کارهای دامداری نیز می‌پردازند. چون در استان گیلان دامداری صنعتی استقرار چندانی ندارد، بدین ترتیب می‌توان استنباط نمود که در مورد دامداری زمینه سنتی منطقه از استعداد لازم برخوردار می‌باشد. در حال حاضر کل دام‌های استان، اعم از سنتی و صنعتی ۲۵۳۶۸۶۵ رأس است و ۱۰٪ از علوفه مورد نیاز استان از مراتع ۲۰٪ از ضایعات کشاورزی و پس چرای مزارع و ۷۰ درصد بصورت وارداتی تأمین می‌گردد.

در زمینه شیلات با توجه به واقع شدن استان گیلان در کنار دریای خزر، امکان بهره‌گیری از دریا و نعمت‌های بیکران آن بسیار زیاد می‌باشد و تاکنون حدود ۱۰۰ نوع از گونه‌های مختلف ماهی در آبهای دریای خزر شناخته شده است. ماهیانی که

در حال حاضر صید می‌گردند عبارتند از ماهی سفید، کفال، آزاد، اسپله، سوف، کپور، کیلکا و ده‌ه‌انوع ماهی دیگر که علاوه بر تأمین نیاز استان به استانهای دیگر کشور صادر می‌گردد.

در مورد پرورش کرم ابریشم که در کنار کار اصلی کشاورزان صورت می‌گیرد، سهم استان گیلان از کل تولید ابریشم کشور ۸۴/۵٪ است و فعالیتهای مربوط به پرورش ابریشم در ۹۵۵ روستا متداول می‌باشد که در این میان روستاهای تابع شهرستانهای لاهیجان، فومن و رشت در مراتب بالاتری قرار دارند.

در رابطه با مرغداری و پرورش طیور گفتنی است که در استان گیلان فعالیتهای قابل توجهی در زمینه احداث واحدهای پرورش مرغ گوشتی و تخم‌گذار صورت گرفته و امروزه حدود ۱۹۶ واحد پرورش مرغ گوشتی با ظرفیت بیش از ده میلیون قطعه و ۱۱ واحد پرورش مرغ تخم‌گذار با ظرفیت تولیدی بالای تولید ۲۲۰ هزار کیلوگرم تخم مرغ در استان فعالیت دارند. پرورش مرغ بومی که در گذشته نه چندان دور از رونق خوبی برخوردار بوده امروز دیگر زیاد قابل توجه نیست و تولید آن کفاف مصرف داخلی را نمی‌نماید اما اردک و غاز که بطور طبیعی و آزاد پرورش می‌یابند و غذای خود را از آبگیرها و اطراف مزارع بدست می‌آورند و از نظر مقاومت در برابر امراض نیز مصون‌تر می‌باشند به هر ترتیب، پرورش این پرندگان تقریباً در اکثر نقاط استان رایج است.

صنعت

استان گیلان در چند دهه اخیر از نظر صنایع رشد قابل توجهی نموده و شهرستان رشت بصورت یک شهر نیمه صنعتی در آمده است. هم‌اینک کارگاههای بزرگ صنعتی استان در حدود ۶ درصد از سهم اشتغال کل کشور را در اختیار دارند و ارزش تولیدات صنعتی آن به بیش از ۸۰

میلیارد ریال می‌رسد که ارزش افزوده‌ای معادل ۴/۶ میلیارد ریال را دارا است که به ترتیب ۳/۹ درصد ارزش تولیدات و ۲/۵ درصد ارزش افزوده صنایع کل کشور را تشکیل می‌دهد. استان گیلان از نظر ارزش افزوده صنعت در کشور مقام پنجم و از نظر اشتغال در صنایع بزرگ مقام چهارم را داراست. و در برابر هر ۱۱ نفر شاغل در استان یک نفر شاغل در بخش صنعت وجود دارد.

همچنین تعداد کارگاههای بزرگ صنعتی استان بالغ بر ۲۲۶ کارگاه فعال است که به ترتیب ۱۰۹ کارگاه در رشته صنایع غذایی، آشامیدنیها و دخانیات ۲۷ کارگاه در رشته نساجی، پوشاک و چرم ۲۵ کارگاه در رشته صنایع کانی غیرفلزی و ۱۶ کارگاه در رشته صنایع شیمیائی ۱۵ کارگاه در رشته صنایع ماشین‌آلات، ابزار و محصولات فلزی فعال می‌باشند. از میان رشته‌های صنعتی فوق، اهمیت صنایع چوب از دیگر صنایع استان بیشتر بوده و از این نظر در سطح کشور در مقام سوم قرار دارد و بعد از آن صنایع نساجی دارای نقش و اهمیت بیشتری است.

صنایع دستی نیز اخیراً گسترش چشمگیری در استان یافته است و تعداد قابل توجهی از شاغلین در زمینه‌های تولید فرش، گلیم، جاجیم، چادرشب، حصیر، سفال سقف و سرامیک، نمدالی و چاروق دوزی در اغلب شهرها و روستاهای استان فعالیت می‌نمایند.

معادن

استان گیلان دارای انواع معادن سنگ، زغال سنگ، گرانیت، میکا، فلداسپات و نظایر آنست که فراوانترین نوع آنها را معادن سنگ لاشه، سنگ چینی و زغال سنگ تشکیل می‌دهد. به غیر از معادن فوق سایر معادنی که در سطح استان استخراج می‌گردد عبارت از سنگ کوب، سنگ آهک، میکا، خاک نسوز، صدف دریائی، سنگ گچ،

سیلیس، آذرین و مرمریت می‌باشد که نیازهای استان را در زمینه‌های مرزبور تأمین می‌نماید و هم‌اینک تعداد ۲۸ معدن فعال و ۲۵ معدن غیرفعال در استان وجود دارد که بیش از ۱۶۷۵ میلیون تن مواد معدنی از آنها استخراج می‌گردد.

خدمات و بازرگانی

استان گیلان دارای دو مرکز ورود و صدور کالا شامل بندر انزلی و آستارا است بندرانزلی دارای دو اسکله عمومی به ظرفیت ۴۰۰ هزارتن و ۲ اسکله ویژه به ظرفیت ۲۵۰ هزارتن در سال می‌باشد که در مجموع ظرفیت رسمی اسکله‌های بندرانزلی ۸۵۰ هزارتن در سال بوده و در مواقع ضروری ظرفیت آنها را به یک میلیون تن نیز می‌توان افزایش داد، در حال حاضر یک پست دیگر اسکله نیز در دست آماده‌سازی است. و اما از نظر انبار و سردخانه ظرفیت مراکز نگهداری گندم در استان ۱۱۴۰۰۰ تن می‌باشد و ظرفیت سردخانه‌های موجود استان نیز ۱۰۷۲۷ تن است که با اتمام پروژه در دست اجرای ۵۰۰۰ تنی این ظرفیت به ۱۵۷۲۷ تن افزایش می‌یابد.

ترخیص کالا و صادرات و واردات هم بخشی از فعالیت‌های بازرگانی خدماتی استان گیلان را تشکیل می‌دهد که زمینه گسترش آن نیز فراهم است، این استان به لحاظ شاخص بهداشت، درمان و تغذیه در مقایسه با سطح ملی از وضعیت مطلوبی برخوردار است اما در رابطه با توریسم با توجه به اینکه زمینه جذب توریست در آن کاملاً فراهم می‌باشد معذالک فعالیت خاص و قابل قبولی در این مورد به چشم نمی‌خورد.

ارائه تصویری از فعالیتهای بخش تعاون

این مبحث را با بررسی فعالیتهای تعاونی در بخش‌های مختلف اقتصادی آغاز می‌کنیم. در بخش کشاورزی و در

زمینه زراعت باید گفت که تاکنون شیوه‌های تعاونی در این فعالیت چندان رسوخ پیدا ننموده و علیرغم کوشش‌های بعمل آمده در جهت یک پارچه سازی اراضی و مکانیزه نمودن آنها از طریق ایجاد تشکل‌های تعاونی، موفقیتی پیش نیامده است و یا در زمینه باغداری بخش تعاون نقش چندان فعالی ندارد همین امر در زمینه پرورش کرم ابریشم نیز صادق است و بخش تعاون هیچگونه فعالیتی در ارتباط با پرورش کرم ابریشم و خشک کردن پيله و ابریشم کشی ندارد لیکن در زمینه دامداری و مرغداری نقش تعاونیها نسبتاً

استان گیلان از نظر توسعه اقتصادی منطقه و ایجاد اشتغال برای بیکاران خود نیازمند انواع سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات می‌باشد. از نقطه نظر کشاورزی نیاز به یکپارچه سازی اراضی و مکانیزه کردن کشاورزی بمنظور بهره‌برداری هر چه بیشتر از زمین‌های موجود از ضروریات اولیه است

خوب و قابل توجه می‌باشد هم‌اینک ۴ گاوداری فعال ۱۵ گاوداری غیرفعال و ۹ گاوداری در دست اجرا در استان گیلان وجود دارد و پیش‌بینی می‌شود که با توجه به زمینه‌های مناسبی که برای انجام این فعالیت موجود می‌باشد در آینده بخش تعاون جایگاه مناسبی را در فعالیتهای دامداری بخود اختصاص دهد. همینطور در قسمت مرغداری ۱۷ تعاونی فعال و ۱۷ تعاونی غیرفعال و ۱۴ تعاونی در دست اجرا در سطح استان موجود است. از آنجا که بر اساس ارزیابی بعمل آمده ۲۰ تا ۲۰ درصد تولید مرغ استان توسط تعاونیها انجام می‌گیرد لذا امکان گسترش این فعالیت در آینده بیش از امروز خواهد بود.

در زمینه جنگل نیز گرچه تا حال تنها یک تعاونی در این رابطه تشکیل یافته و یک تعاونی دیگر در شرف تشکیل می‌باشد، لیکن با توجه به میزان جنگل‌های موجود استان پیش‌بینی می‌شود که در آینده انجام فعالیت‌های مرتبط با جنگل و جنگلداری با استفاده از شیوه‌های تعاونی، بیشتر مورد استقبال قرار گیرد.

و اما استان گیلان در زمینه شیلات، بخش تعاون از جایگاه کاملاً مناسبی برخوردار است، بگونه‌ای که وجود ۳۰ تعاونی صیادی فعال و یک تعاونی صیادی در شرف تشکیل، حاکی از موفقیت بخش تعاون در زمینه صید و صیادی در استان گیلان بوده و امید آن می‌رود که در آینده تعاونیها نقش بیشتر و ارزنده‌تری را در توسعه فعالیتهای صیادی و بهبود وضعیت صیادان و بالاخره رونق اقتصاد منطقه ایفاء نمایند.

در زمینه صنایع ماشینی بخش تعاون از موقعیت خوبی برخوردار نیست در حال حاضر تنها ۳۲ واحد صنعتی فعال در استان گیلان به شیوه تعاونی فعالیت می‌نمایند و ۳۴ واحد صنعتی تعاونی نیز در شرف تأسیس می‌باشد و انتظار می‌رود که بخش تعاون بتواند در آینده جایگاه مطلوبی را در اقتصاد صنعتی استان بدست آورد اما در زمینه صنایع دستی می‌توان اظهار داشت که تعاونیها نقش بارزتری دارند هم‌اکنون چهار تعاونی در زمینه تولید و بافت فرش دستباف و یک تعاونی در زمینه چادرشپ به شیوه تعاونی در سطح استان فعالیت می‌نمایند.

در زمینه معدن به رغم فراوانی معادن در استان گیلان و امکان بهره‌برداری بیشتر از آنها، چندان رغبتی جهت ایجاد تشکل‌های تعاونی بمنظور بهره‌برداری از معادن، وجود ندارد و در حال حاضر تعداد تعاونی‌هایی که در قالب تعاونی بکار استخراج معدن مشغولند ۴ واحد است و ۸

واحد دیگر نیز در شرف تأسیس می‌باشد. در زمینه خدمات و بازارگانی استان گیلان توانسته است در چند ساله اخیر کامهای مؤثری را بردارد. خصوصاً اینکه گستردگی و نیاز روزافزون جامعه موجب آن شده است تا توجه بیشتری به فعالیتهای خدماتی معطوف گردد. این فعالیتها در زمینه شرکتهای خدماتی مکانیزاسیون کشاورزی با ۲ واحد تعاونی، مدارس غیرانتفاعی با ۵ واحد تعاونی، مجتمع‌های تفریحی ورزشی با ۲ واحد تعاونی، خدمات عمومی با یک واحد تعاونی و خدمات تبلیغی و فیلم با ۲ واحد تعاونی انجام می‌گیرد. همچنین وجود اتحادیه‌های تعاونی و تعاونیهای مختلف مصرف، تأمین نیاز تولیدکنندگان، مسکن و اعتبار مؤید نقش تعاونیها در زمینه بازارگانی، توزیع کالا تأمین مسکن و خدمات اعتباری است.

نیازهای اقتصادی

استان گیلان از نظر توسعه اقتصادی منطقه و ایجاد اشتغال برای بیکاران خود نیازمند انواع سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات می‌باشد. از نقطه نظر کشاورزی نیاز به یکپارچه سازی اراضی و مکانیزه کردن کشاورزی بمنظور بهره‌برداری هر چه بیشتر از زمین‌های موجود از ضروریات اولیه است همچنین احیای باغات و اصلاح روش‌های کشت محصولات زراعی و باغی از نیازمندیهای بخش کشاورزی بشمار می‌رود. ایجاد مزارع مرغ مادر، توسعه فعالیت واحدهای مرغداری موجود، رفع مشکلات و فعال سازی واحدهای پرورش گوسفند با استفاده از شیوه‌های سنتی بمنظور تأمین گوشت و شیر مورد نیاز منطقه، توسعه فعالیتهای صید و صیادی و ایجاد اسکله در حاشیه مرداب و رودخانه‌ها جهت پهلوگیری لنج‌های صیادی و در زمینه صنعت نیاز به

ایجاد صنایع متناسب با شرایط طبیعی، فرهنگی و اقتصادی در شهرها و روستاها و خصوصاً ضرورت توجه به صنایع تبدیلی و غذایی همچون تولید پودر ماهی، کنسرو واحدهای چای خشک‌کنی و صنایع مربوط به ضایعات کشاورزی، چرم سازی، روغن کشی کاملاً احساس می‌گردد همچنین توسعه فعالیتهای مربوط به معدن و سرمایه‌گذاری در این زمینه و فراهم نمودن ماشین آلات و امکانات لازم جهت استفاده بهتر از معادن موجود و بالاخره توجه به صنایع دستی رایج استان و بهبود کیفیت و بازاریابی برای این صنایع از ضروریات بشمار می‌رود و در رابطه با نیازهای خدماتی باید از لزوم توسعه امکانات توریستی و ایجاد اقامتگاهها و تجهیزات توریستی موجود - توسعه امکانات مسافرت دریائی، ایجاد واحدهای بهداشتی درمانی، توسعه ورزشگاهها، توسعه آموزشگاهها و مدارس غیرانتفاعی، نام برد.

استعدادهای بالقوه

اگر چه در استان گیلان بدلیل محدودیت اراضی امکان گسترش فعالیت‌های کشاورزی موجود نیست و یا اینکه کمتر ممکن است لیکن این استان به لحاظ برخورداری از شرایط طبیعی و مرغوبیت خاک و تأسیسات زیربنائی دارای استعدادهای کافی در جهت اصلاح و بهبود وضعیت کشاورزی و ارتقاء سطح بهره‌وری است که از جمله آنها باید به صنایع آبی استان اشاره نمود وجود چشمه‌سارها و رودخانه‌ها و باران‌های دائمی و از همه بالاتر سد مخزنی سفیدرود بسا ظرفیت ۱۸۰۰ میلیون متر مکعب از امکانات مناسبی هستند که می‌توانند با انجام برنامه‌ریزی دقیق، در بهبود کیفیت محصولات و افزایش تولیدات کشاورزی مؤثر واقع گردند. از نظر توسعه فعالیتهای مربوط به

پرورش مرغ و طیور و دامداری و دامپروری و افزایش فرآورده‌های دامی نیز استان گیلان از امکانات مناسبی برخوردار است که در صورت برنامه‌ریزی و بهره‌برداری اصولی از منابع موجود استان، می‌توان ظرفیت تولیدات و فرآورده‌های آن را بحد اکثر رسانید.

و اما از نقطه نظر استعدادهای صنعتی، در حال حاضر شهرستانهای رشت، انزلی و لاهیجان از امکانات بیشتری برخوردارند ولیکن در جهت توسعه صنعت در منطقه گیلان بنظر می‌رسد که صنایع وابسته به کشاورزی و امور دامی و ضایعات آنها بدون استحصال مطلوب، فاسد شده و ضایع می‌گردد لذا زمینه کافی بمنظور ایجاد صنایع تبدیلی در استان بیشتر فراهم است. در مورد معدن نیز استان گیلان دارای استعدادهای بالقوه فراوان می‌باشد منتهی بهره‌برداری از این معادن مستلزم فرهنگ معدن‌کاری است، چرا که در حال حاضر اکثر معادن استان غیرفعال و راکدند و رغبت چندانی برای اشتغال در این زمینه وجود ندارد.

استعداد طبیعی دیگری که خطه گیلان از آن بهره‌مند می‌باشد طبیعت زیبا و دل‌انگیز آنست که می‌تواند بستر مناسبی جهت ایجاد فعالیتهای فرهنگی و توریستی باشد. از پروژه‌هایی که در این زمینه قابلیت آن را دارد که بطور بالقوه منشاء توسعه و رونق اقتصادی منطقه و ایجاد اشتغال گردد می‌توان از ایجاد مجتمع‌های تجاری و فرهنگی و تفریحی واحداث سینما و هتل نام برد که با توجه به موفقیت ممتاز استان گیلان از نظر وجود جاذبه‌های توریستی، از نظر اقتصادی قابل توجیه می‌باشد.

استعداد بالقوه دیگری که در استان گیلان زمینه آن فراهم می‌باشد ایجاد مدارس غیرانتفاعی است که با یک برنامه‌ریزی صحیح می‌توان این استعداد

بالقوه را به بالفعل تبدیل نمود.

موانع موجود در مسیر توسعه اقتصادی

با نگرشی دقیق به اوضاع اقتصادی منطقه و بررسی فعالیتهای موجود در زمینه‌های مختلف کشاورزی، صنعت، معدن، خدمات بازرگانی. می‌توان گفت که در فعالیتهای کشاورزی امکان اشتغال‌زایی بسیار پایین است و بخش کشاورزی پاسخگویی نیاز شغلی جمعیت فعال امروز استان نیست و امکان گسترش آن نیز وجود ندارد و چون زمین‌های کشاورزی دارای محدودیت می‌باشد و از طرفی به علت تقسیم شدن اراضی به قطعات کوچک امکان بهره‌برداری مورد انتظار از آنها بسیار کم است، لذا تنها طرح یکپارچه‌سازی زمین‌ها و مکانیزاسیون فعالیتهای کشاورزی ضرورت دارد ولیکن موضوع بهمین جا ختم نمی‌گردد و چنین اقدامی پی‌آمدهای دیگر خواهد داشت که شاید چندان نیز مطلوب نباشد. از آن جمله کاهش میزان اشتغال موجود در بخش کشاورزی است که این امر ممکن است خود مانعی در جهت بهبود وضعیت شاغلین بخش و ارتقای سطح زندگی آنان گردد. اما در بخش صنعت اوضاع متفاوت می‌باشد اگرچه در استان گیلان امکان فعالیت بر روی صنایع تبدیلی بسیار است، لیکن موانع زیادی نیز در سر راه توسعه صنعتی استان موجود می‌باشد که نمی‌توان بی تفاوت از کنار آنها گذشت. مسائلی از قبیل وابستگی به ماشین آلات و مواد اولیه خارجی - عدم رعایت مقررات استاندارد در برخی کالاها - عدم ارتباط تنگاتنگ بخشهای صنعتی و کشاورزی، وجود بعضی واحدهای صنعتی غیر ضروری بالا بودن هزینه سرمایه‌گذاری در بعضی صنایع، عدم استفاده از ظرفیت کامل ماشین آلات و امکانات تولیدی، کمبود

متخصصین و پائین بودن آگاهی کارکنان بخش صنعت، بالا بودن هزینه‌های تولید - که عملاً کالاها را از گردونه رقابت در بازار خارج می‌نماید - همه از موانع مؤثر در مسیر توسعه صنایع استان بشمار می‌روند.

در ارتباط با فعالیتهای خدماتی و بازرگانی نیز عدم تجهیزات کافی بندری و عدم سرمایه‌گذاری مناسب در زمینه راه و حمل و نقل و نامشخص بودن سیاست‌های بازرگانی خارجی در مبادلات تجاری با کشورهای همجوار از موانع عمده می‌باشد که در صورت فراهم شدن شرایط و رفع موانع موجود امکان تشکیل تعاونیهای اشتغال‌زای گوناگون در این زمینه بسیار خواهد بود. و بالاخره باید از موانع طبیعی نام برد که مسائلی مانند عدم ایمنی لازم در

مقابل سوانح طبیعی همچون سیل و زلزله و پیشروی آب دریا که خطری جدی برای توسعه منطقه می‌باشد از این قبیل است.


زمینه‌های امکان‌پذیر جهت انجام فعالیتهای اقتصادی به شیوه تعاونی

پس از بررسی تمام جوانب و با در نظر گرفتن کلیه شرایط حاکم بر منطقه گیلان زمینه‌های چندی برای فعالیت به شیوه تعاونی شناسائی گردیده‌اند که بنظر می‌رسد در صورتیکه مطالعه عمیق‌تری در مورد آنها انجام پذیرد از سرمایه‌گذاریهای اقتصادی نتیجه مطلوب‌تری حاصل گردد. بطور کلی با توجه به آنچه که قبلاً گفته شد زمینه‌های امکان‌پذیر جهت انجام فعالیت به شیوه تعاونی به شرحی است که ذیلاً بیان

بخش تعاون استان گیلان در زمینه شیلات، از جایگاه کاملاً مناسبی برخوردار است، بگونه‌ای که وجود ۳۰ تعاونی صیادی فعال و یک تعاونی صیادی در شرف تشکیل، حاکی از موفقیت بخش تعاون در زمینه صید و صیادی در استان گیلان بوده و امید آن می‌رود که در آینده تعاونیها نقش بیشتر و ارزنده‌تری را در توسعه فعالیتهای صیادی و بهبود وضعیت صیادان و بالاخره رونق اقتصاد منطقه ایفاء نمایند.

می‌گردد. لیکن ابتدا باید گفت که در بخش کشاورزی امکان ایجاد فعالیت جدید در زمینه‌های زراعت و باغداری بعلاوه محدودیت اراضی موجود نمی‌باشد و در زمینه دامداری نیز اگر چه امکان گسترش این فعالیت به شیوه بومی وجود دارد ولی در زمینه دامداری صنعتی باز هم بعلاوه کمبود زمین جهت تولید علوفه امکان چنین امری چندان امیدبخش نیست همینطور در زمینه پرورش ماهی که به لحاظ محدودیت استخرهای استان و اینکه استخرهای موجود با تمام ظرفیت خود مشغول فعالیت می‌باشند امکان توسعه این فعالیت با ایجاد تعاونیهای جدید از این نوع وجود ندارد. در مقابل زمینه‌های لازم جهت پرورش مرغ کوشتی در این استان بسیار زیاد است





چگونه می‌توان عضو کارآمد هیات مدیره شد

بخاطر داشته باشید که اعضاء از شما میخواهند که در کنترل و پیشرفت سازمان تعاونی به آنان کمک کنید.

از: اتحادیه سراسری تعاونیهای مصرف کارکنان دولت

اشاره:

اتحادیه سراسری تعاونیهای مصرف کارکنان دولت، به منظور ارتقاء سطح دانش اعضاء مدیران اتحادیه‌ها و تعاونیهای عضو و همچنین آشنایی علاقمندان به امور تعاونی با تجارب تعاونی دیگر کشورها، از طریق بخش تحقیقات و انتشارات خود تعداد قابل ملاحظه‌ای از کتابها و نشریات اتحادیه بین‌المللی تعاون و دفتر منطقه‌ای آن در آسیا و اقیانوسیه را خریداری نموده و در دست ترجمه دارد. یکی از نشریات جالب توجه که مطالب آن با عنوان فوق‌الذکر به نظر گرامی شما می‌رسد و توسط دفتر منطقه‌ای اتحادیه بین‌المللی تعاون در مشرق، مرکز و جنوب آفریقا واقع در تانزانیا تهیه و به چاپ رسیده و به هزینه اتحادیه تعاونیهای مصرف کارکنان دولت در کردستان ترجمه شده و به صورت مستقل نیز در شرف انتشار می‌باشد، حاوی مطالب سودمندی پیرامون وظایف هیات مدیره و مدیران عامل تعاونیها است که مطالعه آن می‌تواند برای مدیران و کارگزاران تعاونیها و دیگر علاقمندان به این گونه مباحث مفید واقع شود.

ماهنامه تعاون، ضمن تشکر از اتحادیه سراسری تعاونیهای مصرف کارکنان دولت به خاطر اجازه نشر این اثر در این شماره، توفیق بیشتر مدیران و کارکنان آن اتحادیه و همچنین مدیران و مسئولان اتحادیه تعاونیهای مصرف کارکنان دولت در استان کردستان را در توسعه و ترویج فرهنگ تعاون از درگاه خداوند بزرگ مسئلت دارد.

کنید "تبریک" و هم اکنون اجازه دهید که درباره کار و شغل صحبت کنیم. احتمالاً تشخیص داده‌اید اعضائی که شما را انتخاب کرده‌اند این عمل را با قصد و

اعتماد و باور اعضاء به شماست. به نظر اعضاء شما همان شخص مناسب و مورد نظری هستید که میتوانید برای آنها کار انجام دهید، حرف بزنید و آنان را مطرح

اجازه بدهید ابتدا به شما تبریک بگویم شما به عنوان عضو هیات مدیره سازمان تعاونی انتخاب شده‌اید. اتفاق بسیار مهمی است زیرا این نشانه

منظور و عمد انجام داده‌اند. آنها می‌خواهند که سازمان تعاونی آنها را کنترل کرده و توسعه دهید.

آنها مطمئن هستند که شخص مناسبی برای اینکار هستید بعبارت دیگر اعضا از شما انتظاراتی دارند.

ما مطمئن هستیم که از انتظارات آنها آگاه هستید و باز مطمئن هستیم که در وقت نیاز آنها را تنها نخواهید گذاشت. احتمالاً شما نیز هم اکنون باین فکر می‌کنید که چگونه می‌توانید این انتظارات را برآورده کنید.

امیدواریم که این مقاله به شما کمک کند، زیرا هدف این مقاله کمک و یاری به شماست در اجابت انتظارات اعضا و تبدیل شدن شما به یک عضو مفید و کارآمد.

اعضا از شما می‌خواهند که به آنها کمک کنی، سازمان تعاونی آنها را کنترل و در پیشرفت آن بکوشی. بطور خلاصه، اعضا از هیأت مدیره می‌خواهند که دوکار مهم برایشان انجام دهند.

۱- کنترل امور جاری تعاونی

۲- ساختن آینده یعنی: توسعه سازمان تعاونی آنها.

منظور از کنترل، کنترل امور مالی یعنی درآمدها و هزینه‌ها است و متعادل نمودن آنها. ساختن آینده یعنی: توسعه سازمان تعاونی، پیشرفت دادن آن بر اساس وضعیت موجود و شروع فعالیت‌های جدید اقتصادی و:

این یکی از پیامهای مهم اعضا است. در حقیقت چنان حائز اهمیت است که ما مجدداً آنرا تکرار خواهیم کرد.

بنابراین بخاطر داشته باشید که اعضا از شما می‌خواهند که در کنترل و پیشرفت سازمان تعاونی به آنان کمک کنید.

شرایط عمومی یک عضو هیأت مدیره
عضو هیأت مدیره بودن یک وظیفه

پرمسئولیت است زیرا انتخاب فرد (مرد یا زن) مناسب برای سازمان تعاونی امر بسیار مهمی است. عضو هیأت مدیره باید واجد شرایط زیر باشد:

دیدگاه و نگرش تعاونی: یعنی داشتن فهم و درک روشن از هدف سازمان تعاونی آشنایی با کسب و کار یعنی:

درک و فهم اقتصادی و مالی و اینکه چگونه تعاونی می‌تواند برای ادامه فعالیت‌های خود منابع کافی تامین کند:

● آگاهی از قانون تعاونی، مقررات و آئین نامه‌ها

● صرف وقت برای خواندن گزارشات،

مدیران در هدایت امور تعاونی بر اساس قانون شرکت‌های تعاونی، اساسنامه، آئین نامه‌ها و خط مشی‌های هیأت مدیره بطوریکه تعاونی بتواند به سمت اهداف سازمانی خود حرکت و به آنها برسد.

داشتن روابط و مناسبات با اعضا و نقش رهبری بعنوان یک مثال یا نمونه و معنی دادن به نقطه نظرها و نیازهای اعضا.

مدیریت: یعنی عمل کردن بصورت جمعی با سایر اعضای هیأت مدیره، داشتن قدرت و اختیار بعنوان مدیر فقط در جلسات هیأت مدیره و بعنوان نماینده هیأت مدیره در کمیته‌ها.

اعضا در مورد اهداف کلی تصمیم می‌گیرند، هیأت مدیره هدایت می‌کند و مدیر عامل جامه عمل می‌پوشاند. در مجامع عمومی اعضا درباره معاملات و داد و ستدهای تعاونی خود بحث می‌کنند.

آنها ارجحیت‌ها را بیان قطعنامه‌ها و دستور جلسات را پیشنهاد و از تصویب می‌گذرانند، این فعالیت‌ها نشان دهنده اینست که اعضا از سازمان تعاونی خود چه انتظاراتی دارند. این وظیفه هیأت مدیره است که علائق و خواست‌های اعضا را به خط مشی‌های ویژه در آورد، این خط مشی‌ها خطوط راهنمای مدیریت است، آنها به مدیر عامل می‌گویند که چه کاری انجام دهد.

مدیریت عمومی: در جلسات هیأت مدیره مدیریت عمومی یک کلید ابتکار و تدبیر و قسمتی از مدیریت عمومی گروه خواهد بود. روابط بین اعضای هیأت مدیره همانند روابط با سایر اعضا خواهد بود.

کارکنان: روابط خاصی بین روابط یک عضو مطلع با کارکنان نباید داشت.

برنامه ریزی یک وظیفه هیأت مدیره. اعضا در مورد اهداف کلی تصمیم می‌گیرند، هیأت مدیره هدایت می‌کند و مدیر عامل جامه عمل می‌پوشاند. در مجامع عمومی اعضا درباره معاملات و داد و ستدهای تعاونی خود بحث می‌کنند.

آنها ارجحیت‌ها را بیان قطعنامه‌ها و

صحبت با اعضا، مدیر عامل، تهیه مطالب و مشارکت در جلسات.

● علاقمند به فعالیت سازمان تعاونی و توانایی شنیدن و حرف‌های اعضا و داشتن ابتکار عمل.

● کسب و داشتن تجاربی برای اینکه دانش و آگاهی‌های مربوط قبلی در دسترس هیأت مدیره باشد.

● داشتن مهارت و دانش ذهنی و توانایی خواندن، فهمیدن و داشتن تصویری صحیح و کامل از نتایج بحث‌ها، گزارشات و سایر مستندات است.

وظایف و مسئولیت‌های شما بعنوان عضو هیأت مدیره بشرح زیر است:

وظیفه و نقش اصلی: مشارکت با سایر

دستور جلسات را پیشنهاد و از تصویب میگذرانند، این فعالیت‌ها نشان دهنده اینست که اعضا از سازمان تعاونی خود چه انتظاراتی دارند. این وظیفه هیات مدیره است که علائق و خواست‌های اعضا را به خط مشی‌های ویژه درآورد، این خط مشی‌ها خطوط راهنمای مدیریت است، آنها به مدیرعامل می‌گویند که چه کاری انجام دهد. در هر حال مسائل مهم و زیادی وجود دارند از قبیل موضوعاتی که در مجامع عمومی سالیانه درباره آنها بحث نمی‌شود هیأت مدیره باید شخصاً این موضوعات را بعهده بگیرند، درباره آنها بحث کنند و چگونگی اثر آنها را بر سازمان تعاونی تحلیل و تصمیم بگیرند که چگونه عمل کنند. قادر بودن به کنترل آنچه که در حال حاضر می‌گذرد و ایجاد آمادگی برای عضو هیات مدیره باید شخص مطلع و آگاهی بوده و اطلاعات کافی داشته باشد.

بهترین راه کسب اطلاعات پرسیدن سؤال‌های مشخص است. مسئولیت‌های ویژه رئیس هیات مدیره، مصاحبه کوتاه با رئیس هیات مدیره:

مسئولیت‌ها:

عبارت است از شرکت فعالانه و جمعی «نه کار انفرادی» با سایر اعضای هیأت مدیره در انجام مسئولیت‌های هیات بشرح زیر:

● تعیین اهداف و خط مشی‌های کلی و عمومی برای هدایت سازمان تعاونی.

● برقراری ارتباطات و عضویت موثر و فعال و روابط عمومی برای سازمان تعاونی.

● سازماندهی هیات مدیره، شامل تعیین اعضای کمیته‌ها و تعیین دقیق مسئولیت‌ها و تفویض اختیارات.

تهیه و تنظیم شرح شغل و تصمیم در مورد نوع کار، تعیین حدود حقوق و ارزشیابی اعمال انتخاب مدیرعامل و تعیین حقوق و وظایف او.

● تصویب ساختار سازمان و جداول حقوق و دستمزد برای سطوح مختلف آن و خط مشی‌های پرسنلی و برنامه‌های مؤسسه.

● تصویب طرح‌ها و برنامه‌های مهم، سرمایه و بودجه عملیاتی

● دادن مجوز برای تغییرات در دارائی‌های سازمان تعاونی.

● ارائه پیشنهاد برای اصلاح اساسنامه و آئین‌نامه‌ها.

● رسیدگی به درخواست‌های عضویت.

● پیشنهاد جدول محاسبه مازاد برگشتی طبق مقررات اساسنامه.

● دادن مجوز برای بازپرداخت سهام عضو.

● اعمال نظارت و وضع مقررات برای حمایت از اعضاء و بستانکاران.

● تحلیل و ارزشیابی پیشرفت در رسیدن به مقاصد و اهداف.

● حصول اطمینان از برگزاری به موقع مجمع عمومی سالانه.

● تعیین خط مشی‌ها و برنامه‌ها برای تداوم آگاهی مؤثر اعضای هیأت مدیره.

● ایجاد ارتباط و هماهنگی مؤثر با سایر تعاونی‌های فعال در منطقه.

● پشتیبانی از تعاونی.

رئیس هیأت مدیره دارای مسئولیت‌های خاصی است مصاحبه‌ای کوتاه با رئیس هیات مدیره.

سوال: آقای رئیس هیات مدیره وظایف و

در بعضی از کشورها اعضاء هیات مدیره برای ایجاد تعهد و التزام «سوگند» یاد میکنند و این راهی است برای بیان وفاداری، حفظ ارزش‌ها و اصول و اگر قرار است شما نیز سوگند یاد کنید در این باره باید هیات مدیره تصمیم بگیرد.

مسئولیت‌های اصلی شما کدام است؟ رئیس هیات مدیره: در رابطه با جلسات هیات مدیره، وظایف و مسئولیت‌های من عبارتند از:

● بحث و توافق با مدیرعامل نسبت به مواردی که باید در دستور جلسات منظور گردد.

حصول اطمینان از اینکه مدیرعامل طبق مقررات اساسنامه دعوتنامه‌ها را برای تشکیل جلسات هیات مدیره برای آنان ارسال میدارد.

● باید مطمئن شوم که آیا همکاران من در هیات مدیره به موقع صورتجلسات قبلی را دریافت داشته‌اند.

● همچنین باید مطمئن شوم که آیا مدیرعامل در مورد معاملات و دادو ستدهای سازمان، گزارشی تهیه نموده است؟

● و سرانجام این نیز وظیفه من است که جلسات هیات مدیره را به روشی مؤثر هدایت کنم بطوریکه نسبت به موضوعاتی که برای سازمان اهمیت بیشتری دارد اتخاذ تصمیم گردد. متشکرم آقای رئیس هیات مدیره

۳۰ پرسش و مسئله که هر عضو هیات مدیره باید مدنظر داشته و برای یافتن پاسخ و راه حل آنها بکوشد!

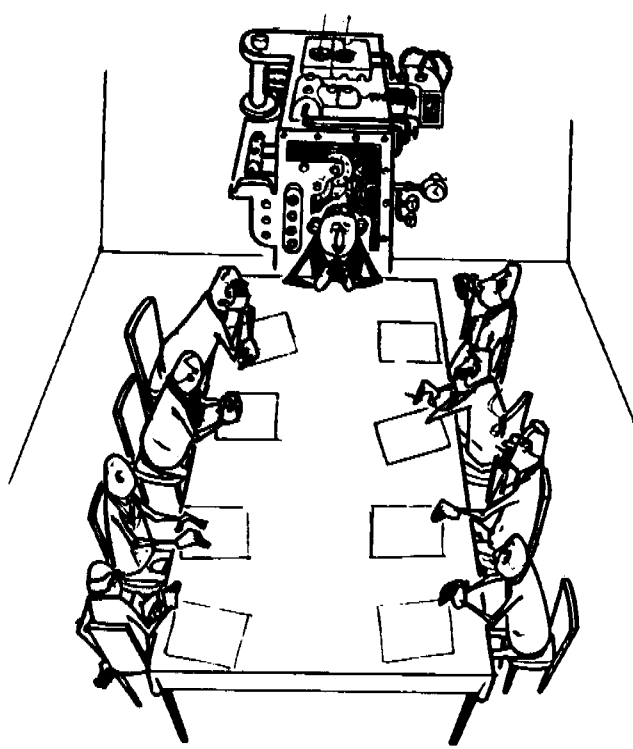
سوالات و موارد زیر تمام امور سازمان تعاونی شما را در بر نمی‌گیرد. این سوالات تا حدودی نمونه‌هایی از مواردی است که شما باید از خود بپرسید، در جلسات هیات مدیره درباره آنها بحث کنید و راه حل‌های مشخص برای آنها پیدا کنید.

«وضیعت مالی»

۱- آیا مازاد و سود عملیات برای تامین هزینه‌ها و سرمایه گذاریها کافی است؟

۲- آیا سرمایه در گردش، برای پرداخت هزینه‌های جاری کافی است؟

۳- سازمان تعاونی، چه نوع دارائی‌هایی را مالک میباشد؟



۴- آیا سرمایه ها به نسبت دارائی‌ها کفایت میکند؟

۵- آیا سازمان تعاونی ما بمنظور بدست آوردن درآمد کافی از ظرفیت دارائی‌هایش استفاده می‌کند؟

۶- قدرت پرداخت‌ها و منافع خود را چگونه افزایش دهیم؟

۷- آیا از تمام معافیت‌های قانونی مالیاتی استفاده کرده‌ایم؟

۸- آیا سازمان تعاونی ما دارای سیستم صحیحی هست که از طریق آن بتوان اطلاعات اقتصادی و مالی مناسب بدست آورد؟

۹- آیا کفایت و کارآمدی تعاونی خود را تحقق بخشیده‌ایم؟

۱۰- آیا هر واحد از سازمان به نسبت سرمایه بکار رفته در آن به عملکرد تعاونی کمک کرده است؟

بازارها، محصولات و خدمات

۱۱- آیا سازمان تعاونی ما در جایگاه مناسبی قرار دارد و محاسبات مربوط به محصولات خدمات، بازارها، اعضاء و سایر عوامل مهم بدرستی انجام شده است؟

۱۲- وضعیت رقابتی ما چگونه است؟

۱۳- مصرف کنندگان محصولات ما و دریافت کنندگان اصلح خدمات چه کسانی هستند؟

۱۴- آیا در یک دوره پنجساله ما با همان محصولات و خدمات امروزه سر و کار خواهیم داشت؟

۱۵- درخواست محصولات و خدمات ما در پنجسال آینده چگونه تغییر خواهد کرد؟

۱۶- آیا در حال حاضر محصولات و خدمات پیشرفته‌ای داریم که بتواند جای محصولات و خدمات قبلی که کهنه و قدیمی شده و بکار نمی‌آید بگیرد؟

۱۷- آیا این تفکر را شروع کرده‌ایم و دربارہ آن بحث کرده‌ایم که سازمان تعاونی در قدم بعدی چکاری انجام خواهد داد؟

۲۴- در مورد جانشینان چطور؟ آیا تاکنون معاونی برای دیدن آموزش در نظر گرفته شده است؟

۲۵- آیا کارکنان ما در مراحل مدیریت درگیر شده‌اند (دچار مشکل شده‌اند) اصول دمکراسی را تا کجا در نظر گرفته‌ایم؟

۲۶- آیا تعاونی ما میتواند به واحدهای کوچکتر ولی هدف دار تجدید سازمان یابد؟

۲۷- آیا ما دارای گروه مدیریت هستیم تا در سازمان ما انجام وظیفه نماید؟

۲۸- آیا هیأت مدیره فعالند و اعضا آن بقدر کافی فعالیت می‌کنند؟

۲۹- آیا ما همان هیات مدیره واجدالشرایطی هستیم که بتوانیم نیازهای حال و آینده سازمان تعاونی خود را تامین نمائیم؟

۳۰- و آیا خود من بعنوان عضو هیات مدیره برای سازمان تعاونی خود مفید هستم؟

«مدیرعامل توسط هیات مدیره انتخاب میشود»

تعیین مدیرعامل یکی از وظایف مهم هیأت مدیره است. مدیرعامل اعم از اینکه (زن یا مرد) باشد باید کاردان، باکفایت،

۱۸- ترکیب کارکنان ما از نظر عقل سنی (تجربه) چگونه است؟ آیا تعداد قابل ملاحظه‌ای از جوانان را در سازمان خود داریم؟

۱۹- تجارب و دانش فنی کارکنان ما چگونه است؟ آیا به تعداد کافی اشخاص واجد شرایط داریم که بتوانند سازمان ما را اداره نمایند؟

۲۰- آیا سازمان تعاونی ما یک خط منشی پرسنلی جدید را دارا میباشد؟ و آیا برنامه پیشرفته یک ستاد سازمان یافته را در بردارد؟

۲۱- در پنجسال آینده چطور؟ آیا در آن موقع کارکنان واجد شرایطی را که مورد نیاز است در دسترس خواهیم داشت؟

۲۲- سازمان ما بعنوان محلی برای کارکردن چگونه است؟ آیا در سازمان تعاونی ما جو کاری مناسبی وجود دارد؟ آیا کارکنان ما از شرایط کاری و محیط کار خود راضی هستند؟

۲۳- آیا چارت (نمای) سازمانی برای سازمان تعاونی خود داریم؟ آیا شرح وظایف داریم؟ آیا مدیرعامل شرح وظایف دارد؟ و آیا برای من بعنوان یک مدیر شرح وظایف وجود دارد؟

شایسته و واجد صلاحیت کافی باشد.
چنانچه وضعیت غیر از این باشد و مدیرعامل لایق و با کفایت نباشد خاتمه دادن به خدمت وی و استخدام شخص مورد نظر باز از وظایف هیأت مدیره است.

هیأت مدیره هیچوقت نمی تواند خسارات و لطمات ناشی از بکارگیری یک مدیرعامل نالایق و بی کفایت را جبران نماید.

شغل مدیرعامل تعاونی شما بشرح زیر است!

عنوان: دبیرکل - مدیر کل

مسئول و پاسخگو به اعضای هیات مدیره

وظیفه اصلی

اداره نمودن فعالیت های سازمان تعاونی طبق رهنمودهای هیأت مدیره.

وظایف:

- مشاوره و کمک به هیأت مدیره در تعیین اهداف و تنظیم خط مشی های سازمان تعاونی
- مطالعه مستمر روندهای تهیه اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم گیری و برنامه ریزی هیأت مدیره.
- تهیه طرح ها و برنامه های کوتاه مدت و بلندمدت تخمین بودجه برای ارائه به هیأت مدیره برای تصمیم گیری.
- اجرای روشهای تدوین شده توسط هیات مدیره
- انتخاب کارکنان زیردست به نحوی که نظر مساعد هیأت مدیره فراهم گردد.
- حفظ ساختار سازمانی کارآمد و کارکنان شایسته و تدارک برنامه برای بهسازی کارکنان.
- حصول اطمینان از اینکه وجوه نقد، تأسیسات و سایر دارائی های سازمان تعاونی بطور مطمئن محافظت و بیمه شده و اداره میشوند.
- آگاه نمودن مداوم هیأت مدیره از پیشرفت کار و نتایج حاصله از آن و

مقایسه این نتایج با اهداف تعاونی در تمام زمینه ها

● حفظ روابط مؤثر با مقامات مسئول،
اعضاء تعاونی و عموم مردم.

همکاری با سایر تعاونی ها:

- اقدام برای دستیابی به اهداف تعاونی.
- برقراری روابط مؤثر با رئیس هیأت مدیره اعمال رهبری و هدایت اعضای ستاد.
- معرفی و بکارگیری خط مشی های جدید پرسنلی و اجرای برنامه های بهسازی و بهبود بهره وری کارکنان.
- مطلع نمودن رئیس هیأت مدیره از غیبت مسئولین تعاونی.

تعهد و التزام به عضو هیأت مدیره

در بعضی از کشورها اعضای هیأت مدیره برای ایجاد تعهد و التزام «سوگند» یاد میکنند و این راهی است برای بیان وفاداری، حفظ ارزش ها و اصول و اگر قرار است شما نیز سوگند یاد کنید در این باره باید هیأت مدیره تصمیم بگیرد. در مواردیکه هیأت مدیره تصمیم می گیرد بعنوان احترام به حقوق اعضای سوگند وفاداری یاد کند از نمونه زیر که از کشور کانادا اقتباس شده استفاده می گردد.

«سوگندنامه»

من سوگند یاد می کنم که :

- من تعهد می کنم همه استعداد و صلاحیت خود را به کارگیرم تا به نحو شرافتمندانه و قابل اعتماد به تعاونی که در آن انتخاب شده ام خدمت نمایم.
- قبل از هرچیز، امین و پرتلاش باشم. منافع تعاونی را بر منافع شخصی ترجیح دهم.
- به امور و فعالیت تعاونی مانند مشغله مربوط به خود توجه دقیق داشته باشم.
- وقت و فرصت کافی برای جلسات هیأت مدیره و سایر مذاکرات اختصاص دهم.

● امور و مشکلات تعاونی را مورد مطالعه قرار داده و به تاثیر آنها به رفاه اعضاء هرچه بیشتر توجه داشته باشم.

● برای تداوم و افزایش و کارآئی تعاونی نهایت تلاش و مبارزه را بنمایم.

● وظایفم را با فکری مستقل و دقیق انجام داده، نظرات خود را صادقانه بیان نمایم.

● روشنفکر و عضوی از تیم کاری بوده و اعتقاد داشته باشم نظریات فردی هر عضو هیات مدیره همیشه پذیرفته نیست.

● بخاطر داشته باشم در اداره امور، نظرات اکثریت، نافذ بوده و اقلیت تابع می باشد.

● خود را نماینده کل تعاونی بدانم نه بعنوان نماینده معدودی از اعضاء.

● برای نظارت عامه اعضاء (کنترل دمکراتیک) بر سازمان تعاونی از جمله انتخاب هیأت مدیره، از تمام اختیاراتم استفاده نمایم.

● برای بقای سازمان تعاونی پذیرای عقاید نو و اعضای جدید باشم.

● کوشش می کنم تا تعاونی بصورت سازمان اعضا باقی مانده و به مؤسسه هیأت مدیره یا مدیرعامل تبدیل نمایم.

● نظرم معطوف ضروریات خودم نگردد.

● به بهانه اینکه عضوی از هیأت مدیره سازمان تعاونی هستم هیچ امتیاز یا حق انحصاری را از تعاونی توقع نداشته باشم و نپذیرم.

● به هیچ معامله یا نمایندگی که به نفع من و به ضرر تعاونی است تن در ندهم.

آخرین کلام

و حالا ممکن است بی پرده سوال کنید چگونه میتوانیم عضو مؤثر هیات مدیره باشیم؟ جواب ما به شما چنین است.

ابتدا وظایف و مسئولیت های خود را

بشناس که میتوانید آنها را در شرح وظایف

خود پیدا کنید. چنانچه شرح وظایفی برای

شما وجود ندارد موضوع را در هیات مدیره

به بحث بگذارید تا در مورد تهیه شرح

وضعیت تعاونی‌های کانادا در سال ۱۹۹۳

مترجم حسین امیری
ناشر: دبیرخانه تعاونی‌ها دولت کانادا اوتاوا، انتاریو
سال انتشار ۱۹۹۵

اشاره:

در این گزارش اطلاعات تعاونی‌های کشور کانادا در سال ۱۹۹۳ بر اساس آمار ۵۱۵۰ تعاونی غیر اعتباری تهیه گردیده است. تعاونی‌های مذکور دارای تقریباً ۴/۱ میلیون عضو، ۲۰/۷ میلیارد دلار درآمد و ۱۲/۳ میلیارد دلار دارایی میباشند. از این تعداد، فعالیت ۸۲۴ تعاونی زمینه کشاورزی داشته و نماینده ۵۹۹۰۰۰ تولید کننده با ۱۲/۹ میلیارد دلار درآمد می‌باشند. در این سال برای اولین بار آمار و اطلاعات ما شامل تعاونی‌های عمده فروشی نیز می‌گردد.

پیوست ۱: حجم معاملات سال ۱۹۹۳ تعاونی‌های بازاریابی گزارش شده کانادا به تفکیک ایالت‌ها

ارقام به میلیون دلار

نوع	بریتیش کلمبیا	آلبرتا	سaskatchewan	مانیتوبا	انوارا	کبک	نیو برانزویک	نیو اسکوشیا	پرنس ادوارد	جزایر شمال غربی	جزایر جنوب غربی	مجموع	(۱) درصد
غلات	-	-	۴۲۴/۶	۹۸۶/۷	۲۹۷/۲	۱۰/۲	۷/۰	-	-	-	-	۸۲۳/۱	۲۵۸۸/۸
دانه‌های روغنی	-	-	۱۲۳/۱	۲۰۳/۰	۱۴۳/۰	۱۴/۵	-	-	-	-	-	۴۸۳/۷	۱۴۶/۲
میوه	-	۱۱۶/۵	۰/۰	-	-	۱۴/۸	۳/۸	۱/۵	۴/۳	۰/۱	-	-	۱۴۶/۲
تره بار	-	۱۰۱/۷	۸/۴	۰/۰	-	۱۴/۲	۹/۲	-	۰/۲	۳/۰	-	-	۱۳۶/۷
لبنیات	-	۶۱/۴	-	۲۱۴/۳	۰/۰	۲۰۰/۶	۱۳۹۷/۹	۳۱/۰	۲۷۵/۰	۴۹/۲	-	۸۲۴/۲	۳۰۵۲/۸
طیور	-	-	۳۵۰/۲	۱/۶	۳/۸	-	۱۸۵/۹	-	۳۴/۷	-	-	-	۵۰۹/۲
تنم طیور	-	-	۱۰/۰	۱/۶	-	-	۰/۴	-	۶/۸	-	-	۷/۶	۲۶/۴
دام: گاو و گوسفند	-	۷۰/۶	۱۰/۵	۳۹۹/۸	۱۷۲/۲	۸/۸	۱/۵	۱/۷	۰/۶	-	-	-	۶۶۶/۰
دام: خوک	-	-	۲/۱	-	-	۱۶/۴	۱/۲	۰/۲	۵/۷	-	-	-	۲۵/۸
ماهی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۵
محصولات جنگلی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۳
عسل ویژه درختان	-	-	۵/۹	-	۸/۹	-	۱۹/۱	-	۰/۵	-	-	-	۳۴/۳
سایر محصولات	-	۳۴/۷	۷/۸	۱/۹	-	۱۷/۱	۰/۲	۰/۰	۰/۸	-	-	۱/۴	۶۳/۲
جمع	-	۳۸۴/۸	۸۸۲/۷	۱۸۰۸/۰	۶۵۸/۱	۲۹۱/۵	۱۶۶۶/۳	۳۲/۶	۳۲۸/۱	۵۲/۴	۷/۶	۱۶۹۹/۲	۷۷۲۸/۴
معرف‌کننده و تدارکات	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۴
معرف‌کننده	-	-	-	۱۰/۱	۰/۶	۱/۱	۲۳/۵	۲۱/۴	۰/۰	-	-	-	۰/۴
کشاورزی	-	۱۲/۵	۱۶۵/۳	۱۸۰/۵	۸۷/۴	۳۳/۹	۳۸/۸	۲/۶	۲۱/۸	۰/۱	-	۱/۲	۵۴۳/۶
سایر تدارکات (۲)	-	۰/۸	-	۱۸/۵	-	۹/۸	۶۷/۴	۳/۴	۳/۲	-	-	-	۱۰۰/۳
جمع	-	۱۲/۸	۱۶۵/۳	۲۰۹/۱	۸۷/۹	۴۵/۲	۱۲۹/۶	۲۲/۴	۲۵/۱	۰/۱	-	۱/۶	۷۰۹/۴
فروش	-	۳۹۷/۸	۱۰۴۸/۱	۲۰۱۷/۱	۷۴۶/۱	۳۴۱/۸	۱۷۵۶/۰	۶۷/۰	۳۵۳/۲	۵۲/۵	۷/۶	۱۶۵۰/۸	۸۴۳۷/۹
درآمد خدمات	-	۷/۸	۱۱۰/۱	۱۲۶/۷	۶۲/۷	۶/۳	۸/۰	۰/۴	۱/۳	۰/۱	-	۰/۰	۲۳۳/۴
سایر درآمدها	-	۱/۷	۲/۵	۲۱/۱	۱۲/۴	۰/۸	۲/۸	۰/۲	۱/۰	۰/۴	۰/۰	۲/۱	۴۵/۱
جمع کل	-	۴۰۷/۳	۱۱۶۰/۸	۲۱۶۴/۹	۸۲۱/۱	۳۴۹/۰	۱۷۶۶/۷	۶۷/۶	۳۵۵/۵	۵۲/۰	۷/۶	۱۶۵۲/۸	۸۸۰۶/۴

۱- تعاونی‌هایی که بصورت مرکزی به ثبت رسیده‌اند.

۲- شامل ماشین‌آلات، وسایل نقلیه، لوازم و تجهیزات ساختمان و سایر.

تعاونی‌های تولیدکننده (۱)

تعاونی‌ها در بخش کشاورزی اقتصاد کانادا به‌خصوص در عمل‌آوری و بازاریابی غلات، لبنیات، طیور، عسل، شیره درختان، (۲) میوه و تره بار و دام نقشی عمده بعهده دارند.

تعاونی‌های عمل‌آوری و بازاریابی محصولات کشاورزی اکثراً سازمانهای مدرن بوده و میتوانند در همه ایالت‌ها و سرزمین‌ها (۳) تاسیس گردند.

این تعاونی‌ها، در مجموع، نماینده قدرت اقتصادی عمده با حجم معاملات بیش از ۸/۸ میلیارد دلار و ۲/۱ میلیارد دلار دارایی که ۱/۲ میلیارد دلار (یا ۳۹ درصد) آن از محل سرمایه‌های اعضا تامین شده است، می‌باشند، این تعاونی‌ها همچنین در سال ۱۹۹۳ مبلغ ۵۱۱ میلیون دلار حقوق و دستمزد به بیش از ۱۸۰۰۰ کارمند و کارگر تمام وقت پرداخت نموده‌اند (پیوست ۱) (۴)

تعاونی‌ها بیش از ۲۵ درصد از بازار را در انواع اقلام زیر در اختیار دارند: غلات و

دانه‌های روغنی، لبنیات، طیور، و عسل و شیره درختان (پیوست ۲)
در کشور کانادا از نظر تدارک
نهاده‌های کشاورزی و مایحتاج اعضا،
تعاونی‌ها در فروش کود، مواد شیمیایی،
خوراک دام، ماشین‌آلات و همچنین تامین

درصد	۱۹۸۳	۱۹۸۸	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳
علائق و دانه‌های روغنی، حبوبات	۷۶	۷۳	۷۴	۷۱	۵۵
علائق و دانه‌های روغنی، حبوبات	۲۱	۱۷	۱۲	۱۹	۱۴
میوه	۱۷	۱۶	۱۵	۱۵	۱۸
تره بار	۹	۱۲	۱۲	۱۲	۱۱
لبنیات	۵۱	۵۷	۵۹	۶۰	۶۳
طیور	۳۵	۳۲	۳۹	۴۸	۴۷
تخم طیور	۳	۴	۵	۴	۴
دام، گاو و گوسفند	۱۷	۲۰	۲۳	۲۱	۲۱
دام، سگک	۱۲	۱۵	۱۸	۲۵	۲۲
ماهی	۱۲	۹	۹	۸	۷
عسل و شیر و درختان	۲۵	۲۶	۲۳	۲۳	۲۹

شرکت	بین ۵۰۰ تنونه ۱۹۹۳	درآمد فروش با عملیات به هزار دلار
هیات عامل گندم کانادا	۲۵	۴۴۳۸۱۰۷
کار جیل	۲۲	۲۱۰۳۰۰۰
اتحادیه گندم ساسکاچوان (۱)	۷۶	۱۶۲۲۴۴۲
اتحادیه تعاونی کیبک (۱،۴)	۸۰	۱۵۳۷۶۰۹
تولیدکنندگان متحد غلات	۱۱۲	۱۰۴۴۳۰۱
تعاونی کشت و دخیره سازی آگروپور	۱۱۳	۱۰۴۳۰۰۰
اتحادیه گندم آلبرتا (۱)	۱۳۵	۸۶۸۳۰
اتحادیه غلات آلسکی با مسئولیت محدود (۲)	۱۴۱	۸۳۳۱۱۰
اتحادیه انبارهای غله مانتیوا	۱۹۷	۵۴۵۱۱۰
اتحادیه تعاونی های آتلانتیک	۲۳۷	۴۵۲۱۴۱

- ۱- درآمد فروش شامل خرید به حساب و تحویل هیات عامل گندم کانادا.
 - ۲- تماماً در تملک تعاونی هاست.
 - ۳- در سال ۱۹۹۳، تولیدکنندگان متحد غلات به تعاونی بودن خود خاتمه داد.
- در صورت‌های گذشته مربوط به ۵۰۰ لیست مالی مربوط به ۱۰ بنگاه اقتصادی برتر در کانادا،
تعاونی‌های متحد با مسئولیت محدود از جمله به تهیه نهاده‌های کشاورزی برای کشاورزان سراسر کانادای غربی به طور متمرکز ادامه داد.
مأخذ: ۵۰۰ پست مالی / تابستان ۱۹۹۲

- درصدها از محصولات کشاورزی که از طریق تعاونی‌ها به بازار عرضه شده، تخمین زده شده است.
- روشهای متعددی از جمله وزن‌ها، قیمت‌های تولیدکننده و عمده فروشی، بارگیری و تخلیه، هزینه‌های مراحل عملیات، برای تعیین قیمت کالاها به کار رفته است.
- این عوامل برای محاسبه نرخ مبالغ دریافتی توسط کشاورزان یکبار رفته است.
- برای تخمین سهم تعاونی‌ها از نرخ‌های دریافت‌های نقدی مراکز تولیدات کشاورزی استفاده شده است.
- یا خصوصی شدن بنگاه کشاورزی کشتکاران متحد غلات، سهم این بنگاه در بازار در سال ۱۹۹۳، ۱۶ درصد کاهش یافته است.
- تعاونی‌ها به ترتیب در غلات و دانه‌های روغنی، طیور و لبنیات قدرت بیشتری دارند.

بذر و سایر مایحتاج کشاورزی از جمله مصالح ساختمانی و فرآورده‌های نفتی برای اعضاء کشاورزان نقشی عمده بعهده دارند. حجم معاملات آن‌ها در سال ۱۹۹۳ در مجموع مبلغ ۳/۷ میلیارد دلار بوده است. اطلاعات موجود بر اساس پانصد مکاتبه نشان می‌دهد بین ده واحد از بزرگترین موسسات اقتصادی، شش بنگاه اقتصادی تعاونی وجود دارد که درآمد این شش تعاونی معادل مبلغ ۶/۳ میلیارد دلار می‌باشد. (پیوست ۳)



پیوست ۴: حجم معاملات سال ۱۹۹۳، تعاونی‌های ماهیگیری، گزارش شده کانادا به تفکیک ایالت‌ها

ارقام به میلیون دلار

ایالت	نورفولک	پراوینس	کبک	نیو برانزویک	نیو اسکاتلند	انتر کبک	آلتا	اسکاتلند	بریتیش کلمبیا	مانیتوبا	اساسا	اسکاتلند	اسکاتلند	اسکاتلند	اسکاتلند
۱۴۸/۶	۸/۴	۱۶/۶	۲۹/۹	۴۱/۵	۳۴/۴	۰/۰	۴/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۷/۴	-	-	۲/۴	۴/۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۴/۸	۰/۴	۰/۸	۲/۲	۰/۸	۰/۸	-	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸
۱۵۹/۰	۸/۸	۱۸/۲	۳۳/۷	۴۹/۳	۲۵/۵	۰/۰	۴/۸	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۷
۱/۷	۰/۷	۱۸/۲	۰/۳	۰/۳	۰/۳	-	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳
۴/۰	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	-	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵
۱۹۴/۷	۱۰/۱	۱۸/۳	۳۴/۲	۴۹/۷	۳۵/۵	۰/۰	۴/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸	۰/۸

تعاونی‌های ماهیگیری در منطقه آتلانتیک برای عمل آوری غیرسنتی فرآورده‌های ماهی در تداوم، تجدید و بسط عملیات با استفاده از روشهای نو به تلاش و مبارزه خود ادامه می‌دهند.

ماهیگیران و تعاونی‌های صیادی دیگر، از فضاهای بلااستفاده در کارخانجات بعنوان مراکزی برای اجرای برنامه‌های کارآموزی دولتی برای کارگران کارخانجات که ماشین آلات آنها تغییر

پیوست ۹: حجم معاملات سال ۱۹۹۳ تعاونی‌های مصرف‌کننده، گزارش شده کانادا به تفکیک ایالت‌ها

ارقام به میلیون دلار

کد	مرکز (۱)	نوع فعالیت	پرس اوارد	نواسکاتیا	نیو برنسیک	کبک	اونتاریو	مانیتوبا	ساسکاچوان	آلبرتا	بریتیش کلمبیا	سرزمین‌های شمالی	سرزمین یوکان	کالاهای مصرفی و نهاده‌ها
۳۳۱۵/۵	۱۲۸۳/۹	۱۰۴/۵	۳۸/۱	۱۱۷/۵	۲۱۴/۸	۳۶۱/۰	۵۹/۹	۱۱۲/۳	۲۷۶/۵	۵۷۰/۳	۱۱۴/۳	۶۲/۴	-	محصولات خوراکی
۵۰۷/۹	۱۸۰/۷	۳/۹	۲/۶	۱۲/۱	۳۱/۰	۱۴/۵	۶/۰	۱۹/۱	۶۲/۲	۶۸/۹	۸۹/۰	۱۷/۹	-	وسایل و لوازم خانگی
۲۴۶/۰	-	۰/۱	۰/۰	۰/۷	۰/۷	۸۶/۷	۶۴/۶	۲/۰	۲۵/۳	۶۴/۲	۱/۵	۰/۱	-	سایر کالاهای مصرفی
۴۰۶۹/۵	۱۴۶۴/۶	۱۰۸/۴	۴۰/۸	۱۳۰/۳	۲۴۶/۴	۴۶۲/۳	۱۳۰/۵	۱۳۳/۴	۳۶۴/۰	۷۰۳/۵	۲۰۴/۸	۸۰/۴	-	جمع کالاهای مصرفی
۲۴۱/۱	۱۲۶/۶	۰/۰	۲/۴	۶/۸	۱/۸	۸/۸	۸/۳	۲۵/۹	۳۳/۷	۲۴/۲	۲/۶	-	-	کشاورزی
۱۱۱۳/۶	۶۳۴/۵	۶/۹	۶/۵	۸/۲	۳۰/۶	۱/۴	۱۷/۵	۵۶/۰	۲۱۵/۷	۸۶/۸	۴۹/۰	۰/۵	-	مواد نفتی
۱۹۴/۳	۸۳/۱	۰/۱	۱/۹	۰/۷	۱/۱	۳/۴	۰/۰	۱۰/۶	۴۵/۱	۴۰/۳	۷/۹	-	-	مصالح ساختمانی
۱/۷	-	۰/۱	-	۰/۱	۰/۰	۱/۴	۰/۱	-	-	-	-	-	-	سایر نهاده‌ها
۱۵۵۰/۷	۸۴۴/۲	۷/۱	۱۰/۸	۱۵/۸	۳۳/۵	۱۵/۰	۲۵/۹	۹۲/۵	۲۹۴/۵	۱۵۱/۳	۵۹/۵	۰/۵	-	جمع نهاده‌ها
۸۶/۷	۶۲/۴	-	۱/۰	۰/۰	۰/۹	۱/۲	۲/۷	۲/۳	۵/۰	۱/۰	۰/۹	۹/۶	-	محصولات فروش رفته
۵۷۰۷/۱	۲۳۷۱/۲	۱۱۵/۵	۵۲/۶	۱۴۶/۱	۲۸۰/۸	۴۷۸/۵	۱۵۹/۱	۲۲۸/۲	۶۶۳/۵	۸۵۵/۸	۲۶۵/۲	۹۰/۵	-	جمع کل فروش
۱۱۸/۵	۵۱/۸	۰/۵	۰/۷	۵/۳	۶/۰	۲/۱	۲/۱	۰/۹	۹/۷	۲۵/۶	۲/۴	۱۱/۴	-	درآمد خدمات
۱۱۸/۶	۱۸/۱	۳/۱	۰/۹	۴/۱	۴/۹	۰/۴	۲/۳	۱۱/۱	۳۲/۱	۲۹/۳	۸/۳	۴/۰	-	سایر درآمدها
۵۹۴۴/۲	۲۴۴۱/۱	۱۱۹/۲	۵۴/۲	۱۵۵/۵	۲۹۱/۷	۴۸۱/۰	۱۶۳/۵	۲۴۰/۱	۷۰۵/۳	۹۱۰/۷	۲۷۵/۹	۱۰۶/۰	-	جمع کل

۱- تعاونی‌هایی که بصورت مرکزی به ثبت رسیده‌اند.

زندگی جوامع مختلف سراسر کانادا ک در آنها فعالیت دارند، نقش مهمی دارند گزارش تحت عنوان "تعاونی‌های مصرف کننده (مصرف‌کنندگان) بانی مراقبت‌های بهداشتی موثر" به این نتیجه رسیده است که خدمات ارائه شده توسط تعاونی‌های مراقبت‌های بهداشتی دارای "اثرات عمده، اقتصادی و اثرات غیراقتصادی" می‌باشند در تعاونی‌های مراقبت‌های بهداشتی نقش

نگهداری اطفال اتحادیه تعاونی‌های نگهداری از کودکان کانادا تاسیس کردید. فعالیت‌های اتحادیه در امور بهسازی و بهبود بهره وری کارکنان، توسعه و نگهداری تعاونی‌های نگهداری اطفال و آموزش، تامین بیمه، برنامه‌های رفاهی کارکنان و دوره‌های کارآموزی و توسعه متمرکز شده است. تعاونی‌های مراقبت‌های بهداشتی در

مورد نظر والدین و یا تعقیب نظراتی خاص فعالیت دارند. تعاونی‌های نگهداری اطفال به تعداد زیادی در اونتاریو، ساسکاچوان و مانیتوبا تشکیل شده است. در سال ۱۹۹۳، ۳۹۲ تعاونی از ۵۱۲ تعاونی موجود درآمد خود را معادل مبلغ ۳۵/۳ میلیون دلار و اعضای خود را نزدیک به ۲۶۰۰۰ نفر گزارش کرده‌اند. در تعقیب تحقیقی درباره تعاونی‌های

پیوست ۱۰: تعداد تعاونی‌های مصرف‌کننده، تدارک نهاده‌ها و مایحتاج و بازاریابی در سال ۱۹۹۳، گزارش شده کانادا به تفکیک نوع فعالیت و ایالت‌ها

ارقام به تعداد

کد	مرکز (۱)	نیو برنسیک	پرس اوارد	نواسکاتیا	نیو برنسیک	کبک	اونتاریو	مانیتوبا	ساسکاچوان	آلبرتا	بریتیش کلمبیا	سرزمین‌های شمالی	سرزمین یوکان	مصرف کننده
۶۱	۲	۲	۱	۱۱	۱۲	۱۲	۱	۳	-	۱	۴	۲	-	فروش به سبب هزینه‌های مستقیم
۲۱۷	۲	۱۶	۷	۲۱	۱۹	۸۱	۱۱	۱۱	۱۸	۲۵	۱۹	۳۲	-	داروخانه
۱۸	-	-	-	-	-	۱۳	-	۱	-	-	۳	-	-	فروشگاه مواد خوراکی مخصوص
۱۰۱	-	-	-	-	-	۹۷	-	۱	-	-	۱	-	-	مایحتاج دانش آموزان و دانشجویان
۱۷۷	-	-	۲	۴	۵	۲۴	۶	۲۰	۷۲	۲۷	۷	-	-	سایر
۶۲۴	۲	۱۸	۱۰	۲۴	۳۶	۲۲۹	۱۹	۲۵	۹۱	۵۳	۳۴	۳۴	-	جمع
۹۱	۳	۳	-	۴	۴	۳۹	۱۷	۹	۵	۴	۶	-	-	تدارک نهاده‌ها و مایحتاج
۵۵	-	۲	۲	-	-	۳۰	۷	-	۲	-	۱	-	-	بهداشتی کشاورزی
۱۰۲	-	-	-	-	-	۲	۷	۷	۷۵	۱۴	۳	-	-	کارخانه و آسیاب خوراکی دام
۴	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	۱	-	-	فراورده‌های نفتی
۲۴۲	۲	۳	۲	۲	۴	۷۱	۲۷	۱۶	۸۳	۱۸	۱۱	-	-	سایر نهاده‌ها و مایحتاج
۲۴	۱	۱	۱	۲	۱۲	۱۲	۴	۱	۱	۱	۱	-	-	بازاریابی و فروش
۳۱	-	۱	۱	۲	۲	۱۵	۵	-	۱	۱	۸	-	-	لباسات
۲۰	-	۱	۱	۱	۱	۷	۳	-	۱	۱	۵	-	-	ابوه
۹	-	-	-	-	-	۲	-	-	۱	-	۱	-	-	ترمس
۱۹	۱	-	-	-	-	۶	۱	۱	۱	۱	۱	-	-	گله‌های گله‌های
۳۳	-	-	-	-	-	۵	۵	۵	۴	۷	۲	-	-	غلات و بار دامها
۸	-	۲	-	-	-	۳	-	-	۱	-	-	-	-	دام
۱۰	۱	-	-	-	-	۵	-	-	۱	-	-	-	-	طیور و نسیم‌طیور
۱۳	۱	-	-	-	-	۳	۱	۱	۱	۱	-	-	-	حاصل و غیره درختان
۱۷۲	۴	۲	۲	۱۰	۱۰	۵۴	۲۱	۱۹	۲۶	۱۲	۱۸	-	-	سایر
۱۰۳۸	۸	۲۴	۱۵	۲۲	۵۰	۳۱۴	۷۲	۸۰	۱۸۴	۸۳	۶۳	۳۴	-	جمع کل

۱- تعاونی‌هایی که بصورت مرکزی به ثبت رسیده‌اند.

تعاونیهای

شیلات

در کشور ژاپن

قسمت ۲

پیشینه، اهداف و عملکرد

مترجم: سیدجواد صالحی

ب: تعاونی‌های صیادی خاص

اعضاء این تعاونیها را صیادان خاص تشکیل می‌دهند. تعداد این تعاونیهای خاص به حدود ۲۵۰ تا ۲۶۰ شرکت در یک می‌شود. برخلاف تعاونی‌های ساحلی که اعضاء آن همگی مقیم شهر، شهرک یا دهکده هستند، اعضاء تعاونی‌های صیادی خاص به مناطقی تعلق دارند که لزوماً محل سکونت آنها نیست.

پ: تعاونی‌های شیلات آبیهای داخلی

این شرکتها با تعداد حدود ۹۰۰ فقره، از صیادانی تشکیل می‌شود که به صید یا پرورش آبزیان در دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و باتلاقها اشتغال دارند.

ت: تعاونی‌های فرآیند شیلات

حدود ۱۷۰ تعاونی از این نوع وجود دارد. اعضاء به فرآیند غذاهای دریایی اشتغال دارند. جدای از این عاملان تعاونی فرآیند ماهی که بر طبق قانون شرکتهای تعاونی شیلات متشکل شده‌اند، شرکتهای تعاونی فرآیند غذاهای دریایی وجود دارد که بر طبق قانون بنگاههای تعاونی کوچک و متوسط تأسیس شده است. این قانون که در ۱۹۲۹ به اجرا درآمد، زمینه تأسیس

شرکتهای تعاونی را در بازرگانی و صنعت فراهم می‌کند.

ث: تعاونی تولیدی صیادان

این تعاونیها متشکل از صیادانی است که در شیلات بر اساس مشارکت اقدام می‌کنند. با اینکه تعداد آنها به حدود ۷۰۰ واحد می‌رسد اما تعداد کمی از این سازمانها به صورت بالفعل به چنین عملیات شیلاتی دست می‌زنند.

(۲) صلاحیت عضویت در شرکتهای تعاونی شیلات

با اینکه تعاونی‌های شیلات بایستی بر اساس نظارت مردمی (دموکراتیک) تأسیس شود که در اصل بر اساس عضویت آزاد و غیرتبعیضی بنا شده‌اند اما، باید در میان اعضاء تا حدودی قابلیت مقایسه و قید همکاری وجود داشته باشد تا همبستگی و تعهد مشارکت اعضاء بر اساس آن نهاد شود.

عضویت شرکتهای تعاونی شیلات اولیه را قانون شرکتهای تعاونی شیلات به صیادانی محدود کرده است که در منطقه فعالیت شرکت تعاونی مقیم بوده و طبق اساسنامه شرکت بیش از ۹۰ تا ۱۲۰ روز در سال به صید اشتغال دارند. همچنین

عضویت شرکتهای صیادی نیز آزاد است به شرط آنکه تعداد کارکنان دائمی آن کمتر از ۳۰۰ نفر بوده و ظرفیت ناوگان صیادی آنها کمتر از ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ تن باشد. به ترتیبی که در اساسنامه معین می‌شود. این ضوابط در نظر گرفته شده است تا از سلطه غیر صیادان یا شرکتهای صیادی بزرگ بر تعاونی‌ها جلوگیری شود.

عضویت تعاونی‌های شیلات پیوسته است یا وابسته:

تمایز بین این دو نوع عضویت می‌تواند این باشد که اعضاء پیوسته واجد خصوصیتی باشند که فوقاً تشریح شد ولی شرایط مشروع اختلاف بین این دو نوع عضویت در اساسنامه هر تعاونی شیلات بر شمرده شده است. بنابراین تشریح آن اختلافات به طور کلی مشکل است. لیکن اعضاء وابسته معمولاً اعضاء خانواده صیادان، مردم محلی شاغل به فرآیند عمل‌آوری ماهی یا کسانی هستند که برای ناوگانهای بزرگ صیادی کار می‌کنند.

۳- تعداد اعضاء در تعاونی‌های شیلات

الف: تعاونی‌های شیلات ساحلی

تعداد اعضاء پیوسته تعاونیهای شیلات ساحلی حدود ۲۷ هزار نفر است که

تقریباً با کل تعداد نیروی کار شیلات در سرشماری هشتم شیلات برابر است. این غیر از آنهایی است که روی ناوگان‌های بزرگ صیادی کار می‌کنند بنابراین اکثریت نیروی کار، عضو پیوسته نیروی کار در تعاونی‌های شیلات ساحلی است.

ب: تعاونی صیادی خاص

تعداد اعضاء تعاونی‌های صیادی خاص حدود ۱۸۵۰۰ نفر است که همگی مدیران مالک بنگاه‌های صیادی متوسط هستند. از آنجا که این مدیران مالک در مورد عملیات صیادی خود دارای علائق و نیازمندی‌های خاص هستند، آنها که در حرفه واحدی هستند در تعاونی صیادی خاصی متشکل شده‌اند. لیکن برخی اعضاء این تعاونی‌های صیادی خاص، عضو تعاونی‌های شیلات ساحلی نیز هستند چون در حوزه فعالیت آن زندگی می‌کنند.

پ: تعاونی شیلات آبهای داخلی

تعداد اعضاء مرتبط با این نوع تعاونی حدود ۵۲۰ هزار نفر است که نسبت به تعداد تعاونی‌های ثبت شده بیشتر است. یکی از دلایل این است که حداقل روزهای صید لازم برای عضویت ۳۰ روز است. دلیل دیگر این است که بسیاری از تعاونی‌های حوضه‌های رودخانه‌ای را در بر می‌گیرد که بیش از یک شهرداری را داراست.

ت: تعاونی فرآیند شیلات

اعضاء این قبیل تعاونی‌ها ۶ هزار نفر هستند. بر اساس سرشماری هشتم شیلات در کشور ۱۳۸۲۸ کارگاه فرآیند ماهی وجود دارد. این بدان معنی است که همه این کارگاه‌های فرآیند ماهی در این قبیل تعاونی‌ها متشکل نشده‌اند.

ث: تعاونی‌های تولیدی صیادان

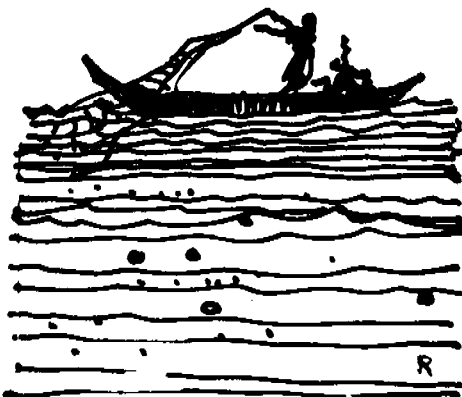
اعضاء شرکت‌های تولیدی صیادان در آغاز کار حدود ۵۰ هزار نفر بودند. همه این اعضاء بایستی در درجه اول به کاری مشغول باشند که شرکت به خاطر آن تشکیل شده است، ولی بیشتر این اعضاء سخت مشغول کارهای شیلاتی خود هستند تا شرکت و نام ثبت شده. شرکت صرفاً دربرگیرنده فعالیت شیلاتی خاص اعضا معینی از شرکت است.

(۴) مقیاس سازمانی تعاونی‌های شیلات

سازمانی تعاونی‌های شیلات ساحلی، همان گونه که از نتایج بررسی زن گیورن (اتحادیه ملی شرکت‌های تعاونی شیلات) حاصل شد در جدول زیر آمده است.

تعاونی‌های بزرگ مقیاس شیلات متجاوز از هزار عضو پیوسته هستند و سرمایه نسبتاً زیادی دارند، در حالیکه تعاونی‌های کوچکتر کمتر از ۱۰۰ عضو پیوسته و سرمایه کمتری دارند.

هرگاه تعداد اعضاء و سرمایه کم باشد تأمین خدمات ضروری برای اعضاء مشکل می‌شود. به همین دلیل دولت در سال ۱۹۶۷ قانون ترویج ادغام تعاونی‌های شیلات را



اجرا کرد تا الحاق تعاونی‌های شیلات کوچک مقیاس را تشویق کند. در نتیجه تعداد تعاونی‌های شیلات کوچک مقیاس ساحلی کاهش یافته است. نتایج زمینه‌یابی زن گیورن نشان می‌دهد که تعداد شرکت‌هایی که در سال ۱۹۷۴ کمتر از ۳ میلیون ین سرمایه داشتند به ۲۵۷ یعنی ۲۰ درصد کل آنها بود و حال آنکه در پایان ۱۹۹۰ به ۸۷ شرکت یعنی ۴/۴ درصد کل شرکت‌ها کاهش یافت.

با این همه مقیاس سازمانی تعاونی‌های شیلات مناطق ساحلی در مقایسه با مقیاس میانگین تعاونی‌های کشاورزی نسبتاً کوچک است.

(۵) اتحادیه‌های شرکت‌های تعاونی شیلات

سازمان تعاونی شیلات ژاپن عموماً بر سه نوع ساختار متشکل شده است: شرکت‌های تعاونی شیلات مناطق ساحلی برای سطح اولیه، اتحادیه‌های محلی تعاونی‌های شیلات برای سطح ثانویه و اتحادیه‌های ملی شرکت‌های تعاونی شیلات در سطح ثالثیه یا فائقه. ولی در برخی ازحوزه‌های اداری اتحادیه‌های ناحیه‌ای تعاونی‌های شیلات ثانویه وجود دارد که در حالت بین تعاونی‌های شیلات اولیه و اتحادیه‌های محلی قرار دارند و در این مورد نوع چهارم سازمان را به وجود می‌آورد.

اتحادیه‌های ناحیه‌ای تعاونی‌های شیلات با سرمایه تعاونی‌های شیلات اولیه در ناحیه‌ای تأسیس شده است که در بیشتر موارد از تقسیمات اداری کوچکتر است. این اتحادیه‌های ناحیه‌ای معمولاً تشکیل می‌شود تا نیازمندی‌های خاص محلی نظیر

برقراری و عملکرد بازار عمده فروشی ماهی یا مدیریت مشترک حوضه دریائی پرورش آبزیان را در یک خلیج حفاظت شده برآورد که در آن پرورش آبزیان متداول است.

در سطح محلی دو نوع اتحادیه وجود دارد؛ اتحادیه‌های محلی تعاونی‌های شیلات و اتحادیه‌های اعتباری محلی تعاونی‌های شیلات. نوع اول در همه حوزه‌های اداری ساحلی به جز یاماگاتا که در آن تنها یک تعاونی (اولیه) شیلات وجود دارد کل خط ساحلی قلمرو اداری را در بر می‌گیرد. اعضاء این اتحادیه‌های محلی، شرکت‌های تعاونی‌های شیلات است. آنها به غیر از تأمین مالی تعاونی‌های عضو و دیگر فعالیت‌های اقتصادی به آنها خدمات مشورتی و آموزشی عرضه می‌کنند. و حال آنکه اتحادیه‌های اعتباری برای تعاونی عضو به عملیات پس انداز و اعتبار می‌پردازند. این اتحادیه‌های اعتباری در همه واحدهای اداری ساحلی به جز آکتیا، یاماگاتا، اوزاکا، اوکایاما، کوماموتو تأسیس شده است.

تعاونی‌های شیلات اتحادیه‌های محلی نیز دارند. اتحادیه محلی شرکت‌های تعاونی شیلات (زن‌گیورن) سازمان فائقه همه تعاونی‌های شیلات ساحلی کشور است ولی عضویت مستقیم در زن‌گیورن به اتحادیه‌های محلی و اتحادیه‌های اعتباری محلی شیلات تعلق دارد. زن‌گیورن به فعالیت‌هایی نظیر بازاریابی ماهی، تهیه سوخت دیزل و مدیریت شیلات و خدمات مشورتی و آموزشی جهت سازمانهای عضو می‌پردازد. برای عملیات پس‌انداز و اعتبار و بانک مرکزی تعاونی کشاورزی،

جنگلداری و شیلات (نورین چوکین) که نهاد فائقه برای فعالیت‌های اعتباری تعاونی در کشور است و نه تنها با اتحادیه‌های اعتباری محلی تعاونی‌های شیلات بلکه با سازمانهای تعاونی کشاورزی و جنگلداری نیز ارتباط اقتصادی دارد.

علاوه بر سازمانهای مذکور اتحادیه‌های تعاونی‌های شیلات دیگری نیز در سطح ملی وجود دارد نظیر اتحادیه‌های محلی تعاونی‌های پرورش دهندگان مروارید، اتحادیه محلی تعاونی‌های ماهیهای آزاد و قزل آلا، اتحادیه محلی تعاونی‌های اسکپ چک و تون و اتحادیه تعاونی‌های شیلات آبهای داخلی در سازمانهای فائقه تعاونی‌های شیلات خاص و تعاونی‌های شیلات آبهای داخلی در سطح ملی است.

(۶) شبکه سازمانی تعاونی شیلات در ژاپن تمام افراد شاغل در تأسیسات صیادی ساحلی که به حدود ۱۷۵ هزار بالغ می‌شود و خانواده‌های وابسته عضو تعاونی‌های شیلات ساحلی هستند. برخی از آنها عضو شرکت‌های تولیدی صیادان و همچنین



شرکت‌های تعاونی شیلات خاص نیز هستند. این تعاونی‌های شیلات ساحلی جزء اتحادیه‌های محلی تعاونی‌های شیلات (کن گیورن) و اتحادیه‌های اعتباری محلی تعاونی‌های شیلات (شین گیورن) هستند. اتحادیه‌های محلی تعاونی‌های شیلات و همچنین اتحادیه‌های اعتباری محلی تعاونی‌های شیلات جزء اتحادیه ملی تعاونی‌های شیلات (زن گیورن) هستند، ولی در عین حال، اتحادیه‌های محلی اعتباری تعاونی‌های شیلات در بانک مرکزی تعاونی کشاورزی، جنگلداری و شیلات (نورین چوکین) متشکل شده و عضو آندند.

بیشتر آن اشخاصی که به صید میان - مقیاس اشتغال دارند جزء تعاونی‌های شیلات ساحلی هستند، یعنی جایی که پایگاه صید آنهاست و برخی از آنها جزء تعاونی‌های صیادی خاص هستند که بدان مشغولند. برخی از این تعاونی‌های خاص صیادی به اتحادیه‌های محلی و اتحادیه‌های اعتباری محلی تعاونی‌های شیلات می‌پیوندند، ولی بیشتر آنها حسب صیدی که اعضاء آنها بدان اشتغال دارند به اتحادیه محلی صیادی خاص خود وابسته‌اند. به علاوه برخی از آنهاست که به شیلات میان - مقیاس و بزرگ مقیاس اشتغال دارند، غالباً اتحادیه خاصی برای خدمات اطلاعاتی، هماهنگی و مشورتی بر پا می‌کنند ولی این اتحادیه‌ها سازمانهای تعاونی به حساب نمی‌آیند.

اتحادیه محلی تعاونی‌های خاص صیادی بانک مرکزی تعاونیها (نورین چوکین) اتحادیه محلی تعاونی‌های شیلات (زن گیورن) اتحادیه اعتباری محلی تعاونی‌های شیلات

اتحادیه محلی تعاونیهای شیلات (کن گیورن)

اتحادیه ناحیه‌ای تعاونیهای شیلات (چیکو - گیورن)

تعاونیهای شیلات ساحلی (گیوکیو)

تعاونیهای صیادی خاص (گیوشو برتسو)

شرکت تولیدی صیادان (سی سان - کومیاشی)

صیادان عضو

۳- عملیات سازمانی و اقتصادی تعاونیهای شیلات

مباحث ذیل عمدتاً به فعالیت‌های اقتصادی تعاونیهای شیلات ساحلی مربوط می‌شود.

این‌ها شامل فعالیت‌هایی است اقتصادی نظیر پس انداز و اعتبار، بازاریابی شیلات تهیه ملزومات و بیمه تعاونی، لیکن، دیگر فعالیت‌ها مثل مشاوره و آموزش و پرورش را شامل نمی‌شود.

۱- پس انداز و اعتبار

تعاونیهای شیلات مناطق ساحلی از اعضای خود، سپرده‌های پس انداز قبول می‌کنند و این وجوه را به نوبه خود به عنوان منبع پرداخت وام به اعضای مورد استفاده قرار می‌دهند. جدول زیر پس انداز و وام تعاونیهای شیلات ساحلی را نشان می‌دهد. از ۱۹۸۸ این قبیل تعاونیها به طور متوسط یک میلیارد ین پس انداز اعضای را در اختیار دارند و دارای ۴۵۹ میلیون ین وام مقوله اعضای هستند. ولی این ارقام به نحوی غیرمتناسب تحت تأثیر مبالغی واقع

می‌شود که تعاونیهای بزرگ شیلات جابجا می‌کنند و در سه جدول بعد از این خواهد آمد. هر تعاونی در دایره اعتبار خود تعدادی کارمند تمام وقت دارد. کل این کارکنان در ۱۹۹۰ تعداد ۲/۷۴۸ نفر و متوسط هر تعاونی ۲/۳ نفر بود.

(۲) تهیه ملزومات

تهیه ملزومات تعاونیها موادی چون سوخت دیزل، موتور، تورماهیگیری، مواد خوراکی آبزیان، همچنین کالاهائی نظیر لوازم خانگی را در بر می‌گیرد که با خریدهای کلی تهیه می‌شود. در مقایسه با کار پس انداز و اعتبار و بازاریابی که بعداً شرح داده خواهد شد، حجم فعالیت شرکتها در زمینه تهیه ملزومات نسبتاً اندک است. کیفیت نیازمندیهای اعضای و مشخصات ملزومات صید به علت تنوع شیوه‌های صید چنان گوناگون است که خرید کلی را ایجاب نمی‌کند. بنابراین تهیه سوخت به خصوص گازوئیل برای قایق‌های صیادی خط اصلی کار برای تهیه ملزومات به شمار می‌رود، چون، صیادان سوخت تقریباً یکنواختی برای قایق‌های، ماهیگیری، خود به کار می‌برند.

در مورد میزان خرید صیادان عضو از بابت کالاهائی که تعاونیها تهیه می‌کنند در مقابل نیازمندیهای آنها از لوازم صید در سطح ملی ارقامی وجود ندارد. در مورد ملزومات پرورش آبزیان تقریباً ۱۰۰ درصد تصور می‌شود معادل سوخت خریداری صیادان ساحلی باشد.

تأسیسات شیلاتی میان - مقیاس با فروشندگان فرآورده‌های نفتی ارتباط نزدیکی دارند و اتکای آنها بر تعاونیهای

شیلات از بابت تهیه سوخت حدود ۵۰ درصد است. در مورد تور، لوازم و دیگر ملزومات صید، میزان طرفداری اعضای تعاونیهای شیلات از فعالیت‌های تهیه ملزومات در مقابل کل خریدهای آنها نامعلوم است.

۳- بازاریابی کالا

بازاریابی ماهی یکی از مهمترین فعالیت‌های تعاونیهای شیلات در ژاپن است. اهمیت این کار را در جنبش تعاونی شیلات، بایستی از زمینه تاریخی جدلهای طولانی بین صیادان از یک طرف و تجار و واسطه‌های نظیر عمده فروشان از طرف دیگر فهمید. تعاونیهای شیلات محصولات دریائی را از صیادان عضو به طور امانی قبول کرده و با فروش آنها به خریداران از طریق حراج یا مناقصه قیمت، عادلانه آنها تضمین می‌کنند.

همان گونه که از ارقام روند اخیر بازاریابی ماهی توسط تعاونیهای شیلات بر می‌آید که از ۱۹۸۸ میانگین فروش سالانه هر تعاونی بازاریابی از ۹۰۰ میلیون ین فراتر رفته است. در این بین تعداد کارکنان شاغل در بازاریابی تعاونیها تقریباً دو برابر کارکنان شاغل در تهیه ملزومات است.

عملکرد بر اساس خرید در جدول اخیر بدین معنی است که تعاونیهای شیلات هنگامی که شرایط حراج نامساعد است محصولات اعضای را با قیمت‌های مورد قبول طرفین می‌خرد، مدتی در سردخانه نگهداری می‌کند و هنگامی که اوضاع بازار مصرف بهبود یافت آنها عرضه می‌کند. این کار غالباً صورت می‌گیرد تا هنگامی که

جدول - روند پس انداز و وام تعاونی های شیلات

سال	تعداد شرکت های مورد بررسی	پس انداز تعاونی های شیلات			وام تعاونی های شیلات	
		تعداد تعاونیها	کل پس انداز (میلیون ری)	متوسط پس انداز هر تعاونی (هزار ری)	کل وام (میلیون ری)	متوسط وام هر تعاونی (هزار ری)
۱۹۸۶	۱۹۷۹	۱۶۶۸	۱/۵۱۵/۹۸۱	۹۰۸/۸۶۲	۱۷۶۹	۲۷۰/۴۹۵
۱۹۸۷	۱۹۹۲	۱۶۶۴	۱/۶۳۸/۱۲۰	۹۸۴/۴۴۷	۱/۶۷۸	۴۶۱/۸۳۲
۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۶۶۹	۱/۷۳۷/۳۴۷	۱/۰۴۰/۹۵۱	۱/۶۶۲	۲۵۷/۲۳۹
۱۹۸۹	۱/۹۶۸	۱/۶۴۰	۱/۸۲۷/۶۸۷	۱/۱۱۴/۴۴۳	۱/۶۳۶	۲۶۰/۵۲۸
۱۹۹۰	۱/۹۷۲	۱/۶۴۰	۱۹۳۷/۴۴۲	۱/۱۸۱/۲۲۵	۱۶۲۹	۲۵۹/۰۱۸

جدول روند تهیه ملزومات در تعاونی های شیلات

سال	تعداد معاملات	مبلغ کل	سهم کالاهای مختلف			متوسط هر تعاونی (هزار ری)
			نفت	ملزومات	لوازم خانگی	
۱۹۸۶	۱/۶۸۷	۲۲۴/۴۲۳	۶۷/۶۹۳	۱۱۹/۹۱۶	۱۶/۷۳۴	۱۳۳/۰۳۱
۱۹۸۷	۱/۷۵۴	۲۱۳/۳۲۵	۷۵/۴۹۲	۱۲۲/۲۶۰	۱۵/۹۸۳	۱۲۱/۸۵۶
۱۹۸۸	۱/۷۵۵	۲۱۸/۲۹۲	۶۹/۰۵۲	۱۳۳/۰۱۰	۱۶/۲۳۰	۱۲۴/۳۸۳
۱۹۸۹	۱۷۴۸	۲۲۲/۱۶۳	۷۱/۱۰۷	۱۳۷/۹۹۵	۱۶/۲۱۲	۱۲۲/۹۵۶
۱۹۹۰	۱/۷۵۶	۲۵۲/۸۳۳	۸۵۷۵۳	۱۲۸/۲۸۰	۱۸۸۰۰	۱۳۳۹۸۲

دریائی ژاپن در سال ۱۹۹۰ معادل ۲/۵۶۰ میلیارد ری بود. از این رقم ۱/۵۹۰ میلیارد ری از محصولات دریائی، یا ۶۲ درصد، از طریق تعاونی های شیلات فروخته شد. بیشتر شرکت های صیادی بزرگ - مقیاس و برخی تأسیسات شیلاتی میان - مقیاس که عموماً در آب های دور از ساحل فعالیت دارند صید خود را به بازار های عمده فروشی ماهی که توسط تعاونی های شیلات اداره می شود، عرضه نمی کنند. حتی برخی از آنها در بنادر بزرگ صیادی بازار های عمده فروشی خاص خود را دارند، بنابراین لازم نیست از بازار های استفاده کنند که توسط تعاونی های شیلات اداره می شود.

به این ارقام روش متناسبی اعمال می کنند. از طرف دیگر، ۳۶۰ تعاونی شیلات ساحلی یا ۱۸ درصد کل تعاونی های شیلات به بازاریابی ماهی اشتغال داشته و فروش آنها در ۱۹۹۰ در حدود ۱۰۰ میلیون ری بود. چنین تعاونی های شیلاتی حجم فعالیت کمی داشته و صیدی که توسط اعضاء آن به ساحل آورده می شود نسبتاً اندک است. کل ارزش تولید شیلات و آبزیان

قیمت های بازار حراج برخلاف انتظار نزولی است، ولی مبلغ فروش تعاونی های شیلات با این روش از دو درصد کل فروش هم بیشتر نمی شود.

علی رغم این واقعیت که متوسط فروش ماهی هر تعاونی شیلات همان گونه که در جدول پیشین آمده است، از ۱۹۸۸: یعنی سو، بیش از ۹۰۰ میلیون ری بوده است، تعاونی های بزرگ - مقیاس شیلات با توجه

جدول روند اخیر فروش ماهی در تعاونی های شیلات

سال	تعداد تعاونی های شاغل به بازاریابی	کل فروش سالانه (میلیون ری)	انواع عملکرد		میانگین فروش هر تعاونی (هزار ری)
			امانی	خرید	
۱۹۸۶	۱/۶۶۷	۱/۳۳۷/۷۶۵	۱/۴۱۲/۳۳۷	۲۵/۱۳۸	۸۲۶/۴۸۷
۱۹۸۷	۱/۶۵۹	۱/۳۷۰/۱۰۷	۱/۴۳۷/۳۶۵	۲۲/۷۴۱	۸۸۶/۱۴۰
۱۹۸۸	۱/۶۵۸	۱/۵۵۵/۹۷۹	۱/۵۳۳/۴۶۳	۲۲/۵۱۶	۹۳۸/۴۶۷
۱۹۸۹	۱/۶۳۶	۱/۵۲۸/۸۱۲	۱/۵۲۱/۲۱۸	۱۷/۵۹۴	۹۴۰/۵۹۴
۱۹۹۰	۱/۶۵۱	۱/۵۹۳/۷۱۵	۱/۵۶۸/۳۳۳	۲۵/۰۸۱	۹۶۵/۳۰۲

(۴) - خدمات مشورتی و آموزشی این خدمت تعاونی های شیلات در برگیرنده طیف وسیعی از فعالیتها همچون مشاوره، آموزش، پژوهش، حمایت و مشارکت در نشست های گوناگون مطالعاتی، مبارزه با آلودگی محیط زیست و نمایندگی بر علائق اعضاء نظیر انتقال تقاضاها و عقاید اعضاء به تبیین کنندگان خط مشی در سطوح ناحیه ای و ملی است. تعاونی های شیلات عموماً کارکنان

ترکیب در درصد				حجم فعالیت (به میلیون ین)			تعداد تعاونی‌ها	سرمایه به (میلیون ین)
بازاریابی	ملزومات	پس‌انداز	تعدادتعاونیها فروش	بازاریابی فروش	تهیه‌ملزومات	پس‌اندازواعتبار		
۰	۰	۰	۱/۵	۵۵۷	۲۲	۱۱۸	۳۰	کمتر از یک
۱	۱	۱	۲/۹	۱/۱۱۵	۳۳۳	۱/۵۱۱	۵۷	۲/۹۹ تا ۱
۲	۲	۳	۳/۸	۲/۹۴۵	۴۰۵	۵/۹۷۱	۷۵	۲/۹۹ تا ۳
۱	۱	۱/۵	۹	۱۵/۶۹۹	۲/۵۰۱	۲۸/۵۶۰	۱۷۸	۹/۹۹ تا ۵
۵/۷	۶/۳	۹/۶	۲۵/۷	۹۱/۱۵۳	۱۵/۹۸۲	۱۸۶/۶۹۹	۵۰۶	۲۹/۹ تا ۱۰
۹/۷	۱۰	۱۲/۶	۱۸/۸	۱۵۴/۱۵۵	۲۵/۶۰۹	۲۴۴/۶۸۶	۳۷۰	۲۹/۹ تا ۳۰
۱۴/۲	۱۵/۵	۱۷/۱	۱۷/۵	۲۲۵/۶۴۳	۳۹/۱۴۲	۳۳۱/۹۲۳	۳۴۶	۹۹/۹ تا ۵۰
۱۹/۹	۲۲/۲	۲۱/۱	۱۱/۷	۳۱۷/۰۵۶	۵۶/۱۲۷	۴۰۹/۶۶۴	۳۳۰	۱۹۹۹ تا ۱۰۰
۸/۹	۱۴۱/۸	۷/۷	۳/۵	۱۴۲/۱۶۸	۲۹/۹۰۶	۱۴۹/۱۵۹	۱۰۹	۲۹۹ تا ۲۰۰
۴۰/۴	۳۲/۸	۲۹/۹	۵/۶	۶۴۳/۲۲۵	۸۲/۸۰۴	۵۷۸/۹۵۰	۱۱۱	۳۰۰ و بیشتر
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱/۵۹۳/۷۱۵	۲۵۲/۸۲۳	۱/۹۳۷/۲۴۲	۱/۹۷۲	کل

این تعاونی‌های بزرگ - سقیاس در بنادر بزرگ ماهیگیری قرار دارند و بخشی از اعضای آنها را تعاونی‌های صیادی میان - مقیاس تشکیل می‌دهد که از هزار متجاوز است. این امر نشان دهنده میزان گسترش تعاونی شیلات برحسب محل استقرار است.

تعاونی‌های بزرگ مقیاس می‌توانند به نحوی کارآمد فعالیت‌های اقتصادی خود را سامان دهند. به این دلیل تعاونی‌های کوچکتر تشویق شده‌اند به یکدیگر بپیوندند ولی این امر در داخل نهضت تعاونی شیلات در برابر تأکید بیش از حد بر کارآئی اقتصادی، احساس توهینی را بیدار می‌کند. به ویژه، مشکلات اقتصادی اخیر در تعاونی‌های میان - مقیاس بر مدیریت برخی از تعاونی‌های بزرگ مقیاس تأثیر معکوس داشته است. برخی از آنها دارای

حقوق صید، تأمین تسهیلات برای استفاده عموم اعضاء و غیره نیز شرکت می‌کنند. تفاوت حجم فعالیت تعاونی‌های شیلات

جدول زیر تفاوت حجم فعالیت‌های عمده تعاونی‌های شیلات را نشان می‌دهد که برحسب دامنه سرمایه آنها طبقه‌بندی شده است. این ارقام بین کل مقدار هر طبقه است و نه میانگین هر تعاونی. همان گونه که به روشنی می‌توان دید تعاونی‌های بزرگ - مقیاس یا سرمایه‌های صدمیلیونی تنها ۴۱۰ شرکت یا ۲۰/۸ درصد از کل تعاونی‌های شیلات مورد مطالعه یعنی ۱/۹۷۲ تعاونی را در برمی‌گیرد. ولی این تعاونی‌ها ۵۸/۷ درصد پس‌انداز، ۶۶/۸

فروش ملزومات کار و ۶۹/۲ درصد فروش شیلات را دارا بوده‌اند. بسیاری از

تمام وقتی برای خدمات آموزشی و فرعی اعضاء ندارند. ولی این بدان معنی نیست که این قبیل فعالیت‌ها غیرمهم به حساب می‌آید. برعکس، خود عملیات روزمره تعاونی‌های آموزش تلقی می‌شود. تعاونی‌های شیلات به نحوی سازمان یافته است که رافع نیازمندیهای صیادان عضو باشد. از این رو، کارکنانی که در مدیریت و امور عمومی تخصص دارند، عموماً مسئول آموزش و پرورش اعضاء هستند و گاهی همه کارکنان ممکن است برای اینکار بسیج شوند.

علاوه بر طرحها و خدمات مذکور، تعاونی‌های شیلات در بسیاری از دیگر طرحها و فعالیت‌هایی نظیر یخ سازی، انجماد و عملیات سردخانه‌ای، عملیات شیلاتی توسط خود تعاونی، مثل صید با تور و پرورش آبزیان، تنظیم و مدیریت

مقدمه:

نقش آموزش در بخش تعاون، بمانند نقش پایه‌ها و ستونها در یک خانه ضروری و حیاتی است. در اهمیت و لزوم آموزش شکی نیست.

افرادی که تعاونیها را تاسیس و اداره می‌کنند، افرادی هستند که بدلیل عدم بضاعت مالی کافی، توان انجام کار بصورت فردی را ندارند و بعضاً این افراد در فعالیتهای مربوطه، با علوم روز آشنا نمی‌باشند. ما بعنوان کارشناس می‌بایست در برنامه ریزیهای آموزشی بکوشیم به اهداف زیر نزدیک و نزدیکتر شویم.

آگاه سازی و آشنا نمودن افراد با علوم روز مربوطه و جایگزین نمودن روشهای صحیح کار، بجای روشهای منسوخ جهت بهره‌وری بیشتر، پرورش افرادی که بتوانند درست فکر کنند، در برابر ملت (بطور عام) و اعضاء تعاونی خود (بطور خاص) احساس مسئولیت کنند، از معیارهای اساسی اخلاقی پیروی نمایند، قدرت برخورد با مسائل را داشته باشند، از روشهای علمی در حل مسائل استفاده کنند، در جریانهای اجتماعی مثل: همکاری،

مخالفت، سازگاری و توافق، منطقی عمل نمایند و اهمیت ارزشهای انسانی مثل عدالت اجتماعی و آزادی فردی را درک نمایند.

در آخرین کنفرانس اتحادیه بین المللی تعاون (۱۹۹۵ - منچستر) اصول تعاون مورد بازنگری قرار گرفت که با اشاره به اصل پنجم مقدمه را به پایان می‌بریم.

«اصل پنجم: آموزش و کارآموزی و آگاه‌سازی»

«تعاونیها برای اعضاء نمایندگان منتخب، مدیران، کارکنان خود آموزش و کارآموزی تدارک می‌بینند بطوریکه آنها بتوانند بنحو موثر در پیشرفت تعاونی خود کمک نمایند. آنها عموم مردم بخصوص افراد جوان و رهبران افکار عمومی را نسبت به ماهیت و فوائد تعاونی مطلع می‌سازند.»

برنامه ریزی آموزشی:

امروزه با وجود تعاریف روشن و دقیق و عمیق از برنامه و همچنین دسترسی به تئوریه‌ها، اصول و قواعد برنامه ریزی آموزشی دیگر نمی‌توان صرفاً قرار دادن اسامی چند درس و یا تهیه فهرست مندرجات دروس و حتی تنظیم محتوای دوره‌های آموزشی و تهیه مواد آموزشی را برنامه‌ریزی آموزشی قلمداد کرد.



«برنامه ریزی آموزشی برای بخش تعاونی»

از: ابراهیم ماشملو

تعریف:

«یک برنامه آموزشی در حقیقت نقشه‌ای است که در آن فرصتهای مناسب یادگیری برای رسیدن به هدفهای کلی و یا هدفهای جزئی مربوطه، که برای جمعیت مشخصی در نظر گرفته شده‌اند، فراهم گردیده است.»^(۱)

چنین نقشه‌ای می‌بایست دارای هدفهای حساب شده و مشخصی باشد که توسط

نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه نمود این است که علل بسیاری از مسائل و مشکلات بخش فعال جامعه را می‌توان در کم و کیف آموزش (بطور عام) و برنامه‌ریزی آموزشی (بطور خاص) جستجو کرد.

برنامه‌ریزان آموزشی معاصر کاملترین مفهومی است که برای برنامه آموزشی تاکنون ارائه شده است.

نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه نمود این است که علل بسیاری از مسائل و مشکلات بخش فعال جامعه را می‌توان در کم و کیف آموزش (بطور عام) و برنامه‌ریزی آموزشی (بطور خاص) جستجو کرد.

مشکلات غیرمنتظره با ابعاد مختلف خودنمایی می‌کنند.

باتوجه به مطالب عنوان شده، می‌بایست برنامه ریزی آموزشی را یک جریان مداوم و مستمر داشت و چنین تصویری که بعد از طراحی یک برنامه و حتی به اجرا گذاردن آن وظایف برنامه‌ریزان و امر برنامه‌ریزی آموزشی تمام شده تلقی گردد را از اذهان دست اندرکاران، کارشناسان و مجریان این امر خطیر بیرون برد چراکه، مرحله ارزشیابی در حین اجرا و بعد از اجرای برنامه هنوز باقی مانده است.

بنابراین برخلاف تصور نادرستی که برخی از مفهوم «برنامه» و امر «برنامه‌ریزی» دارند، باید به این حقیقت مهم تاکید شود که ترتیب اجرای یک برنامه و کاربرد ضوابط تعیین شده برای ارزشیابی آن برنامه، در حین اجرا و در پایان اجرا، اجزاء اصلی و جدانشدنی یک برنامه آموزشی می‌باشند. و هرگز نباید برنامه و برنامه‌ریزی را در چارچوب محدود و ناقص طراحی، منجمد نمود. لازم است مجدداً تاکید شود که در برنامه ریزی مفهوم پویا بودن مستتر است نه ایستا بودن.

سطوح برنامه ریزی آموزشی:

برنامه ریزی آموزشی می‌تواند در سطوح، ملی و استانی و شهری انجام پذیرد، عناصر یک برنامه آموزشی و همچنین نحوه طراحی و شرایط و ضوابط اجرائی آن بستگی نزدیک با سطح مورد نظر و کمیت و کیفیت عناصر و شرایط موجود در آن سطح دارد. از مهمترین وظائف برنامه ریزان آموزشی این است که فعالیت‌های آموزشی را در هر سطح با توجه



است که قادر خواهند بود برنامه هائی متکی بر اصول و ضوابط علمی ارائه دهند. مراحل برنامه ریزی آموزشی:

بطور کلی می‌توان گفت که برنامه آموزشی شامل دو مرحله متمایز ولی مرتبط، طراحی و اجراست، در هر یک از این مراحل، برنامه ریزان آموزشی باید باتوجه به اصول و یافته‌های علوم مربوطه و نیز با در نظر گرفتن نیازهای فردی و اجتماعی، شرایط، منابع، امکانات مالی و اجرائی برای تعلیم و تربیت نیروی انسانی کارآمد، برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهند.

نکته بسیار مهمی که برنامه ریزان و طراحان برنامه‌های آموزشی می‌بایست بدانند این است که بعد از طراحی یک برنامه آموزشی کارشان تمام شده تلقی نمی‌شود، زیرا قسمت عمده و حیاتی یعنی اجرای برنامه طراحی شده هنوز باقی مانده و معمولاً در حین اجراست که مسائل و

برنامه‌ریزان آموزشی و بسیاری صاحب‌نظران و متخصصان امر استخراج و انتخاب گردیده است. بعلاوه دربارهٔ انتخاب روش، وسایل، ترتیب عمل، ضوابط ارزشیابی از فعالیت‌های آموزشی و بازخورد نتایج ارزشیابی به منظور اصلاح برنامه آموزشی محاسبات و پیش‌بینی‌های لازم صورت گرفته باشد.

آنچه که موجب می‌شود برنامه آموزشی را بعنوان یک نقشه در نظر بگیریم وجود ویژگی‌هایی است که در مفهوم نقشه نهفته است از جمله:

- جنبه‌های تفکر، محاسبه و پیش‌بینی قبل از عمل.

- لحاظ نمودن طراحی با در نظر گرفتن اصول و یافته‌های علوم مربوطه.

- وجود دو مرحله متمایز ولی متکی به هم طراحی و اجرا

- پیش‌بینی مشخصات و ضوابط لازم جهت انتخاب روش، وسایل، ترتیب عمل و معیارهای متناسب ارزشیابی از فعالیت‌های آموزشی.

- کاربردی بودن یعنی اجرا و همچنین امکان باز خورد نتایج حاصله از اجرا جهت اصلاح، ترمیم و یا حتی تغییراتی در نقشه.

با احتساب یک برنامه آموزشی بعنوان یک نقشه، کار برنامه ریزان در ابتدا طراحی نقشه‌های آموزشی برای مراکز آموزشی در سطوح شهر، استان یا کشور خواهد بود.

در مرحله اجرا امکان ظهور مسائل و مشکلات پیش‌بینی نشده وجود دارد که بیانگر فاصله اجتناب‌ناپذیر تئوری و عمل می‌باشد ولی این مسائل اغلب ناچیزند و نمی‌توان بخاطر آنها، اهمیت و ضرورت داشتن یک نقشه حساب شده، دقیق و علمی را انکار کرد. طراحان برنامه‌های آموزشی نیز تنها با آشنائی از اصول و قواعد و یافته‌های علمی علوم مربوطه و اطلاع از داده‌های دقیق، نیازها، شرایط و امکانات

به نیازها، شرایط و امکانات موجود در آن سطح و در ارتباط و هماهنگی با سایر فعالیتهای آموزشی در سطوح دیگر طراحی نمایند.

بطور کلی برنامه ریزی آموزشی در نظام متمرکز برای مدارس یا مراکز آموزشی یک کشور و در نظام غیر متمرکز برای مدارس و مراکز آموزشی یک منطقه یا یک شهر طراحی و اجرا می‌گردد.

مسائل برنامه ریزی آموزشی:

برنامه ریزی آموزشی با وجودیکه سالهاست در بعضی از کشورهای پیشرفته بصورت دقیق و علمی طراحی و اجر می‌گردد و با وجودیکه در بسیاری از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بعنوان یک رشته تحصیلی مشخص و معتبر وجود دارد. هنوز در بسیاری از کشورها، حتی برای بعضی از مسئولان و دست اندرکاران آموزش و پرورش قلمروئی ناشناخته محسوب می‌گردد.

نکته مهم دیگری که می‌بایست به آن اشاره کرد، وجود فاصله‌ای اجتناب‌ناپذیر میان تئوری و عمل است، این موضوع در اصطلاحات علمی نیز^(۲) «فاصله تئوری و عمل» نامیده شده است.

قدر مسلم است که هر برنامه طراحی شده‌ای در حین عمل صد در صد موفقیت‌آمیز نخواهد بود و نتایج اجرای برنامه چیزی کمتر از نتایج پیش بینی شده در مراحل طراحی خواهد بود. برنامه ریزی آموزشی کاری بس پیچیده، دقیق و در عین حال پرمسئولیت است زیرا برنامه‌ریز در مسیر اتخاذ تصمیمهای بسیار حیاتی و مهمی قرار می‌گیرد. که با مهمترین گرانبهارترین منبع و سرمایه یک جامعه یعنی سرنوشت نسلهای آن جامعه و کمیت و کیفیت تربیت نیروی انسانی آن سر و کار دارد، از جمله: تصمیمهایی که باید درباره فلسفه آموزش، تعیین خط مشی‌های اصلی و انتخاب هدفهای ملی و میهنی اتخاذ بنماید

واضح است که چنین تصمیم هائی، تعیین کننده بسیاری از هدفهای بزرگ و کوچک دیگرند، و بر روی انتخاب روش تدریس و تهیه و کاربرد وسایل آموزشی و بالاخره میزان ثمربخشی فعالیتهای آموزشی اثرات مطلوب و نامطلوبی بجای خواهند گذاشت.

نظام آموزشی جامعه در حال توسعه ما، می‌بایست از راه برنامه ریزی آموزشی (تاکید به روی بخش) متکی به مبانی علمی و با استفاده از آخرین یافته‌های این علم به یاری جامعه و افرادش برخیزد.

بخصوص با تجزیه و تحلیل مسائل و مشکلات موجود در جوامع پیشرفته، در مقابل عوامل و عناصر مضر و نامطلوب پوشش ایجاد کرده و در برابر تهاجم ارزشهای وارداتی مقاومت و مقابله نماید و از طریق نظام آموزشی احیاء شده، نوسازی‌های لازم را همراه با پیش بینی‌ها و اقدامات مناسب ایجاد نماید.

و اما وظیفه ما؛ سعی کنیم در انتخاب اهداف و برنامه ریزی‌های آموزشی و درسی برای آموزشهای عمومی و آموزشهای تخصصی، موارد زیر را رعایت نموده و تقویت و گسترش دهیم.

۱- در حفظ ارزشهای والای انسانی، فرهنگی و اجتماعی که ثمره تاریخ کهنسال جامعه ایرانی هست آگاهانه بکوشیم و هر نویی را بخاطر نو بودن پذیرا نباشیم و هر کهنه‌ای را بخاطر کهنه بودن بدور نیافکنیم.

۲- تجزیه و تحلیل‌های دقیق و خالی از تعصب از تجربیات و رویدادهای مهم و همچنین مسائل و مشکلات اساسی تعاونیها در جوامع توسعه یافته صنعتی و حتی جوامع در حال توسعه را بررسی نمائیم.

۳- در انتخاب هدفها، روشها و ابزار لازم جهت آموزش و توسعه تعاونیها، بصورت کورکورانه از جوامع پیشرفته پیروی نکنیم و در عین حالیکه به سمت توسعه گام برمی‌داریم هویت قومی و مبانی فرهنگی و

ارزشهای فردی و اجتماعی ارزشمند خود را حفظ و گسترش دهیم.

۴- نظام آموزشی بخش تعاون را از طریق برنامه ریزی‌های دقیق، علمی و حساب شده تقویت کنیم تا بر اثر سیل بنیان کن ارزشهای وارداتی و الگوهای رفتاری جوامع غرب نه تنها مقاوم بشود بلکه اثرات نامطلوب آن خنثی و ارزشها، خصائص و میراث ملی و فرهنگی خود را بیش از پیش ترویج کنیم.

برنامه ریزی آموزشی دوره‌های تخصصی - کاربردی نیازسنجی:

- شناسائی نیازهای تعاونیها (تربیت نیروی انسانی ماهر و زمینه‌های فعالیت).

- تجزیه و تحلیل این نیازها و ارائه راه کارهای مناسب جهت رفع نیازها.

- شناسائی و بررسی مسائل و مشکلات جهت یافتن منشا مشکل و ارائه راه کار مناسب جهت رفع مشکل.

- در نظر گرفتن اولویتها و محدودیتهای.

- بررسی شرایط و امکانات موجود جهت اجرای برنامه و ارائه پیشنهادات راه گشا.

مثال ۱: عدم سرعت و دقت در مسائل مالی شرکت تعاونی و عدم استفاده بهینه از وسایل و ابزار آلات جدید.

مثال ۲: نیاز به وسیله‌ای جهت سرعت و دقت در کلیه فعالیتهای شرکت.....

اهداف جزئی:

پس از مشخص شدن نیازها و مشکلات، با در نظر گرفتن امکانات و توجه به اولویتها، اهداف جزئی آموزش را تعیین می‌نمائیم. بدین صورت که براساس اهداف کلی آموزش، اهداف جزئی را بواسطه نیازها و امکانات تعیین نموده و بصورت اهداف رفتاری بنگارش در می‌آوریم. چند مثال از اهداف جزئی:

۱- انتخاب وسیله‌ای جهت رفع نیاز و....

۲- آشنا شدن فراگیران با ماشین حساب.

برخلاف تصور نادرستی که برخی از مفهوم «برنامه» و امر «برنامه ریزی» دارند، باید به این حقیقت مهم تاکید شود که ترتیب اجرای یک برنامه و کاربرد ضوابط تعیین شده برای ارزشیابی آن برنامه، در حین اجرا و در پایان اجرا، اجزاء اصلی و جدانشدنی یک برنامه آموزشی می باشند. و هرگز نباید برنامه و برنامه ریزی را در چارچوب محدود و ناقص طراحی، منجمد نمود.

۲- توانایی استفاده از ماشین حساب برای تسریع و دقت در امور مالی
اهداف رفتاری:

هدفهای رفتاری هدفهایی هستند که در قالب رفتار یادگیرنده بیان شوند و میزان برآورده شدن یا برآورده نشدن آنها را بتوان بطور واضح در رفتار یادگیرنده مشاهده و اندازه گیری نمود.

یکی از مهمترین مراحل کار برنامه ریزی آموزشی، مشخص کردن این اهداف می باشد. که باید، ساده و روشن بیان شوند. بعضی از ویژگیهای اهداف رفتاری بشرح زیر می باشد:

- در قالب رفتار یادگیرنده بیان شود نه یاددهنده.

- روشن، صریح و قابل تشخیص و با افعال بتواند، انجام دهد، بنویسد و..... افعالی که نشاندهنده انجام کاری می باشد به نگارش درآیند.

- به آسانی قابل اندازه گیری و ارزشیابی باشند.

با عنایت به اینکه آموزش در بخش تعاون می بایست عمدتاً عملی باشد پس لازم است مجریان و کارشناسان به این

مهم توجه کافی نموده و هدفهای آموزشی را در قالب کلمات و جملات کلی و نامفهوم

بیان ندارند. چرا که ضوابط ارزشیابی برای مشخص نمودن نتایج و ثمرات

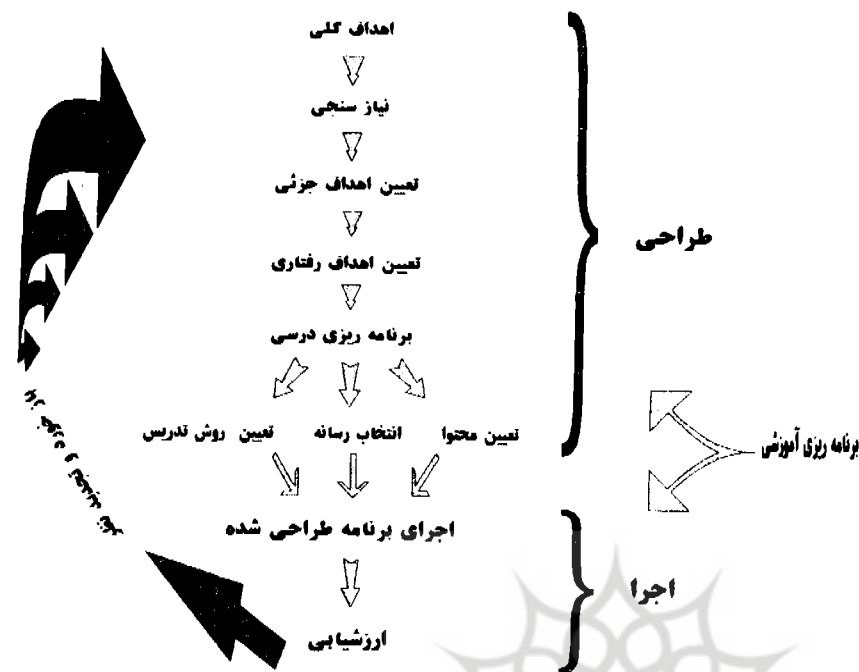
یادگیری از میان می رود. در صورتیکه هدفهای آموزشی، مخصوصاً اهداف

رفتاری حتی المقدور در قالب کلمات و جملات ساده و روشن بیان شوند و حتی

الامکان بصورت رفتار مشهود یادگیرنده بیان گردند، اذهان مدرسان و فراگیران از

هرگونه ابهام و تردید پاک می شود و در هنگام ارزشیابی امکان دخالت احساسات

نداشد اندوخته شده در رشته مورد نظر.



- مجموعه مفاهیم اساسی مربوط.
- مجموعه روشها و قواعد اساسی رشته مورد نظر.

- مطالب یا مفاهیم کلیدی.
- مفاهیم انتخاب شده جنبه کاربردی داشته و مثالهای روشنی ذکر شود.
- ارتباط با مسایل روز.

در ادامه، مرحله انتخاب رسانه مناسب، جهت انتقال محتوای تعیین شده به فراگیران می باشد، که بستگی زیادی به محتوا دارد، رسانه می تواند مدرس باشد یا یک وسیله آموزشی مثل فیلم یا یک گردش علمی یا کتاب و.... همچنین می توان چند رسانه بصورت ترکیبی انتخاب کرد.

بطور همزمان روش تدریس می بایست مشخص شود، که می توان از تدریس توضیحی استفاده کرد (انتقال مستقیم اطلاعات به فراگیران به وسیله کتاب یا سخنرانی) یا فراگیر را درگیر موضوع کرد تا بشکل فعال در این فرایند نقش ایفا کند.

شخصی و یا متوسل شدن به حدس و گمان از میان می رود.

مرحله بعدی، برنامه ریزی درسی، جهت رسیدن به اهداف رفتاری می باشد، در این مرحله می بایست محتوایی مناسب، وسیله و رسانه مناسب و روش تدریس متناسب انتخاب شود.
برنامه ریزی درسی:

«برنامه ریزی درسی عبارت است از برنامه ریزی فعالیتهای یاددهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات» (۳)

در این مرحله از کار برنامه ریزی، می بایست محتوای مورد نیاز، با توجه کامل به اهداف رفتاری مشخص شده، تعیین و انتخاب شود.

مواردی که در انتخاب و تعیین محتوا می بایست رعایت شود:

- دانش اندوخته شده در رشته مورد نظر.

بدهی‌ها و کسری‌های سنگین هستند. در عین حال، برخی تعاونی‌های کوچک - میان - مقیاس خاص وجود دارند که در عملکردهای اقتصادی و مدیریت خود دارای ثبات هستند. آنها منافع زیادی به دست نمی‌آورند و برخی اقدامات نیز برای بهبود مدیریت اقتصادی آنها مثل بهبود مزارع شیلات و گسترش مدیریت برنامه‌ای شیلات در میان صیادان عضو صورت گرفته است در چنین تعاونی‌های شیلاتی روح همبستگی در میان اعضاء قوی است. برحسب مورد، مباحث پیرامون ارزشهای اساسی تعاونی وسیعاً ادامه داشته است تا تعاونی‌های سازمان یافته‌تری در خدمت اعضاء به وجود آید.

TAAVON/E - 66

Tokogawa Feudal Period

MEITT

NILLAGE frshery unie.

Frsheries Unier Standing Rrle

Industreal Unron Law

Net Masters MONBESTO

HOKAIDO IKHITSK ANDOH TAKUSHOKU

Industriol Unriin Central Financial

Corroration.

Central Co - oeration Bork For Agucult er

TANOMOSHI - KO SAKAZUKI

Smallmdlledims Scale Frsheries

Finance Garanmtec Law

Credit Fudb Association

Frsheries Moderniration Fund Promotei Law

gill - net trawler APEX YAMAGATA

YAMAGATA YAMAGATA

YAMAGATA YAMAGATA

YAMAGATA NORINCHUKIN

GYOKYOU CHIKU - GYOREN

بطور کلی می‌توان گفت که برنامه آموزشی شامل دو مرحله متمایز ولی مرتبط، طراحی و اجراست، در هر یک از این مراحل، برنامه ریزان آموزشی باید با توجه به اصول و یافته‌های علوم مربوطه و نیز با در نظر گرفتن نیازهای فردی و اجتماعی، شرایط، منابع، امکانات مالی و اجرایی برای تعلیم و تربیت نیروی انسانی کارآمد، برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهند.

ارزشیابی نهایی صورت گیرد پس از بدست آوردن نتایج ارزشیابی مرحله‌ای و نهایی لازم و ضروریست. که کلیه مراحل برنامه ریزی از ابتدای طراحی تا پایان ارزشیابی مورد بازنگری و تجدید نظر جزئی یا کلی قرار گیرد و اشکالات و معایب برنامه رفع گردد، سپس این برنامه با کمترین درصد خطا در محدوده وسیعتر، برای فراگیران بیشتر و در مقاطع زمانی متفاوت قابل اجرا می‌باشد.

مهمترین مرحله‌ای که کارشناسان و همکاران گرامی در ادارات کل، اتحادیه‌ها و شرکتهای تعاونی می‌بایست بدان توجه کافی داشته باشند، مراحل ابتدایی طراحی برنامه می‌باشد که شامل:

- نیازسنجی در ابعاد مختلف (نیروی انسانی، وسایل کار، کمبودها و...)
- تعیین اهداف جزئی (براساس نیازسنجی)
- تعیین اهداف رفتاری.
- ارائه پیشنهادات و راه کارهای مناسب برای هرچه مطلوب‌تر شدن برنامه.

۱- مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی صفحه ۸۵ / دکتر پروند

۲- مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی صفحه ۲۳ / دکتر پروند

۳- مبانی برنامه ریزی آموزشی (برنامه‌ریزی درسی مدارس، تألیف الف لوی - ترجمه فریده مشایخ صفحه ۹

منابع و مأخذ:

- ۱- دکتر محمد حسن پروند - مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی - انتشارات صحیفه - آخرین چاپ
- ۲- الف لوی - مبانی برنامه‌ریزی آموزشی - انتشارات مدرسه - چاپ چهارم ۶۹ - ترجمه فریده مشایخ
- ۳- دکتر هاشم فردانش - مبانی نظری تکنولوژی آموزشی - انتشارات سمت - تهران ۷۳
- ۴- نشریه رشد تکنولوژی آموزشی - شماره‌های سال ۷۵
- ۵- فصلنامه تعلیم و تربیت - شماره ۲۱ و ۲۴ - سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

و خود جهت یافتن راه حل تلاش کند (روش اکتشافی) روش دیگری وجود دارد بنام روش تسلط یاب که فراگیرنده می‌بایست زمان کافی و لازم در اختیار داشته باشد که به روی جزئیات قسمت اول محتوای انتخاب شده تسلط یابد و تا زمانیکه به این مرحله نرسیده قسمت دوم را شروع نمی‌کند.

روشهای دیگری هم وجود دارند مثل آموزش برنامه‌ای یا یادگیری انفرادی یا تشکیل گروههای کوچک و... که هر کدام از اینها دارای معایب و محاسن خاص می‌باشند.

برنامه ریز می‌بایست به تناسب رشته درسی و با توجه به اهداف رفتاری مدنظر آن رشته و در نظر گرفتن ارتباط و هماهنگی بین تعیین محتوا، انتخاب رسانه و انتخاب روش تدریس، برنامه‌ریزی درسی آن رشته را به انجام رساند. تا این مرحله هدفها مشخص شده‌اند، هدفهای رفتاری به نگارش درآمده، محتوای مناسب تدوین یا انتخاب شده رسانه انتقال محتوا به فراگیرندگان مشخص و روش انتقال معلوم شده‌اند. از این پس اجرای برنامه طراحی شده شروع می‌شود، که بر اساس شرایط و امکانات موجود در محدوده مشخص برای اشخاص معین و در یک مقطع زمانی معلوم، برنامه به طور آزمایشی به اجرا درمی‌آید.

ارزشیابی

نهایتاً مرحله ارزشیابی است که شایسته است برنامه در حین اجرا، مورد ارزشیابی مرحله‌ای و در پایان برنامه

بطوریکه با انجام برنامه‌ریزی صحیح می‌توان در رابطه با ایجاد تعاونیهای جدید مرغداری و توسعه واحدهای موجود با اطمینان بیشتر اقدام نمود. در بخش صنعت امکان انجام فعالیت به شیوه تعاونی بسیار زیاد است و زمینه‌های مستعد متعددی جهت ایجاد تشکلهای تعاونی و راه‌اندازی فعالیت‌های جدید موجود می‌باشد که از جمله آنها ایجاد صنایع تبدیلی است. در این راستا ایجاد ۶ واحد تولیدی پودر ماهی به ظرفیت ۶۰۰۰ تن در مناطق مختلف ساحلی استان و ۶ سردخانه جهت نگهداری ماهی هر یک به ظرفیت ۳۰۰۰ تن در مناطق شرقی - غربی و مرکزی ساحل استان ۶ واحد روغن‌گیری از سبوس برنج به ظرفیت هر واحد ۲/۵ تن در مناطق مختلف روستائی شرق استان و تعداد ۶ واحد تولید سوسیس و کالباس به ظرفیت ۸۰۰۰ تن در منطقه شرق گیلان پیشنهاد می‌گردد.

همچنین ایجاد واحدهای تولید چرم و کیف و کفش با توجه به وجود مواد اولیه در منطقه و در زمینه صنایع ساختمانی ایجاد واحدهای دانه‌بندی شن، تولید آجر ماشینی و کاشی‌سازی و بالاخره در زمینه صنایع دیگر ایجاد واحدهای تولید قوطی کنسرو و فرش ماشینی متناسب با مقتضیات استان شناسائی گردیده‌اند.

در بخش معدن نیز زمینه‌های مناسب برای تشکیل تعاونی وجود دارد و این استان از امکانات معدنی قابل توجهی برخوردار است که سرمایه‌گذاری روی آنها مفید به نظر می‌رسد.

و اما یکی از زمینه‌هایی که کمتر به آن توجه شده و شرایط مناسبی جهت انجام فعالیت در آن فراهم است، خدمات بازرگانی است. استان گیلان به عنوان یک استان ساحلی و برخوردار از پایانه‌های مناسب برای کشتی‌های مسافربری و حمل بار متوسط و سبک دارای موقعیت ویژه‌ای برای خدمات بازرگانی است، و همچنین از

نظر نیروی انسانی متخصص نسبت به سطح ملی دارای وضعیت بهتری می‌باشد. این استان دارای دو مرکز ورود و خروج کالا در بندر انزلی و آستارا است. بندر انزلی دارای دو اسکله عمومی و دو اسکله ویژه با ظرفیت رسمی ۸۵۰ تن در سال می‌باشد که با توجه به زمینه‌های موجود آن بسیار کم است. و بهمین لحاظ میادرت به احداث اسکله یکی از زمینه‌هایی است که می‌تواند برای گروهی از افراد ایجاد اشتغال نماید. با این مقدمه و ضمن در نظر گرفتن ویژگیهای استان و شرایط کلی منطقه و همچنین نیازها و استعدادهای آن زمینه‌های ذیل جهت انجام فعالیت به شیوه تعاونی مناسب تشخیص داده شده‌اند.

۱- ایجاد مزرعه مرغ مادر با توجه به رشد مرغداریهای استان و نیاز گسترده به جوجه یکروزه جهت افزایش تولید به تعداد چهار واحد در شهرهای رشت، لاهیجان و تالش.

۲- ایجاد واحدهای مرغ کوشتی و تخمگذار حداقل به تعداد ۱۳ واحد مرغ کوشتی و ۴ واحد مرغ تخمگذار.

۳- ایجاد واحدهای گاوداری سنتی با توجه به عدم وجود زمینه لازم جهت ایجاد این قبیل واحدها به شیوه صنعتی، به تعداد ۷ واحد در نقاط مختلف استان.

۴- ایجاد کشتارگاه طیور به دلیل نبودن کشتارگاه صنعتی طیور در منطقه به تعداد کافی.

۵- ایجاد کارخانه تولید پودر ماهی با توجه به استقرار بخش عظیمی از شهرها و روستاهای استان در کنار دریای با برکت خزر و امکان صید ماهی کیلکا و تبدیل آن به پودر ماهی و امکان رشد این صنعت و اینکه میزان صید ۳۰ هزار تنی فعلی آن قابل افزایش تا مرز ۱۱۰ هزار تن می‌باشد.

۶- ایجاد کارخانه روغن‌گیری از ماهی کیلکا در یکی از شهرهای ساحلی.

۷- ایجاد کارخانه کنسرو ماهی بمنظور

بهره‌برداری هرچه بهتر از ماهی کیلکا و سایر ماهیان در شهرهای مختلف استان.

۸- ایجاد کارخانه روغن‌گیری از سبوس برنج با توجه به سابقه این امر در منطقه بمنظور استفاده مطلوب از سبوس.

۹- ایجاد کارخانه تولید سوسیس و کالباس بدلیل وجود مواد اولیه در منطقه و قابلیت رقابت این صنعت از نظر کیفیت و قیمت با تولیدات مشابه سایر کشورها و تقاضای فراوان کشورهای حاشیه خزر برای خرید این قبیل محصولات.

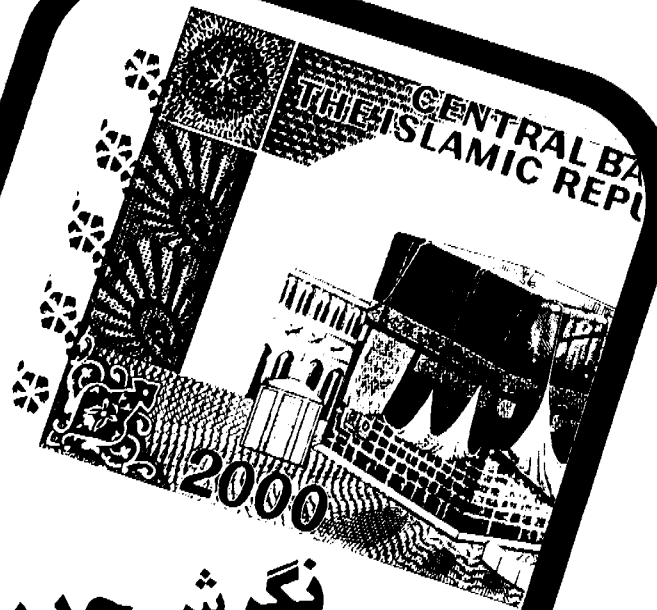
۱۰- ایجاد کارخانه‌های قوطی‌سازی، با توجه به امکان ایجاد کارخانجات کنسرو ماهی و کارخانه تولید قوطی کنسرو در یکی از شهرهای انزلی و کیاشهر.

۱۱- ایجاد صنایع چوبی و تولید فیبر و نئوپان و توسعه صنایع در و پنجره‌سازی چوبی و میز و صندلی و مبلی بدلیل تبدیل وضعیت جنگل‌ها و جایگزینی درختان جدید به جای درختهای کهنه و اصلاح نژاد چوب و بهره‌برداری مطلوب از این امکانات در شهرهای مختلف استان.

۱۲- احداث کارخانه چای خشک‌کنی و بهره‌گیری از ضایعات چای با توجه به تولید زیاد برگ سبز چای در نقاط مختلف استان و دور بودن این مناطق از محل کارخانجات چای خشک‌کنی در ظرفیت‌های کوچک برای خشک‌کردن چای و استفاده از ضایعات آن بمنظور تولید تائین و کافئین جهت استفاده در مصارف پزشکی.

۱۳- کارخانه تولید آرد؛ یکی از مواردیکه در استان ضرورت تشکیل آن بشدت احساس می‌گردد کارخانه تولید آرد است که می‌تواند در قالب تعاونی نسبت به ایجاد آن اقدام نمود.

۱۴- کارخانه روغن بادام زمینی؛ نظر باینکه زمین‌های استان گیلان بویژه آستانه اشرفیه استعداد خاصی برای کشت و تولید بادام زمینی و تولید محصولات غذایی دیگر از این محصول را دارد اقدام به این کار



نگرش جدید به تئوری بودجه

ترجمه و تلخیص از دکتر قدرت‌الله طالبی

بودجه‌نویسی همیشه یکی از مهمترین فرآیندهای تصمیم‌گیری دولت‌ها بوده و هست. در بودجه‌نویسی، خدمات و فعالیت‌های کلی دولت که باید انجام شود، مشخص شده و سپس اجرا می‌گردد و اثرهای کلی آن اندازه‌گیری می‌شود.

مسئله اساسی در بودجه‌نویسی این است که چگونه و بر اساس چه معیاری می‌توان (x) میلیارد ریال را بین فعالیت‌های الف و ب و ج و... دولت تخصیص داد به گونه‌ای که بیشترین فایده اجتماعی را در برداشته باشد. حدود دو دهه قبل، پروفیسور «وی - او - کی» نبود یک تئوری بودجه - که می‌توانست در رسیدن به پاسخی برای سؤال بالا کمک کند - را مورد توجه قرار داد. او معتقد است که بودجه،

شکلی از اقتصاد علمی است زیرا که منابع محدود را بین نیازهای نامحدود تقسیم می‌کند.

برای پاسخ به مسأله اساسی بالا در بودجه، وی سه پیشنهاد زیر را که از تئوری‌های اقتصاد گرفته شده و در بودجه عمومی قابل استفاده است مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. این سه پیشنهاد به عنوان اجزا و بلوک‌های یک ساختمان برای ساخت یک تئوری بودجه مناسب می‌باشند.

پیشنهاد ۱: از آنجایی که منابع کمیاب هستند، مهمترین معیار تخصیص هزینه باید بازده قابل قبول در برابر هزینه فعالیت‌ها داشته باشد. بنابراین تجزیه و تحلیل بودجه به طور اساسی باید مقایسه‌ای بین مزایای راه حل‌های مختلف

تخصیص هزینه باشد (ارزش نسبی).

پیشنهاد ۲: تخصیص بودجه می‌تواند بر اساس تجزیه و تحلیل افزایش روند هزینه‌های دولت با توجه به کاهش فایده نهایی آنها انجام شود، بخصوص نقطه‌ای که اضافه کردن هزینه‌ها - به هر منظوری - به بازده مشابهی منجر می‌شود (تجزیه و تحلیل روند افزایش هزینه‌ها).

پیشنهاد ۳: تخصیص بودجه بر اساس کارایی معین می‌تواند فعالیت‌ها و طرح‌ها را در دستیابی به اهداف عمومی هدایت کند (کارایی مبنای).

به طور کلی هدف این مقاله بحث و بررسی در دو قسمت به شرح زیر می‌باشد: - بحث و بررسی در مورد سه پیشنهاد پروفیسور «وی - او - کی» در مورد معیارهای تخصیص منابع مالی.

- ارائه و پیشنهاد یک چارچوب مناسب برای ساخت یک تئوری اقتصاد بودجه.

ارزش نسبی در تخصیص منابع مالی
تصمیم‌گیری در تخصیص منابع مالی بر اساس معیار بالا باید پاسخگوی این سؤال باشد که نتایج ناشی از هزینه انجام شده، حداقل باید برابر بهای تمام شده آنها باشد. به عبارت دیگر منافع به دست آمده باید ارزش مخارج انجام شده را داشته باشد.

خواسته‌های بشری به طور قطع نامحدود است و گرچه عرضه منابع در دهه‌های اخیر به طور وسیعی افزایش یافته اما در مقایسه با تقاضا هنوز بسیار کم است. اگر ما منافع کافی را برای برطرف شدن همه نیازها می‌داشتیم بسیار عالی بود. ولی این در عمل غیرممکن است. بنابراین بعضی از نیازها را می‌توان تا حدودی رفع کرد و بعضی نیازها را نمی‌توان رفع نمود. به همین خاطر است که اولویت بندی در تخصیص منابع مالی مطرح می‌شود. ضرورت بودجه عمومی به این دلیل است که آرمان‌ها و خواسته‌های ما

فراتر از توانایی ما هستند. آرمان‌ها و خواسته‌های انسان در واقع نامحدود است. در روبرویی با منابع محدود، اعضای مجلس و دولتمردان باید گزینه‌هایی به شرح زیر انتخاب کنند:

منابع مالی موجود یا باید صرف فعالیت «الف» شود یا برای فعالیت «ب» به مصرف برسد نه هر دو مورد. حال سؤال این است که این انتخاب بر چه معیاری باید صورت گیرد؟

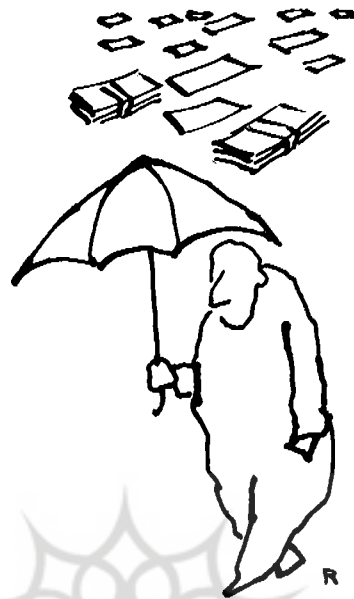
برای جواب به سؤال بالا، پروفیسور پیگو معیار اصل مطلوبیت نهایی که از اقتصاد بخش خصوصی گرفته شده است برای تخصیص هزینه‌های دولتی پیشنهاد می‌کند و می‌گوید، منابع دولتی باید آن چنان میان مصرف‌های دولتی تخصیص و توزیع گردد که مثلاً آخرین ریال برای هر کدام منجر به بازده واقعی یکسان برای همه شود.

برای تعیین نحوه تخصیص منابع مالی بین هزینه دفاعی و هزینه رفاهی باید ارزش نسبی نتایج به دست آمده از هر یک از راه کردها سنجیده شود. چگونه می‌توان به این سؤال پاسخ داد که ۱۰۰ میلیون ریال بیشتر برای هزینه دفاعی تخصیص یابد؟

پروفیسور «پیگو» می‌گوید، با معیار ارزش نسبی می‌توان به این سؤال پاسخ مثبت داد. بنابراین در صورتی می‌توانیم ۱۰۰ میلیون بیشتر را برای هزینه دفاعی پردازیم که فکر کنیم نتایج با ارزش‌تری نسبت به پرداخت هزینه رفاهی دارد.

برای قضاوت در مورد تخصیص بهینه منابع، نتایج حاصل از هزینه کردن در این فعالیت باید ضروری‌تر از هر نوع فعالیت دیگر باشد. به عبارت دیگر بودجه درخواستی برای یک فعالیت نمی‌تواند تنها به دلیل مخارج بسیار بالای آن رد شود بلکه مخارج آن باید در ارتباط با منافع آن در نظر گرفته شده و منافع به دست آمده باید ارزش مخارج انجام شده را بر حسب

تصمیم‌گیری در تخصیص منابع مالی باید پاسخگوی این سؤال باشد که نتایج ناشی از هزینه انجام شده، حداقل باید برابر بهای تمام شده آنها باشد. به عبارت دیگر منافع به دست آمده باید ارزش مخارج انجام شده را داشته باشد.



نتایج فعالیت مورد نظر یا جایگزین آن داشته باشد.

تجزیه و تحلیل روند افزایش هزینه

راهنمای اساسی برای تجزیه و تحلیل بودجه این است که نتایج به دست آمده باید بر اساس هزینه‌هایشان مورد ارزیابی قرار گیرند. تجزیه و تحلیل بودجه یک مقایسه ارزش‌های نسبی را شامل می‌شود. چگونه می‌توان یک مقایسه ارزش‌های نسبی ایجاد کرد؟

مفهوم مطلوبیت نهایی، راهی برای پاسخگویی به این سؤال پیشنهاد می‌کند. روش این است که منابع موجود را صرف افزایش هزینه فعالیت‌های فعلی کنیم و باید توجه داشت که کدام یک از این افزایش‌ها منجر به منافع بیشتر می‌شود. در اینجا تجزیه و تحلیل روند افزایش هزینه‌ها به علت کاهش مطلوبیت، لازم است. این تقریباً بدین معنی است که اگر ما واحدهای بیشتر و بیشتری از یک کالا بطلبیم، واحدهای اضافی ارزش مصرف کمتر و کمتری

دارند. اگر واحدهای اضافی درخواست شده به مقدار کافی باشند، یک واحد اضافی ممکن است در کل هیچ ارزشی نداشته باشد و یاحتی ارزش آن منفی باشد. به عنوان مثال برای یک اتومبیل سواری، چهار لاستیک ضروری است اما لاستیک پنجم ضرورت کمتری دارد ولی سودمند است. لاستیک ششم ضرورت خیلی کمتری دارد ولی هزینه‌اش برابر با هر کدام از پنج لاستیک قبلی است. بنابراین باید برای آن ارزش مصرف کمتری در نظر داشته باشیم.

به علت مسأله کاهش مطلوبیت، تأکیدی بر تعیین مجموع یا متوسط منافع مکتسبه از مجموع هزینه‌ها برای کالا یا فعالیت خاص وجود ندارد بلکه باید منافع را همزمان با افزایش منابع مورد توجه قرار داد.

برای مثال اگر یک میلیون تفنگ ضد تانک، نقش با ارزشی در برنده شدن یک جنگ دارند، نباید تصور کرد که اگر دو میلیون از آنها را داشته باشیم این نقش دو برابر می‌شود. ممکن است سربازان کافی برای استفاده از این جنگ‌افزار نداشته باشیم. در اینجا مهم نیست که نقش تفنگ ضد تانک در برنده شدن جنگ چقدر است، مهم این است که هزینه‌ای اضافی برای تفنگ‌ها بر اساس مسأله کاهش مطلوبیت نهایی، متحمل می‌شویم. بنابراین تا وقتی که ما منابع کافی برای آنچه می‌خواهیم در اختیار نداریم، حتی نباید تصور کرد که اگر تولید تفنگ به اندازه‌ای باشد که بتوان از آنها استفاده کرد، مصرف بهینه منابع خواهیم داشت. چه بسا ممکن است مواد و نیروی انسانی مصرفی برای تولید ۱۰۰۰ تفنگ آخر ارزش بیشتری در مقایسه با مصرف همان مواد و نیروی انسانی جهت تولید نارنجک دستی داشته باشد. این نتایج ما را به ملاک اصلی تصمیم‌گیری در مورد چگونگی انجام هزینه در هر فعالیت می‌رساند. باید به اندازه‌ای پول برای

تجزیه و تحلیل بر حسب مقاصد مشترک، یک مبنای اصلی برای فعالیتهای مردم بر اساس پایان کار و یا مقاصد مقرر شده توسط مجلس به وجود می آورد. این به آن معناست که مسئولیت اصلی مجلس در قبال مردم، تصمیم گیری برای استفاده بهینه از منابع است.

ساخت تفنگ اختصاص دهیم که آخرین ریال صرف شده ارزشی برابر با آخرین ریال مصرف شده - برای نارنجک دستی یا هر منظور دیگر - نداشته باشد. اگر بیش از اندازه صرف تولید تفنگ کنیم، محل مصرف ارزشمندتری را از دست می دهیم. همان طوری که در تئوری مطلوبیت مورد نظر است، اگر هزینه ها بین مقاصد مختلف به گونه ای تخصیص داده شوند که آخرین ریال مصرفی در هر کدام، بازده واقعی داشته باشند، بیشترین منافع کسب می شود. هم چنین مفهوم مطلوبیت نهایی بیان می کند که مقایسه ارزش افزایش هزینه ها تنها در نقطه تفاوت و یا نزدیکی آن معنادار و لازم است.

یک سؤال اساسی در این روش این است که چطور ارزش کارکردهای غیرمشابه می توانند مقایسه شوند؟ چطور ارزش یک بمب اتم و یک تحقیق در مورد سرطان می تواند با هم مقایسه شود؟ یا این که ارزش جاده های عمومی با مدارس عمومی را چطور می توان مقایسه کرد؟ برای پاسخ به سؤالات بالا در تجزیه و تحلیل بودجه می توان از معیار «کارآیی نسبی» استفاده کرد.

کارآیی نسبی

ارزش نسبی دو چیز غیرمشابه نمی تواند مقایسه شود مگر این که آنها جنبه های مشترکی را داشته باشند. جنبه مشترک یک بمب اتم و یک تحقیق سرطان، جاده های عمومی و مدارس عمومی بستگی به اهداف و مقاصد وسیع دولت در ارائه خدمات عمومی دارد. ارزش این فعالیتها باید با توجه به کارآیی مربوط به آنها در رسیدن به اهداف مشترک سنجیده شود.

اگر به مثالی که در قسمت تجزیه و تحلیل روند افزایش هزینه گفته شد توجه داشته باشیم، تفنگ های ضدتانک به دلیل تفنگ بودنش ساخته نمی شود بلکه به دلیل این که به برنده شدن در جنگ کمک می کند تولید می شوند. گرچه تفنگ، نارنجک دستی و... چیزهای نامشابه هستند اما تمام آنها به دفاع ملی کمک می کنند. ارزش نسبی این اقلام می تواند بر حسب کارآیی مربوط به آنها در برنده شدن جنگ اندازه گیری شود. جنگ هم تنها به دلیل استفاده از این وسایل شروع نمی شود بلکه هدف از شروع جنگ رسیدن به مقاصد بزرگ، یعنی منافع ملی است. همچنین اهداف اقتصادی کشورهای خارجی نیز در همین راستاست.

بنابراین آنها در رسیدن به هدف مشترک با هم مشترک هستند. ارزش نسبی فعالیت های نظامی و اهداف اقتصادی نیز می توانند بر حسب کارآیی شان در رسیدن به این اهداف مقایسه شود.

برآورد بر حسب مقاصد مشترک راه دیگری برای بیان این نکته است که «موارد اصلی می توانند بر حسب پایان کار و میزان کمک آنها در دستیابی به مقاصد برآورد شوند». چگونه می توان چنین تصمیم مهمی را گرفت؟

در یک سیستم دموکراسی، ما چندان دخالتی در این که تصمیمها چگونه و توسط چه کسانی گرفته می شوند نداریم. ایده آل سیستم دموکراسی این است که خواسته های مردم، صرف نظر از این که چگونه به خواسته هایشان می رسند و این خواسته ها تا چه حد ممکن است غیرعقلانه باشد، عملکرد دولت را تنظیم می کند. نمایندگان مردم در مجلس،

محدودیت های عملی

اگر چه معیارهای پیشنهاد شده

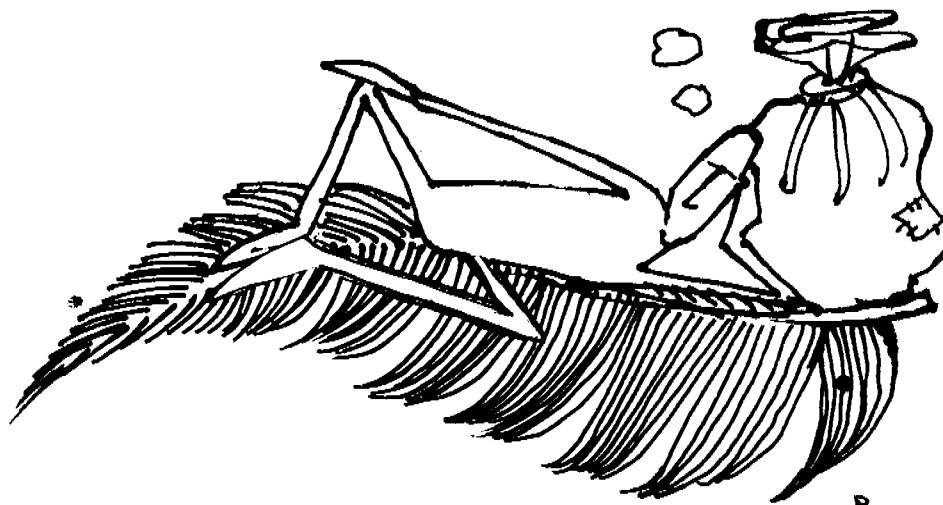
جهت نمونه کردن درست

بودجه، ارتباط ارزش بی، تجزیه و تحلیل روند افزایش هزینه و کارآیی نسبی را نشان می دهد، با این وجود همیشه ارتباط آنها به راحتی مقدور نیست. زیرا به طور معمول در نمونه، ارقام دقیق برای استفاده در دسترس نیست. گرچه این نمونه ها به منظورهای تئوریک کاربرد دارند ولی اگر کسی بخواهد ارقامی را در معادله قرار دهد، استفاده عملی از پاسخها بستگی به صحت و سقم ارقام دارد.

مواردی وجود دارد که پیش بینی

شرایط و نیازهای آتی مشکل است. ارزش، تابعی از نیاز است و نیاز در زمان های مختلف فرق می کند. به عنوان مثال، چگونه توازن بین هزینه های بهداشت عمومی و خدمات دفاعی در شرایط مختلف جنگی، جنگ سرد و غیر جنگی انجام می شود.

بنابراین تصمیم های بودجه نه تنها باید بر اساس نیازهای امروزی گرفته شود بلکه باید بر اساس پیش بینی نیازهای سال های آتی یاده آینده صورت بگیرد. تصمیمها نباید بر اساس توان کارخانه ها گرفته شود بلکه باید بر اساس پیش بینی نیازها به عنوان یک ملاک در ارتباط با هزینه هایی که جهت رفع نیازها مصرف می شوند، تصمیم گیری کرد. در بعضی از موارد نه تنها تصمیم های بودجه ای، بر اساس فرضیه های محض از نیازها و موفقیت های آتی است بلکه بیشتر فعالیت های دولتی به شکل طبیعی آن گونه هستند که موفقیت آنها نمی تواند حتی بعد از انجام آنها با دقت بر اساس مخارج شان اندازه گیری شود. به عنوان مثال یک شخص چگونه می تواند



فعالیت‌های دولتی می‌توان همانند کار فردی که از نانوائی نان می‌خرد بحث کرد. اعضای مجلس در واقع همچون نماینده خرید مردم کشور عمل می‌کنند. قیمت‌های بازار برای دولت همان اهمیت را دارند که در یک مؤسسه خصوصی دارا هستند. برای ایجاد یک جاده، یک ساختمان و یا یک سد (حتی اگر توسط یک اداره دولتی ایجاد شوند) دولت باید همانند یک مؤسسه خصوصی قیمت بازار مواد اولیه و نیروی انسانی به کار گرفته را بپردازد. اگر قیمت‌های بازار، راهنمای محاسبات اقتصادی باشند، یک مهندس دولتی همانند مهندس مشابه در بخش خصوصی، ارقامی برای قرار دادن در محاسبات در اختیار دارد و قیمت‌های بازار به موقع به او کمک می‌کنند تا کم هزینه‌ترین ترکیب مواد و نیروی انسانی و ماشین آلات مصرفی را به دست آورد.

پس از این که کلیه محدودیت‌ها از بین رفت و حداقل هزینه انجام یک کار به دست آمد، یک مسأله مدیریت به وجود می‌آید. آیا کار به شکل صحیح انجام گرفته است؟ بی شک پاسخ دکتر میسز این است که در مؤسسات خصوصی اگر سود کسب شود کار به درستی انجام شده است. برای محاسبه این که آیا فعالیت منجر به کسب سود می‌شود یا نه، بازرگانان نیز با مشکلاتی همانند دولتمردان روبرو هستند. آنان باید شرایط آتی بازار را پیش بینی کنند. برای مثال هنوز هیچ روشی برای اندازه‌گیری دقیق میزان سود یا زیان به دست آمده از فعالیت‌هایی مانند تبلیغات، تحقیقات و برنامه‌های رفاهی کارکنان، پیدا نشده است. علاوه بر این اگر یک بازرگان بخواهد به بیشترین حد سودآوری برسد، نمی‌تواند تعیین کند که فعالیتی که می‌خواهد انجام دهد برای او سودآور است بلکه باید اطمینان یابد که این فعالیت، سودآورترین فعالیت موجود برای اوست.

این مسأله به عقیده نویسنده آن گونه که هست ما را به نبود روش‌های مناسب بودجه و نه ارقام صحیح می‌رساند.

بحث اصلی دکتر «میسز» این است که بوروکراسی به معنی محاسبه فواید مربوط به فعالیت‌های دولتی نیست زیرا که این فعالیتها در بازار آزاد قیمتی ندارند و به این ترتیب بیان می‌کند که ادارات دولتی، معیاری برای ارزشیابی فعالیت‌های خود ندارند. به بیان دیگر او می‌گوید اگر یک مؤسسه عمومی بدون در نظر داشتن کسب سود اداره شود، رفتار عموم مردم در زمان‌های طولانی نشانگر منافع این فعالیت نخواهد بود و به این صورت نتیجه می‌گیرد که مسأله مدیران بوروکرات دقیقاً فقدان روش برای محاسبه است. اما ما نمی‌توانیم بپذیریم که ادارات دولتی به طور کامل فاقد چنین معیاری هستند. چنانکه اشاره شد، اعتبارات همانند قیمت‌های بازار، با ارقام مشخص می‌شوند و این ارقام نشان می‌دهد که نمایندگان مردم تا چه مبلغی برای کالاها و خدمات دولتی خواهند پرداخت. در تصویب اعتبار، اعضای مجلس بر این نقطه نظر تأکید دارند که در مورد منافع

بگوید که چه مقدار از خسارت‌های آتش‌سوزی به ازای هر ۱۰۰۰ ریال که در اداره آتش‌نشانی خرچ شده است جلوگیری شده است. بنابراین جمع‌آوری ارقام صحیح که پرفسور «کی» را به مسأله علمی تئوری مطلوبیت نهایی در بودجه عمومی راهنمایی کند، مشکل است. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که:

کاربرد اصل مطلوبیت نهایی که بیشتر در تجزیه و تحلیل بازار اقتصادی به خوبی کاربرد داشته و دارد برای بودجه عمومی مناسب نیست. مشکل اصلی دیگر در کاربرد اصل مطلوبیت نهایی، تخصیص منابع مالی دولتی با ارجحیت سیاسی آن می‌باشد.

نقطه نظری که این مقاله بر آن تأکید دارد، قابلیت عملی کردن روش‌هایی است که اقتصاددان‌ها برای تئوری بودجه پیشنهاد کرده‌اند. اجرا کردن عملی روش‌ها همراه با محدودیت است که به عنوان مثال آقای «لودوینگ ون میسز» در کتابش به نام «بوروکراسی» بیان می‌کند که هیچ روش محاسبه اقتصادی که بتواند از طرف دولتمردان به کار گرفته شود، وجود ندارد.

بنابراین او با مشکلاتی همانند آنچه ادارات دولتی در مورد ارزش نسبی داشتند، روبرو است.

روش محاسبات یک اداره دولتی در موردی مشابه باید دقیقاً همین گونه باشد. هرچند در بسیاری از موارد، طبق خدمات دولتی به گونه‌ای است که مجلس نمی‌تواند بر قیمت‌های آنها تأثیر گذارد. در روبرو شدن با چنین موردی، مؤسسه‌های خصوصی نیز باید همین محاسبات را انجام دهند.

وقتی در فعالیت‌های دولتی مانند آموزش، روابط خارجی و تفریحات عمومی با این مسأله روبرو می‌شویم، اهداف ناملموس‌تر می‌شوند و نتیجه قابلیت اندازه‌گیری کمتری دارد. میزان منافع به دست آمده از افزایش مخارج به سختی قابل تعیین است و ارقام مورد استفاده در معادلات، ثبات کمتری دارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اعتقاد دکتر «میسز» این است که تفاوت بین بازرگانان و دولت در محاسبات اقتصادی در روش‌های محاسبه نیست، همان طور که بر اساس ارقام مورد استفاده در محاسبات نیست.

ارائه و پیشنهاد یک چارچوب مناسب برای یک تئوری اقتصادی بودجه

در تحلیل معیارهای پیشنهاد شده در مورد تخصیص منابع مالی، بر اهمیت نگرش به بودجه‌بندی با معیار ارزش نسبی تأکید شد و قابلیت اجرای دو معیار تجزیه و تحلیل روند افزایش هزینه و کارایی نسبی در دستیابی به یک هدف مشترک مورد بررسی قرار گرفت. پرفسور «کی» در مورد پیشنهاد روش بودجه عمومی قابل اجرا (عملی) می‌گوید، «شاید نظریه در مورد تخصیص هزینه از طریق جایگزینی راه‌های مشابه و اجبار در به کار گرفتن معیار ارزش نسبی عملی شود». او همچنین می‌گوید، برآورد و تصویب بودجه تقریباً

کاربرد اصل مطلوبیت نهایی که بیشتر در تجزیه و تحلیل بازار اقتصادی به خوبی کاربرد داشته و دارد برای بودجه عمومی مناسب نیست. مشکل اصلی دیگر در کاربرد اصل مطلوبیت نهایی، تخصیص منابع مالی دولتی با ارجحیت سیاسی آن می‌باشد.

به یک شکل انجام می‌شوند. با وجود این آنچه آنها را برای مقایسه آسان می‌کند، مزیت‌های نسبی آنها است.

سیستمی که تعریف شد به نام «سیستم بودجه انتخابی» شناخته می‌شود. طی مراحل تعیین بودجه هر کارمندی که بودجه‌ای را برآورد می‌کند، برآوردش هم به عنوان مبنایی برای درخواست اعتبار و هم به عنوان مبنایی برای تخصیص آن پس از تصویب اعتبار، معرفی می‌شود. برای مثال، اگر مقدار برآورد اصلی ۱۰۰ باشد ممکن است اعداد بودجه انتخابی ۸۰، ۹۰، ۱۱۰ و یا ۱۲۰ درصد آن باشد. ارقام اختیاری ممکن است با شرایط تغییر کنند. به طور معمول سه رقم از این ارقام بودجه به عنوان دامنه تغییرات احتمالی بودجه انتخاب می‌شود. در برآورد بودجه ممکن است هر کارمند مجاز باشد یک یا چند بودجه انتخابی بیشتر و از مجموعی بیش از حداکثر رقم پیشنهاد مسئول اداره‌اش ارائه کند.

برای برآورد بودجه در نزدیکی نقطه تفاوت، مقدار بودجه‌های انتخابی باید در دامنه، مقداری کمتر از حداقل میزان تعیین شده و تا حدی بیش از مقدار پیشنهادی باشد. در بعضی از موارد افزایش تا ۱۰٪ به تصویب می‌رسد و گاه افزایش مقداری بیشتر یا کمتر از این لازم است.

مقادیر بودجه اختیاری باید از طریق سازمان برنامه و بودجه تعیین شود. سازمان برنامه و بودجه سطح بودجه‌های

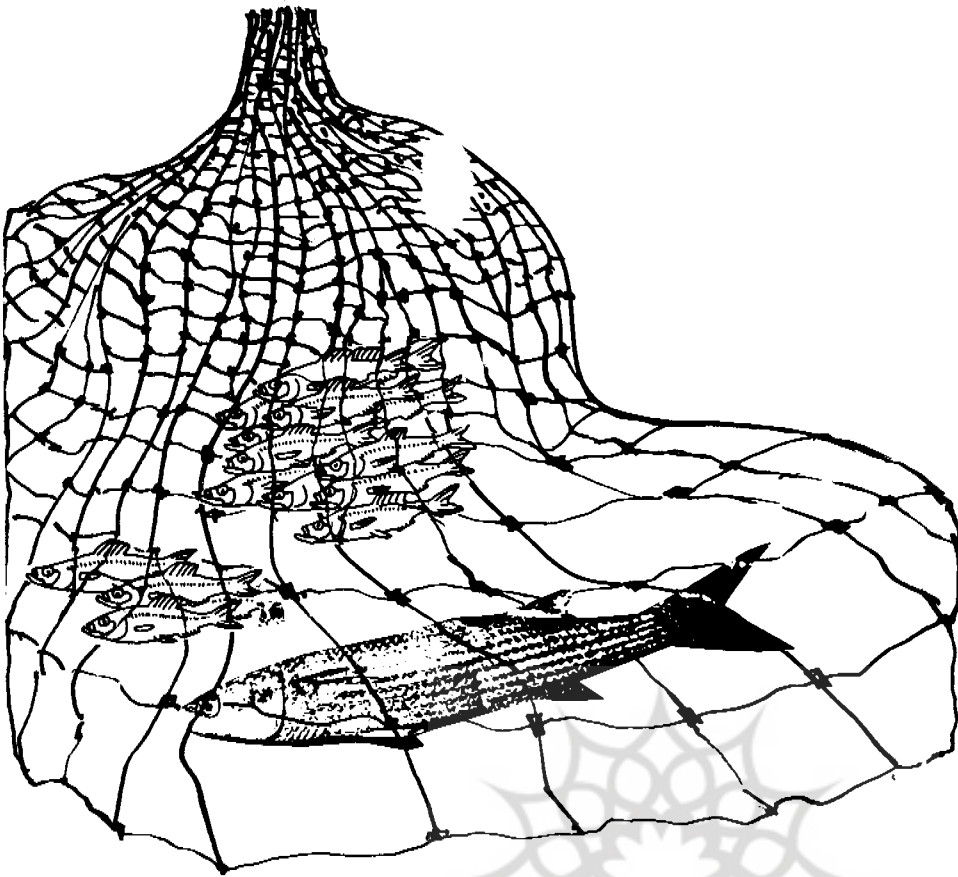
انتخابی کل مخارج دولت رامشخص کرده و مقدار مربوط به هر اداره یا بخش را تعیین می‌کند. سپس رییس هر اداره یا بخش باید سطح بودجه انتخابی هر یک از قسمت‌ها رامشخص کند. ادارات نیز در تهیه بودجه انتخابی باید ابتدا مشخصات، مقادیر و کیفیت خدمات ارائه شده توسط خود را تعیین کنند. علاوه بر این، آنها باید اهداف خدمات ارائه شده توسط هر کدام از مقادیر انتخابی و منافع و یا اتلاف اعتبار ناشی از هر کدام آنها را بازنگری کنند. در سطوح بالاتر کارمندان مسؤول باید مروری بر پیشنهادهای ارائه شده توسط رده‌های پایین‌تر داشته باشند و از بین آنها ترکیب مناسب‌تری را برای مقام بالاتر از خود انتخاب کنند. در پایان، سازمان برنامه و بودجه از طریق ریاست جمهوری می‌تواند بودجه‌های انتخابی را به مجلس ارائه دهد. در این سطح بودجه باید بازتاب مسایل اصلی برنامه کار دولت باشد.

مراحل بودجه انتخابی بالا را می‌توان با دیگر روش‌ها و تکنیک‌های زیر که امروز در بودجه‌نویسی (بودجه انتخابی) نسبت به دیگر روش‌های بالا روشن شود.

- ۱- بودجه نامحدود.
- ۲- بودجه محدود.
- ۳- بودجه بر اساس اندازه‌گیری کار هزینه واحد.
- ۴- بودجه بر اساس تجزیه و تحلیل روندافزایش هزینه.
- ۵- بودجه بر اساس فهرست بندی اولویت‌ها.
- ۶- بودجه بر اساس کنترل مورد به مورد.

بودجه نامحدود

در این روش به سازمان و ادارات تابعه اعلام می‌شود که بودجه خودشان را بر مبنای مقداری که کارکنان زیرمجموعه خود پیشنهاد می‌کنند، بر آورد نمایند. این برآورد ساده نشان دهنده این است که قضاوت کارکنان، مناسب‌ترین وسیله برای



وظایف در سازمان تعاونی شما اتخاذ تصمیم شود.

دوم - شما باید به اهمیت برنامه ریزی واقف باشید، برنامه ریزی در یک تعاونی درست مانند فرمان یک اتومبیل است که اگر اتومبیل شما فرمان نداشته باشد شما را بداخل جوی کنار خیابان هدایت خواهد کرد.

البته پی بردن به اهمیت برنامه ریزی به تنهایی کافی نیست باید بتوانی و بدانی که سوالات صحیح بپرسی. ما یک طرح سی سوالی برای شما در این کتابچه مطرح کرده ایم شما می توانید آنها را مطالعه و سوالات دیگری نیز از خودتان به آن بیفزائید.

سوم - در تحلیل پایانی بعنوان یک شخصیت همه چیز بستگی به خودت دارد که چه کسی هستی؟

اگر علاقمند و واجد شرایط هستی ما بتو بگوئیم که خودت را از طریق سوگند متعهد و پای بند کن.

بقیه از صفحه ۱۳

دست اجرا تشکیل گردیده که در امر صیادی فعالیت دارند. مجموع تعداد اعضاء این تعاونیها ۳۰۷ نفر می باشد که با حجم سرمایه گذاری حدود ۳۹۰ میلیون ریال نسبت به خرید شناور و سایر ابزار صید اقدام نموده اند.

۳- استان خوزستان:

در استان خوزستان ۳ شرکت تعاونی فعال و در دست اجرا تشکیل گردیده که با تعداد ۲۹ نفر عضو و ۱۳۲۷ میلیون ریال سرمایه گذاری دارای ۲ کشتی و یک لنج می باشند که ظرفیت صید آنها ۲۸۰ تن ماهی و میگو در سال است.

۴- استان سیستان و بلوچستان:

در این استان ۲ شرکت تعاونی صیادی با ۱۴ نفر عضو و سرمایه گذاری ۴۲۱ میلیون ریال تشکیل شده است. این دو تعاونی دارای یک فروند لنج با ظرفیت ۷۵ تن صید در سال می باشند.

۵- استان مازندران:

عمده فعالیت تعاونیهای تولیدی در زمینه صید و صیادی مربوط به شرکتهای تعاونی صید کیلکا می باشد. که مجموعاً ۱۹ شرکت تعاونی کیلکاگیر با ۲۱۷ نفر عضو در این استان در حال فعالیت و یا در دست اجرا بوده و میزان سرمایه گذاری کلی این طرحها حدود ۶۶۵۶ میلیون ریال می باشد و تا کنون تعاونیهای فعال موفق به خرید ۱۱ فروند لنج صیادی با ظرفیت تولید ۱۰۸۰۰ تن گردیده اند.

۶- استان گیلان:

در این استان تا کنون ۶۲ شرکت تعاونی فعال و ۲۷ شرکت در دست اجرا در زمینه صید ماهی کیلکا متشکل گردیده اند که تعداد اعضاء این شرکتها ۱۰۶۸ نفر با ۱۳۳۵ نفر شاغل می باشد. میزان سرمایه گذاری کل طرحها ۱۰۴۲۳ میلیون ریال است در این تعاونیها ۴۸ فروند لنج و ۴۱ عدد قایق موجود است که، ظرفیت تولید این شناورها ۳۲۴۰۰ تن ماهی کیلکا در سال می باشد.

با توجه به جمع بندی بعمل آمده از فعالیتهای شرکتهای تعاونی صیادی میزان ماهی و میگوی استحصالی توسط این شرکتها بالغ بر ۲۲۰ هزار تن می گردد که در حقیقت ۵۰٪ ماهی و میگو استحصالی از آبهای شمالی و جنوبی کشور را در بر می گیرد.

آسیای شرقی در ۲۵ سال آینده

تلخیص و ترجمه: محمدرضا متوسلی

نبات و نظم نباید مانع خلاقیت گردد و خلاقیت بدون نظم احتمالاً نتیجه‌ای جز بدبختی ندارد. جالبترین و موفق‌ترین اجتماعات سعی می‌کنند نبات و نظم را همراه با خلاقیت داشته باشند بنابراین، اجتماعات کارآ و انسانی بین نظم و فردگرایی تعادل ایجاد می‌نمایند.

قرن نوزدهم قرن اروپا بود، قرن بیستم قرن آمریکا و قرن ۲۱ قرن آسیا است.

ژاپن تکنولوژی دارد، چین منابع دارد و هر دو نسبت به هم منافع متقابل دارند. آسیای شرقی مسیر پرممانعی دارد، در ۲۵ سال آینده این منطقه در جهان سریعترین رشد را خواهد داشت و موتورهای آن رشد صنایع سبک می‌باشند که به اروپا و آمریکای شمالی صادر خواهند شد. سیاست بکارگیری اینگونه صادرات به عنوان موتور رشد برای کشورهایی از قبیل سنگاپور، هنگ‌کنگ و متحدین اروپا مثل ژاپن و کره مؤثر واقع شده ولی برای غولی مانند چین کارگر نخواهد افتاد.

پس از جنگ «دوم جهانی»، کشورهای آسیای شرقی از طریق کپی کردن محصولات آمریکای شمالی و اروپا فن‌آوری را کسب می‌نمودند اما اکنون ژاپن کشوری است که خود رهبر دنیا در ارائه فن‌آوری است. آمریکا و انگلیس از فن‌آوری ژاپن چیزها یاد گرفته‌اند. ژاپن مثل هر ملت دیگری با این مشکل مواجه است که «هرچه صنعت تولیدی بهره‌ورتر شود نسبت اشتغال نیروی کار کمتر می‌گردد.»

ژاپن بزرگترین امپراطوری تجاری جهان است. مردم ژاپن با سه چالش باید روبرو شوند:

دو نسل پیش، ژاپن جوانترین کشور جهان بود و اکنون پیرترین کشورهاست.

با جمعیت پیر، زیرا جمعیت پیر موجب کاهش رشد اقتصادی و سطح زندگی کارگرانش می‌گردد.

رهبر منطقه‌ای جهان شدن، مسئول امنیت خود بودن و راهنمای بالغ و عاقل برای سایر کشورهای در حال پیشرفت از نظر فن‌آوری بودن.

ژاپن - بزرگترین امپراطوری تجاری روی زمین

ژاپن می‌تواند ثابت کند که ژاپنی‌های پیر سالم و دانشمند مانند پیران سایر کشورها نیستند بلکه می‌توانند بهره‌وری بیشتر و انعطاف‌پذیری بالاتری داشته باشند. ژاپن از منافع صادرات غیرملموس خود مانند سود سهام و سرمایه‌گذاری‌هایش در خارج نیز بهره‌مند خواهد گردید.

ژاپن بیشتر شبیه بریتانیای اواخر قرن نوزدهم خواهد شد تا ژاپن پس از جنگ، بنابراین سیاست خارجی متوجه حفظ آن سرمایه‌گذاری‌ها و جریان درآمد ناشی از آنها خواهد شد و بدنبال موقعیتهای سرمایه‌گذاری جدید خواهد رفت تا صادرات فیزیکی.

تا سال ۲۰۱۰ ژاپن ۳ صنعت موتورسازی بریتانیا را به عنوان مثال کنترل خواهد کرد و اکثر مکانهای اداری مهم مراکز شهری آمریکا را مالک خواهد شد و هتل‌های زنجیره‌ای خود را در اطراف دنیا گسترش خواهد داد. در آینده به تدریج سرمایه‌گذاری ژاپن از آمریکای شمالی و اروپا به آسیا منتقل خواهد شد.

با وجود این ژاپن باید در تخلیه ثروت خود بصورت سرمایه‌گذاری در کشورهای آمریکایی و اروپایی دقت نماید. لاقط در اوایلین سالهای قرن دیگر آسیا از موقعیتهای سرمایه‌گذاری بهتر برخوردار خواهد بود زیرا رشد سریعتری خواهد داشت.

ممکن است ژاپن به دو مسیر کشیده شود: یکی اینکه شغل‌های کم‌جاذبه را به تدریج به خارج صادر کند و به درآمد سرمایه‌گذاری در حال افزایش خود اتکا نماید و دیگر اینکه کار انتقال تکنولوژی و آموزش به دنیا را شروع نماید و از نقش رهبری لذت ببرد. زیرا هرچه بیشتر آموزش دهد، خود بیشتر راجع به سایر جوامع می‌آموزد و برای حفاظت خود از رشک و حسد دیگران ناچار است بیاموزد. با احتمال زیاد همزمان در هر دو جهت حرکت خواهد کرد.

تایوان در آینده به منطقه اقتصادی چین ملحق خواهد شد. مرحله بعدی توسعه اقتصادی در تایوان نه تنها به سرمایه گذاری با مقیاس بزرگ بلکه نیاز به انتقال به محصولات با ارزش افزوده بالاتر دارد، و این کار ساده‌ای نخواهد بود.

سنگاپور

سنگاپور جذاب است، زیرا کاملترین نمونه یک کشور منظم و با دانش دنیاست. در نسل آینده اگر کشوری بتواند با ژاپن رقابت کند و از اروپا و آمریکای شمالی سبقت بگیرد همین سنگاپور است! گر چه فی‌نفسه به لحاظ کوچک بودن سهم آن در اقتصاد جهانی زیاد نیست.

اندونزی، مالزی، کامبوج، لائوس و تایلند

اندونزی پس از چین و ژاپن به لحاظ بزرگی و منابع طبیعی اقتصاد در منطقه خواهد شد. مالزی به لحاظ نزدیک بودن به سنگاپور بزرگترین خواهد بود. اما مهمترین نقطه تمرکز رشد را مجموعه کشورهای ویتنام، کامبوج، لائوس، تایلند و برمه تشکیل خواهند داد. در صورت داشتن دولت شایسته و درست و متعهد به سیستم بازار، کل این منطقه به جهش اقتصادی نائل خواهد شد و تا سال ۲۰۲۰ درآمدی شبیه سطح درآمد تایوان کنونی خواهند داشت.

در هر صورت منطقه به سرنوشت خود خواهد رسید و این در حالی است که هیچ کشوری در غرب انگیزه کمک به آنان را ندارد و منطقه باید روی پای خود بایستد.

استرالیا و نیوزیلند

همزمان با فاصله آسیا از آمریکای شمالی و اروپا، کشورهای استرالیا و نیوزیلند به تدریج از جنوب بطرف شمال متمایل می‌شوند. تا سال ۲۰۲۰ کشور استرالیا به تدریج جزء آسیا خواهد شد و به بزرگترین منطقه اقتصادی جهان یعنی آسیا خواهد پیوست. بیشترین مهاجرین استرالیا و نیوزیلند آسیایی هستند. این دو



است تجزیه شود!! در هر صورت بقیه دنیا در قرن آینده از چین می‌ترسند.
ببرهای قدیم و جدید

۴ کشور صنعتی جدید آسیای شرقی: کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور، دارای تجربه رشد اقتصادی سریع هستند و به یکدیگر بصورت یک مجموعه کمک می‌کنند. پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ دو کره بهم ملحق و یک کشور واحد بشوند و برای اینکار یک همکاری دو جانبه لازم است نه تسخیر یکی بوسیله دیگری. کشور کره جنوبی به لحاظ موفقیت اقتصادی و جمعیت بیشترش شریک برتر خواهد بود و یک برهه از زمان برای اتحاد عملی طول خواهد کشید تا به عنوان یک مقوله اقتصادی واحد تلقی شوند.

چین - غولی که بیدار می‌شود

نیروی کار ارزان چین در کاهش قیمت کالا مؤثر است. توسعه صادرات با ارزش افزوده بالا راهی طولانی و مشکل است، و آمریکای شمالی، اروپا و ژاپن هم بیکار نمی‌نشینند. چین باید بیشتر به رشد داخلی خود تکیه کند تا به رشد ناشی از صادرات. تنها چیزی که می‌تواند چین را متوقف کند تجزیه چین بصورت نامطبوع و خطرناک است و خطرناکترین دوره برای چین حدود ۱۵ سال دیگر است زیرا موفقیت‌های مناطق صنعتی جدیدش تضمین می‌گردد و شهرنشینان آن مناطق شروع به تقاضای آزادیهای موجود در خارج را می‌نمایند چین در صورتی که خوب اداره نشود دچار سردرگمی، قحطی و جنگ می‌شود و ممکن

سرانجام، دنیا سالمتر خواهد شد. اکثر مردم طولانی‌تر زندگی می‌کنند، بهتر تغذیه می‌شوند و بطور کلی از هر مرحله تاریخ انسانی قبلی بهترند. ملل آگاه جهان می‌دانند که با معاضدت و تعاون می‌توانند موقعیتهای خوب را برای همه بهبود بخشند.

خطرات آینده ظرف ۲۵ سال

یک خطر بارز، فاجعه بزرگ زیست محیطی و منابع طبیعی است. به عنوان مثال، به منظور درک احتمال یک انفجار مخرب آتش فشانیه یا یک زلزله بزرگ، کافیهست که فقط نظری به صد سال گذشته بنمائیم. محل اتفاق مهمتر از ماهیت اتفاق است! دو مکان خاص آسیب پذیرند: توکیو و لوس آنجلس. از نظر منطق، ساختن بزرگترین شهر متراکم و دومین مرکز بزرگ آمریکا بر روی خطوط زلزله بی معنی بود. این خطوط زلزله در مکانهایی قرار گرفته‌اند که به لحاظ جابجایی قشر زمین پیوستگی صخره‌ها در آنجا از بین رفته است.

به چهار دلیل آثار یک زلزله در هر یک از این دو شهر تنها دارای عواقب محلی نیست بلکه بیشتر جنبه فرامحلی دارد:

- ۱- وابستگی مالی کشورها.
- ۲- اثر وقفه ناگهانی تکنولوژی پیچیده بر محیط زیست.
- ۳- فشار زاینده زیست محیطی بر جهان.
- ۴- ایجاد شکافهای عمیق درون اجتماعات.

در حالیکه درباره بلاهای طبیعی تجربه زیادی کسب کرده‌ایم، نمی‌دانیم که آیا اینهمه آسمان خراشهایی که ظرف ۲۰ سال گذشته ساخته شده‌اند تاب تحمل ضربه یک زلزله را دارند یا نه؟ و یا نمی‌دانیم که آیا سیستمهای ارتباطی و کامپیوتری آنها به اندازه کافی قوی هستند که سوابق و اطلاعات رامتلاشی نساوند؟ آیا اثری از سوابقی که بازسازی آنها خیلی مشکل خواهند بود بر جای می‌ماند؟ یک زلزله شدید در توکیو یا لوس آنجلس می‌تواند بر صنعت بیمه جهان فشار زیادی را اعمال

فردگرایی تعادل ایجاد می‌نمایند. به عنوان مثال اگر از همشهریان خواسته شود تا کارت شناسایی قابل کنترل بطور الکترونیکی با خود همراه داشته باشند تا جنایت کاهش یابد، آزادی بعضی افراد محدود شده است، اما چون افراد بیشتری می‌توانند آزادانه در شب در خیابانها قدم بزنند، آزادی دیگران افزایش یافته است.

تشویق همشهریان به رفتار منظم، تلف نکردن وقت دادگاهها به شکایتهای بیخودی، عدم رانندگی خطرناک، مصرف نکردن مواد افیونی و سیگار، در نرفتن از بار مالیات، استفاده نکردن از بیمه‌های اجتماعی که حق آنها نیست و... نه تنها جنبه انسانی و اجتماعی دارد بلکه دارای جنبه‌های قوی اقتصادی است. سطح زندگی نسل آینده در دنیای توسعه یافته بستگی زیادی به رفتار نسل حاضر همراه با مسئولیت اخلاقی و مدنی دارد. اگر کشورها آرزوی غنی‌تر شدن دارند، مردم آنها مجبورند یاد بگیرند تا بهتر رفتار کنند. در دنیای صنعتی پیشرفته، بهره‌وری ادامه خواهد یافت اما این افزایش بهره‌وری کند خواهد بود و منافع آن بطور نامساوی توزیع می‌شود! اکثر منافع بهره‌وری در آن قسم از اقتصاد جذب می‌شود که نفع آن به تمامی مردم نمی‌رسد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که سطح زندگی مردم اروپای غربی، آمریکای شمالی و ژاپن در سال ۲۰۲۰ فقط کمی بیشتر از سال ۱۹۹۰ باشد. اگر نتوانیم پا به پای بهره‌وری تولید، بهره‌وری خدمات و صنعت را بالا ببریم، رونق سطوح زندگی واقعاً مشکل خواهد بود. در این رابطه: بهترین راهنما برای مقابله با فشارهای اجتماعی مراجعه به تاریخ است.

کشور از رونق آسیای شرقی سود می‌برند و آینده خوبی نیز دارند.

رابطه با غرب

چین و ژاپن تا سال ۲۰۲۰ نقش قابل احترامی خواهند داشت و نظم جهانی را شکل خواهند داد. رهبران آسیا در نشریات جهانی راجع به حقوق بشر و محیط زیست اظهار نظر خواهند کرد. ایده‌های آسیایی که فعلاً جلوه‌ای ندارد در آن موقع ممکن است بر غرب اثر گذارد. مسلماً پول آسیایی نیز در آینده بر غرب اثر می‌گذارد.

کارآئی در انواع فعالیت‌های اقتصادی شرط لازم است تا کشوری بتواند موفق باشد و اعمال نفوذ نماید اما کافی نیست. موفقیت پایدار نیاز به نظم، درستی و ثبات اجتماعی دارد، همانطوریکه تجربه آرژانتین نشان می‌دهد حفظ موفقیت با بی نظمی مشکل است. با وجود این، ارزشهای ثبات، نظم و درستی مطلق نیستند. حتی با ثبات‌ترین کشورها گهگاه دچار زلزله سیاسی خواهند شد. به عنوان مثال، شاید کانادا به دو قسمت تقسیم شود. حتی منظم‌ترین کشورها ممکن است بیشترین تصادفات جانی ترافیکی را داشته باشند. آلمان دو برابر بریتانیا تصادف منجر به مرگ در جاده‌هایش دارد. حتی درست‌ترین و نجیب‌ترین کشورها از دزدی و فساد رنج می‌برند. ژاپن بنوبه خود مسائل گانگستری و شیادان سیاسی دارد. ثبات و نظم نباید مانع خلاقیت گردد و خلاقیت بدون نظم احتمالاً نتیجه‌ای جز بدبختی ندارد. جالبترین و موفق‌ترین اجتماعات سعی می‌کنند ثبات و نظم را همراه با خلاقیت داشته باشند بنابراین، اجتماعات کارآ و انسانی بین نظم و

نماید. جدا از ملاحظات مالی، تکنولوژیهای جدید ممکن است بطور غیر منتظره‌ای آسیب‌پذیر باشند: راجع به اثر یک زلزله بزرگ بر ایستگاههای نیروی اتمی هیچ تجربه‌ای نداریم: آنچه مطمئناً می‌توان گفت که زلزله بزرگ بعدی در ژاپن یا کالیفرنیا، اثر اقتصادی بزرگتری نسبت به شوکهای گذشته در جهان خواهد داشت!؟

ارزیابی اثرات دو یا سه مورد که همزمان مشکل آفرینند راحت نیست زیرا مجموعه آنها بیشتر است از جمع تک تک آنها. به عنوان مثال، انفجار آتش فشانی که موجب کاهش مقدار نور در دو فصل تولیدی گردیده، همراه با خرابی محصول کامل دیگر، به اضافه رشد مداوم سریع جمعیت، می‌تواند یک فاجعه باشد.

احتمال بیشتر ترکیب خطرات چهارم و پنجم می‌باشد: در حالیکه یک اجتماع هماهنگ ممکن است از طریق یک فاجعه باهم متحد و منسجم شوند، یک جامعه غیرمنسجم ممکن است با یک فاجعه از هم بپاشد. شورشهای لوس آنجلس در ۱۹۹۲

به آمریکا این هشدار را داد که بین هرج و مرج و نظم مدنی فقط یک خط نازکی وجود دارد. اگر ضربه یک فاجعه طبیعی بر این شهر آشوب زده آمریکا فرود می‌آید و مقامات بطور جدی کار را بدتر می‌کردند آنوقت انفجار اجتماعی رخ می‌داد و چهره شهر لوس آنجلس برای همیشه عوض می‌شد.

واقعیت تولید انبوه نیروی هسته‌ای، دنیا را از حیث ایمنی از حوادث و امکان عملیات جنگ هسته‌ای مکان خطرناکی ساخته است.

تاکنون خطرناکترین واقعه، حادثه چرنوبیل (Chernobyl) بوده است. حادثه‌ای که علاوه بر اثر آن بر سلامتی حدود ده میلیون نفر، به روابط سیاسی بین روسیه و اوکراین، با نتایجی که هنوز مشهود نیست، لطمه زده است. با وجود بیش از چهارصد نیروگاه هسته‌ای و تأسیسات زیاد هسته‌ای دیگر در سراسر جهان، پیش بینی می‌شود که طی نسل آینده باید منتظر حوادث بیشتری باشیم، که بعضی از آنها ممکن

است از حادثه چرنوبیل جدی‌تر باشند. زمینه بارز نگرانی ایمنی وجود سایر راکتورها در شوروی سابق است که با طراحی مشابه ساخته شده‌اند و تعدادی از همین کارخانه‌های هسته‌ای شوروی نیز روی خطوط زلزله ساخته شده‌اند. نگرانیهای شدیدتر، امکان ترکیب یک حادثه هسته‌ای با چند چیز دیگر است: مثلاً فاجعه طبیعی، یا یک حمله تروریستی. آنچه که هر کسی باید درک کند اینست که فاجعه‌های هسته‌ای دیگری اتفاق خواهند افتاد اما با چه شدت و کی؟

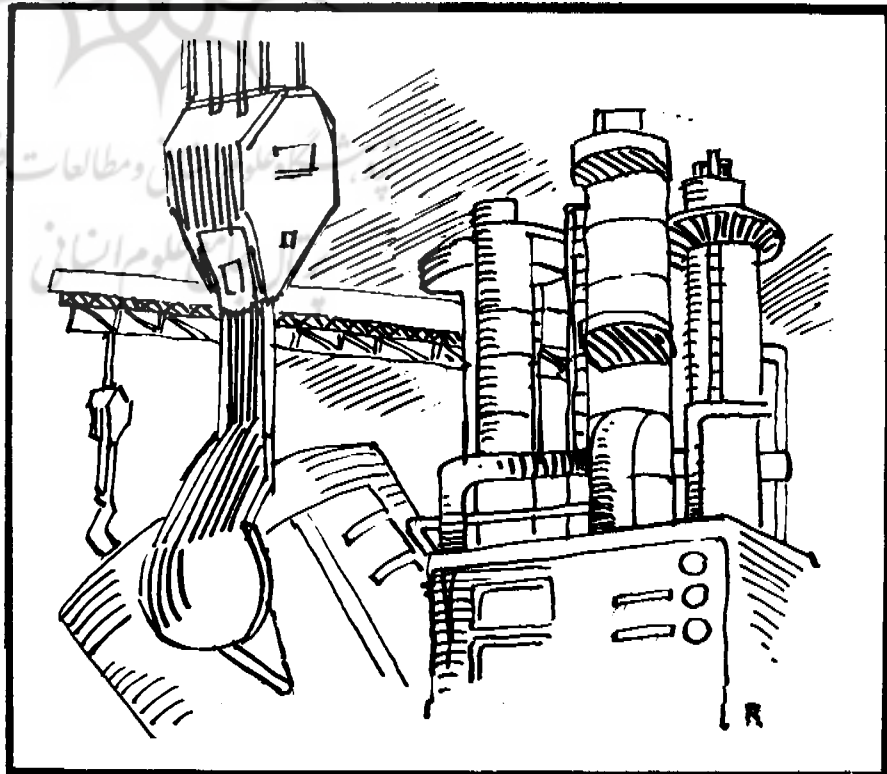
نوع کاملاً مختلف تهدید دیگر، ناشی از عدم هماهنگی نژادی و قبیله‌ای و اقلیتهای مذهبی است.

تنش در اروپای غربی و شرقی منجر به مهاجرت‌های مرزی خواهد شد. فشار برای مهاجرت بیشتر به ویژه از آفریقای شمالی افزایش خواهد یافت. اروپا مسن‌ترین و تقریباً ثروتمندترین جمعیت جهان را دارد. آفریقا جوانترین و فقیرترین جمعیت دنیا را دارد. به ناچار تمام اروپا کنترل‌های مهاجرتی را تشدید خواهد کرد.

لین احتمال وجود دارد که تمام مردمی که در اروپا زندگی می‌کنند در صورتیکه سفیدپوست نباشند از اروپا اخراج شوند. کار عمیقاً زشتی است اما غیرممکن نیست. شاید اصلاح‌نژاد یوگسلاوی قبلی به سایر نقاط اروپا سرایت کند.

در آمریکا، تنش‌های بین سیاه و سفید همراه با تنشهای بین مهاجرین و اقلیتهاتشدید خواهد شد. انتقال صلح‌آمیز از یک کشور آمریکائی که حاکمان آن اروپائیان سفیدپوست می‌باشند و با فرهنگ خود آنها اداره می‌نمایند به یک کشور آمریکائی که واقعاً چندنژادی است، و کاملاً از اروپا متفاوت است، بزرگترین چالش آمریکا است که باید در نسل آینده با آن مواجه شود.

تهدید دیگر ناشی از ویروس کشنده



«ایدز» است. اکنون منطقی است فرض کنیم که پیشرفت قابل ملاحظه‌ای علیه ایدز در شکل فعلی خواهد شد، اما هیچ تضمینی وجود ندارد که شکل خود را بکرات عوض نکند و به گونه ویران کننده‌تری باز نگردد. ظهور مجدد سل و بیماریهای مشابه آن در غرب باعث می‌شود که بیشتر مواظب باشیم.

در انتظار دنیای بهتر

انتظار می‌رود که اکثر کشورها از دوره‌های گوناگون تاریخی گذشته خود خیلی بهتر اداره شوند. پیشرفتهای واقعی در روسیه، چین، آمریکای لاتین و قسمتهایی از آسیا بوجود خواهد آمد. اما در کیفیت حکومت اکثر کشورهای غربی، تغییر قابل ملاحظه‌ای رخ نخواهد داد. دولت‌های مهم جهان طی ۲۵ سال آینده مرتکب اشتباه‌های بزرگ کمتری نسبت به ۲۵ سال گذشته خواهند شد. اکثر کشورها نه تنها بهتر اداره می‌شوند بلکه دارای دانش بیشتری خواهند بود.

دنیای تکنولوژی و ارتباطات بهتری از قبل خواهد داشت. ظرف چند لحظه اخبار مربوط به یک داروی جدید، سیاست‌های دولتی جدید، و اخبار هر موفقیتی در سراسر دنیا پخش می‌شود. تکنولوژی در حال پیشرفت است: هر سال، حتی هر ساعت، این پیشرفتهای در یک گوشه دنیا صورت می‌گیرد که در نهایت زندگی مردم را از نظر مادی بهتر می‌کند. کاربرد تکنولوژی ممکن است برای این نباشد که مردم جهان توسعه یافته در اتومبیل‌های بزرگتر رانندگی کنند، بلکه ممکن است برای تشویق آنها در استفاده از اتومبیل‌های کوچکتر باشد، و یا به جای رانندگی از مخابرات استفاده کنند، و سفر نکنند. این کار موجب خواهد شد محیط زیست بهتری داشته باشیم. با ارتباطات پیشرفته، اطلاعات و ایده‌ها سریعتر از قبل وارد

صحنه بازار می‌شوند. ارتباطات نه تنها انتقال دانش را درباره اکتشافات جدید یا محصولات جدید ممکن می‌سازد، بلکه دانش مربوط به رفتار انسانی را نیز منتقل می‌تواند. این امر در مورد دولتها به عنوان یک قانون انضباطی مهمی می‌تواند تلقی گردد. اگر دولتها آگاه باشند که نمی‌توانند اعمال خود را از دید مجتمع جهانی پنهان کنند، این را باید بدانند که برای هر نقض حقوق باید بهائی بپردازند.

سرانجام، دنیا سالمتر خواهد شد. اکثر مردم طولانی‌تر زندگی می‌کنند، بهتر تغذیه می‌شوند و بطور کلی از هر مرحله تاریخ انسانی قبلی بهترند. ملل آگاه جهان می‌دانند که بامعاضدت و تعاون می‌توانند



بقیه از صفحه ۴۳

تعاونی‌های کار می‌باشند. این تعاونی‌ها نمونه‌هایی از خوداشتغالی مردم بصورت مولد می‌باشند.

این مثال‌ها فقط انواع و رده‌هایی از تعاونی‌های کار را نشان می‌دهد. منافع تعاونی‌های کار که سریعاً رو به رشد است

موقعیتهای خوب را برای همه بهبود بخشند.

هنوز مسائلی حل نشده از قبیل جنایت، مواد مخدر، از هم پاشیدگی خانوادگی، فقر، و در بعضی نقاط دنیا، گرسنگی، خطر و ناامیدی وجود دارد که موجب سرافکندگی است. اگر توجهی به دفع یا کاهش این مسائل بشود، دلیلی وجود ندارد که دنیا در ۲۰۲۰ مکان بهتری نشود.

HAMISH MCRAE.

THE WORLD IN 2020

POWER, Culture and

Prosperity - Harvard

Business School Press,

Boston, Massachusetts.

هم روی نیاز مشاغل بطور عمده اثر داشته و هم در منافع فزاینده تحصیلات بهتر و هم روی مردم هوشمند سیاسی برای آنکه روی مشاغل خود کنترل بیشتری داشته باشند.

برای کسب اطلاعات بیشتر به جداول، نمودارها و ضمائم پیوست نگاه کنید.

۱- این عنوان ترجمه عبارت "PRODUCER CO OPERATIVES" می‌باشد. در فارسی استعمال عبارت "تعاونی‌های تولیدکنندگان" معنی دارتر است. مترجم.

۲- MAPLE PRODUCTS

۳- براساس تقسیمات کشوری کانادا، این کشور از ده ایالت و دو قلمرو تشکیل گردیده و بصورت غیرمتمرکز (فدرال) اداره می‌شود. مترجم

۷- ۱۵۰ نفر کارمند و کارگر صحیح بنظر نمی‌رسد. مترجم

۸- این عبارت ترجمه "WORKERS' CO OPERATIVES" می‌باشد. اینگونه تعاونی‌ها که در قانون

شرکت‌های تعاونی مصوب سال ۱۳۵۰ بعنوان تعاونی‌های کار ذکر شده‌است، به منظور تولید کالا یا انجام خدمات با عضویت افرادی که نیروی کار خود را در اختیار شرکت می‌گذارند تشکیل می‌شود. عنوان مناسب دیگر برای این نوع تعاونی عبارت "تعاونی‌های خود اشتغالی" می‌باشد. مترجم

۴- این مجموعه شامل ۱۵ جدول، ۶ نمودار و ۹ ضمیمه است. در این ترجمه فقط جداول، ضمیمه‌ها که مربوط به متن است تحت عنوان پیوست آورده شده است.

۵- در قانون شرکتهای تعاونی مصوب ۱۳۵۰ بجای این عبارت "تعاونی‌های مصرف‌کنندگان" به کار رفته است.

6. Direct Charge

در مهر ماه گذشته همزمان با روز صادرات (۲۹ مهرماه) همایشی تحت عنوان «سینار توسعه صادرات استان کرمان» برگزار شد که با استقبال قابل ملاحظه دست‌اندرکاران بخش تعاونی در استان مذکور مواجه شد. در این سینار آقای مهندس سبزواری مدیر عامل شرکت تعاونی بستکاب به نمایندگی از شرکتهای تعاونی مقالهای را اقرائت کردند که به دلیل مستندات عینی متن آن مورد توجه حاضرین در همایش قرار گرفت. آنچه در پی می‌آید متن سخنرانی ایشان است:

تعاونیها و توانمندیهای صادراتی

دلار بوده است و سیاستهای انقباضی دولت و تغییر سریع ضوابط و دستورالعملهای بانکی و بازرگانی (به ویژه توسط بانک مرکزی) از مهمترین علل عدم جهش صادرات غیرنفتی در سال ۷۵ ذکر شده‌اند.

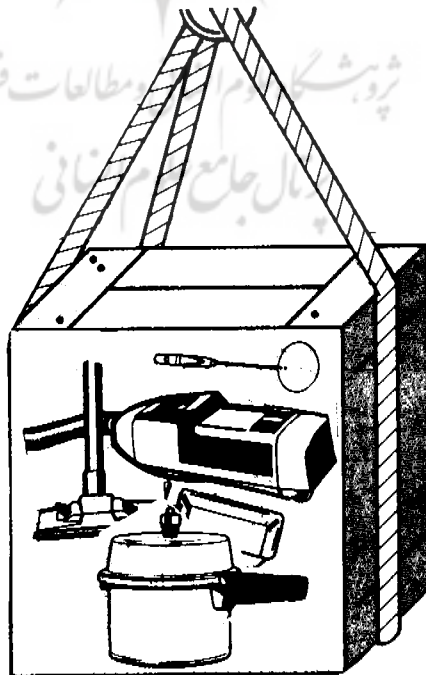
هر چند آمار جمع آوری شده از مراکز استانها نشان می‌دهد که ارزش کل صادرات سهم بخش تعاون نسبت به سال ۷۴، ۰/۹ درصد کاهش یافته اما بدایلی از جمله احتساب ارزش کالا در گمرکات بر طبق ارزش گمرکی که خود حدود ۲۰ تا ۵۰ درصد کمتر از ارزش واقعی است بخش تعاونی بیشتر از ارزش اعلام شده صادرات داشته است.

بررسی آماری صادرات بخش تعاون در سال ۷۵ نشان می‌دهد که صادرات غیرنفتی این بخش از نظر وزنی ۲ درصد و از نظر ارزشی ۱۲ درصد صادرات کل کشور است و این تفاوت فاحش نشان می‌دهد که تعاونیها کالاهای سبکتر اما پرازشتر صادر کرده‌اند.

سهم بالای صادرات پسته در بین اقلام صادراتی بخش تعاون یعنی ۶۳۰۰۰ تن به ارزش ۲۷ میلیارد تومان که ۵۰ درصد صادرات تعاونیها را تشکیل می‌دهد تقریباً

در سال ۷۵ شرکتهای تعاونی تحت پوشش وزارت تعاون با صادرات ۱۲۴۰۰۰ تن کالا به ارزش ۶۵ میلیارد تومان معادل ۲۷۰ میلیون دلار توانسته‌اند ۱۲ درصد کل ارزش صادرات غیرنفتی کشور را به خود اختصاص دهند.

بر اساس آخرین آمار اعلام شده از سوی وزارت بازرگانی و مرکز توسعه صادرات ایران سر جمع ارزش کل صادرات کالاهای غیر نفتی در سال ۲/۲،۷۵ میلیارد



حضر محترم، ضمن گرامیداشت روز صادرات (۲۹ مهر ماه) با اجازه سروران محترم بنده بعنوان عضوی از خانواده تعاون کشور این افتخار را دارم که بمنظور اطلاع شرکت کنندگان عزیز، عملکرد صادرات بخش تعاون را در سال گذشته و همچنین پیشنهادات و موانع صادرات کشور را در این بخش خدمتتان عرض کنم. خانواده تعاون کشور با بیش از ۲۸۵۰۰ تعاونی و حدود ۹۰۰۰۰۰۰ نفر عضو و با سرمایه‌ای بیش از ۱۰۰۰ میلیارد یکی از ارکان اقتصاد کشور است.

کشوری که تجلی اراده عام بوده و خواستار خیر و صلاح یکایک مردم است، طرفدار پیدایش و تکامل هر چه بیشتر تشکلهای مردمی است که آگاهانه در امور اجتماعی و اقتصادی مشارکت نموده تا در بنای جامعه‌ای پویا نقشی مسئولانه برعهده گیرند.

تعاونیها به وصفی که در دهه اخیر شهرت یافته و عرضه وجود کرده‌اند سرآمد چنین گروههایی هستند و می‌توانند به طور همزمان در راه تشخیص خیر و صلاح جامعه قدم بردارند و به این لحاظ مطمئن‌ترین بازوی دولتهای ملی به شمار می‌روند.

مختص استان کرمان است.

نتایج بسیار شگرف حاصل از رشد و توسعه صادرات پسته در جهت ارتقای سطح زندگی مردم در منطقه، کرمان حاصل تلاش تعاونی است.

بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی به یمن راهیابی تعاون به قانون اساسی بخش تعاون از لحاظ عملی رشد فوق العاده‌ای داشته است. و زمینه لازم را برای مشارکت عمومی مردم در سرنوشت اقتصادی خویش فراهم آورده است.

بدیهی است اهرمهای حمایتی نظام اسلامی همچون امتیازات ویژه دولت به تعاونیها در معاملات تجاری، قوانین صادرات و واردات، قوانین مالیاتی در کلیه امور برای این بخش کمال مطلوب خواهد بود.

«تعاونیها وسیعتری شبکه اشتراک و دخالت حقیقی مردم در کارها هستند» ثابت کرده‌اند که با تکیه بر مدیران لایق می‌توانند گامهای اساسی در جهت صادرات کالاهای غیرنفتی بردارند.

تعاونیها تشخیص داده‌اند که با تشکلهای خودیاری می‌توانند به صادرات کالاهای غیرنفتی فکر کنند و تفکر خود را به فعل درآورند.

وقتی از تعاون صحبت می‌کنیم بخش کشاورزی یا صنعت یا خدمات و یا معدن و بهداشت و غیره نیست بلکه مجموعه‌ای از بخشها است.

با این گستردگی، سیاستگذاری برای حمایت از تعاونیها دقتی خاص می‌طلبد و به مرزبندیهای مشخص بین انتظارات دولت و انتظارات و توقعات تعاونیها از دولت نیاز دارد.

به نقلی آمده است که ۸ درصد از کل اعتبارات تسهیلی دولتی مربوط به رشد و شکوفائی صادرات است.

از آقایان سرپرستان محترم بانکهای استان کرمان تقاضا دارم که بفرمایند چه

کشوری که تجلی اراده عام بوده و خواستار خیر و صلاح یکایک مردم است طرفدار پیدایش و تکامل هر چه بیشتر تشکلهای مردمی است که آگاهانه در امور اجتماعی و اقتصادی مشارکت نموده تا در بنای جامعه‌ای پویا نقشی مسئولانه بر عهده گیرند.



مقدار از این بودجه حتی در قالب مشارکتهای مدنی با بهره‌های کلان جذب شده است؟

با عنایت به عدم همکاری سیستم بانکی کشور با بخش تعاونی و عدم هماهنگی نظام بانکی کشور با وزارتخانه‌ها در رابطه با تسهیلات جهت گسترش صادرات غیرنفتی، حمایت بخش دولتی تعاون از صادرات می‌تواند کمکهای مالی به صورتهای مختلف باشد. از آنجا که کمتر دولتی از لحاظ مالی به آن اندازه توانمند است که بتواند احتیاجات مالی یک نهضت توسعه یافته را برآورده سازد بهتر آن است که این اقدام به صورت تشکیل یک

بانک تعاونی رسمی صورت پذیرد تا سرمایه‌های لازم از منابع سرمایه گذاری عمومی جلب شده و نقدینگی مورد احتیاج بخش صادرات و سایر بخشهای تعاونی حتی المقدور فراهم گردد. در سیستم بانکی موجود استقلال تعاونیها مخدوش می‌شود در حالیکه بخشی از سپرده‌های موجود در این سیستم مربوط به بخش تعاون است. خوشبختانه باتشکیل صندوق تعاون در استان کرمان گامی اساسی در جهت استقلال و همچنین خوداتکائی تعاونیها برداشته شده است لکن برنامه ریزی درجهت ارائه تسهیلات به بخش صادرات امری بایسته و ضروری است.

سیستم دولتی کاهش یابد، و رضایت متقاضیان هم جلب شود و آیا می‌توان با داشتن الگوی مناسب علاوه بر رعایت نکات فنی در ساختمان سازی، ضوابط شهرسازی هم رعایت و اجرا شده و مشکلات ترافیکی، امنیتی و خدمات رسانی و غیره... کاهش یابد؟

با اطمینان می‌توان گفت که تعاونیهای مسکن دارای چنین جایگاهی هستند. هزینه‌های فزاینده زندگی، امکان صاحب مسکن شدن افراد با درآمد ثابت را بصورت انفرادی تقریباً غیرممکن می‌سازد، لیکن همین افراد در قالب تعاونی و با مساعدت سایر اعضا می‌توانند برای خود صاحب سرپناهی مناسب گردند.

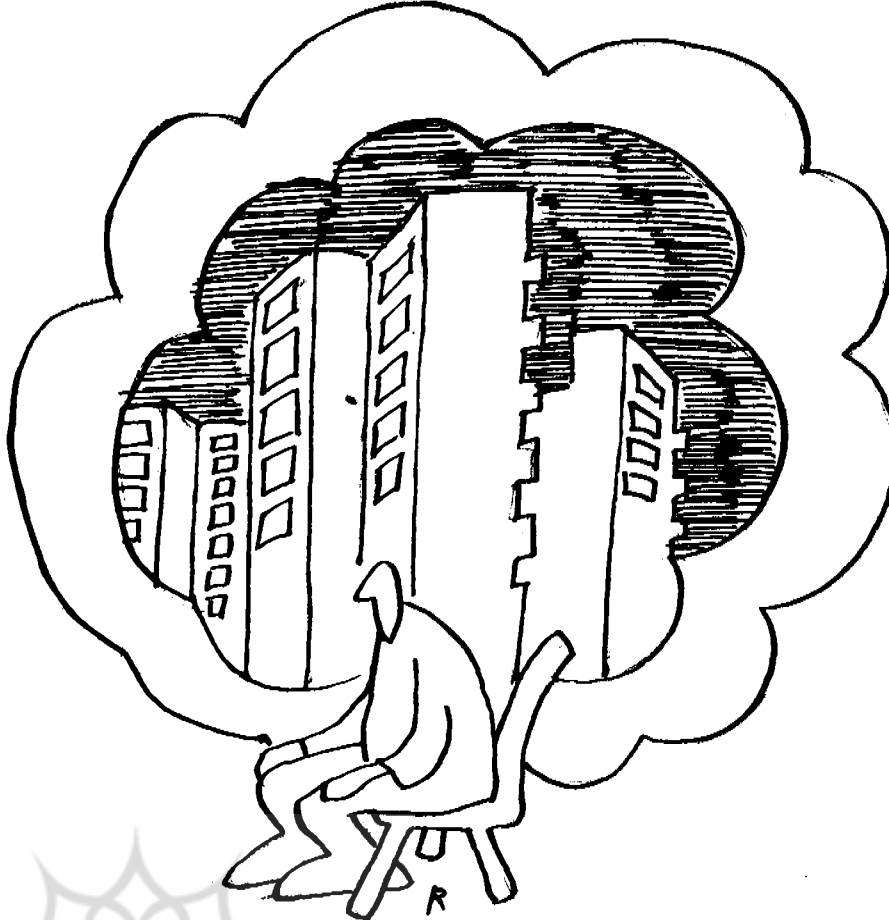
تعاونیهای مسکن دارای ویژگیها و خصوصیات می‌باشند که می‌توان آنها را به دو گروه متفاوت تقسیم نمود:

الف) محاسن و ویژگیهای مربوط به خود تعاونی عبارتند از:

- ۱- کاهش هزینه‌های دولتی
- ۲- کمک به اجرای مقررات
- ۳- رعایت الگوهای مصوب مسکن
- ۴- اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی
- ۵- تخصصی شدن امور و اجرای سبکهای یکنواخت احداث مسکن بجای سلیقه‌ای و ناممکن بودن واحدها از نظر نقشه، مصالح و نما.
- ۶- زیباسازی و زیباسدن فضای شهر از حیث همگونی در شکل و ساخت نمای واحدها

ب) محاسن و ویژگیهای مربوط به متقاضیان مسکن که همان اعضا شرکت تعاونی می‌باشند.

- ۱- صرفه جویی در هزینه‌های افراد، باتوجه به اینکه اقدام فردی برای اشخاص هزینه‌های بیشتری در بردارد. (کاهش هزینه سرانه)
- ۲- اجرای پروژه‌های بزرگ با سرمایه اندک اعضا
- ۳- اطمینان اعضا از این نظر که بالاخره صاحب مسکن خواهند شد.
- ۴- صرفه جویی در وقت افراد
- ۵- ایجاد ارزش افزوده و اطمینان از



تعاون و مسکن

از: حمید نوروزی

نگاهی کوتاه به وضعیت تعاونیهای مسکن در کرمان

تعاونیهای مسکن به عنوان بازویی توانمند در اجرای پروژه‌های تولید انبوه مسکن، می‌توانند مشکل گشای تأمین مسکن باشند، البته با لحاظ کردن این موضوع که داشتن نظارت و کنترل بر کار تعاونیها، بجای دخالت امری است ضروری و اجتناب‌ناپذیر.

مسکن یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر است. بطوریکه پس از تامین غذا و پوشاک مسئله مسکن مورد توجه می‌باشد. زمانی که انسان صاحب مسکن گردید، نیاز به مسکن تبدیل به یک خواسته شد و از آن به بعد سلیقه، ذوق و هنر در آرایش و پیرایش آن جلوه گری نمود بنحوی که امروزه همگی شاهد انواع و اقسام سبکها و روشهای بکار برده شده در احداث مسکن می‌باشیم.

یکی از عوامل مهمی که در نوع مسکن هر خانوار تأثیر بسزایی دارد، بنیه مالی آن

خانوار می‌باشد. جایگاه و منزلت اجتماعی افراد نیز عامل دیگری است که در این زمینه نقش ایفا می‌کند.

بطور کلی در جوامعی که منابع و توان استفاده و بکارگیری از آنها محدود است، صاحب مسکن شدن افراد براحتی امکان‌پذیر نیست.

در این جا یکسری سؤال برای ما پیش می‌آید که اولاً آیا امکان افزایش منابع وجود دارد؟ و آیا می‌شود در این زمینه متقاضیان مسکن را به شیوه‌ای آسان و با صرف کمترین هزینه و بیشترین منابع صاحب مسکن نمود، به قسمی که فشار وارده بر

سرمایه‌گذاری انجام شده در امر مسکن
۶- اطمینان به جلب کمکهای دولتی از قبیل
وام مسکن در حالیکه در اقدام انفرادی، عدم
اطمینان افراد به وضوح مشاهده می‌شود.

۷- اطمینان کامل از این که در احداث
واحدهای مسکونی زیر نظر تعاونی نکات
فنی و ضوابط شهرسازی بهتر و بیشتر
رعایت گردیده است.

۸- تقویت روحیه دموکراسی و
تصمیم‌گیری گروهی بجای اتخاذ
تصمیمات فردی.

وضعیت تعاونیهای مسکن در کرمان

تاکنون جمعاً تعداد ۳۰۳۰۸ نفر از
کارمندان، کارگران بخش دولتی و
خصوصی در ۲۲۶ شرکت تعاونی مسکن
در استان کرمان گرد آمده‌اند تا با
سرمایه‌های اندک خود و همچنین اخذ
اعتبارات بانکی صاحب مسکن گردند. در
اینجا مناسب است نظری به روند رشد
ساخت واحد مسکونی توسط تعاونیهای
مسکن در استان کرمان داشته باشیم:

۱- تعداد واحدهای احداثی تحویل شده، قبل
از انقلاب شکوهمند اسلامی ۸۷۵ واحد.

۲- تعدد واحدهای احداثی بعد از انقلاب
اسلامی تا تأسیس وزارت تعاون (پایان
سال ۱۳۷۰) ۳۷۰۵ واحد.

۳- تعداد واحدهای احداثی تحویل شده بعد
از تأسیس وزارت تعاون ۲۱۲۶ واحد، لازم
به ذکر است که تعداد ۸۶۲۷ واحد مسکونی
نیز، هم اکنون توسط شرکت‌های تعاونی
در دست ساختمان است.

ارقام فوق نشانگر جذب افراد به سمت
تعاونیهای مسکن می‌باشد که دلیل عمده
آن امید افراد برای رسیدن به سرپناه از
طریق تعاونی هاست، باتوجه به این که
دولت جمهوری اسلامی به اینگونه تعاونیها
نظر مساعد داشته و آنها را یاری و
مساعادت می‌نماید.

عامل عمده دیگری که تعاونیهای
مسکن را مطرح ساخته و سبب جلب
کمکهای دولتی به اینگونه تعاونیها گردید،
همکاری آنها باتشکیلات دولتی می‌باشد.
تعاونیهای مسکن به عنوان بازویی

توانمند در اجرای پروژه‌های تولید انبوه
مسکن، می‌توانند مشکل گشای تأمین
مسکن باشند، البته با لحاظ کردن این
موضوع که داشتن نظارت و کنترل بر کار
تعاونیها، بجای دخالت امری است
ضروری و اجتناب‌ناپذیر.

تنگناها و مشکلات تعاونیها اغلب
مربوط به تأمین زمین، مصالح و وام
می‌باشد.

توجه به این نکته نیز ضروری است که
زمین و وام و تسهیلات اغلب در اختیار

بخش دولتی است، لیکن با سهولت در
اختیار متقاضیان قرار نمی‌گیرد، این امر
مستلزم مساعدت و همکاری بیشتر
مسئولین و متولیان مربوطه می‌باشد.
بطور کلی می‌توان چنین استنباط کرد که
تعاون شیوه‌ای است پسندیده و الگویی
است متناسب با نیاز جامعه که هماهنگ با
سیاستهای دولت، فعالیت توسعه‌یافته و
راهگشایی است برای مردم، از همین
روست که شعار یکی برای همه و همه برای
یکی، شعار جهانی تعاون گردیده است.

این زمینه.

۱۹- اسکله سازی: با توجه به کمبود اسکله
کافی جهت صید و صیادی و حمل و نقل بار
و مسافر، در ظرفیتهای مختلف.

۲۰- ایجاد کارخانجات دانه‌بندی شن و
کاشی سازی: با توجه به نیاز منطقه و
مناسب بودن خاک آن و وجود معادن
گسترده شن و ماسه در اغلب نقاط استان.

۲۱- در زمینه معدن ایجاد تشکلهای
تعاونی جهت بهره‌برداری از معادن زغال
سنگ، خاک نسور، صدف دریائی، سنگ
آهک، سنگ ساختمانی، سنگ نما، سیلیس
پودر خاک سنگ در مناطقی مانند رودبار،
منجیل، لاهیجان و ماسوله.

۲۲- و بالاخره در زمینه خدمات و بازرگانی
با توجه به ساحلی بودن استان و همسایگی
آن با جمهوریهای حاشیه خزر و گسترش
همکاریهای اقتصادی ایران با این کشورها،
می‌توان به تشکیل شرکتهای تعاونی

خدماتی و بازرگانی مختلفی مبادرت نمود
که از جمله آن باید به تشکیل تعاونیهای
صادراتی و حمل و نقل کالا و مسافر
خصوصاً حمل و نقل دریائی - تشکیل
تعاونیهای ارائه خدمات توریستی از قبیل
قایقرانی، هتل، رستوران، چایخانه،
تسورهای گشت و گذار و بالاخره در
زمینه‌های فرهنگی و به ایجاد مدارس و
آموزشگاههای غیرانتفاعی و مجتمع‌های
ورزشی اشاره نمود.

بقیه از صفحه ۵۵

بسیار بصره می‌باشد.

۱۵- احداث کارخانجات روغن زیتون: چون
بخش گسترده‌ای از مناطق رودبار، منجیل
و لوشان اختصاص به باغات زیتون دارد و
اخیراً نیز طرح گسترش باغات زیتون مورد
نظر می‌باشد، لذا در صورت تحقق این امر،
به کارخانجات مختلف روغن زیتون نیاز
خواهد بود. بهمین منظور احداث کارخانه
روغن زیتون در یکی از مراکز پر تراکم
تولید زیتون ضروری بنظر می‌رسد.

۱۶- ایجاد کارخانه تولید کاغذ و مقوا: با
توجه به اینکه از صنایعی است که بعلت
امکان تأمین مواد اولیه آن در استان، زمینه
زیادی جهت رشد دارد.

۱۷- صنایع داروهای گیاهی: در بعضی از
نقاط گیلان گیاهانی وجود دارند که دارای
خاصیت داروئی می‌باشند و می‌توان در
قالب تشکلهای تعاونی این گیاهان را
جمع‌آوری و برای مصارف گوناگون
پزشکی آماده نمود.

۱۸- کارخانه شناورسازی: بدلیل نیاز
صیادان و همچنین بمنظور جابجایی
مسافرین در بعضی از فصول سال و وجود
زمینه‌های تخصصی لازم جهت اقدام در